

# شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی

شماره مخصوص تابستان و پائیز  
۱۳۸۶ خورشیدی - ۲۰۰۷ میلادی - ۵۷۶۷ عبری



”ای قوم شریعت مرا بشنوید  
تسبیحات خداوند را برای نسل آینده بیان می‌کنم  
خداوند پدران ما را امر فرمود که آنها را به فرزندان  
خود تعلیم دهند تا نسل آینده آنها را بدانند و  
فرزندانی که می‌بایست مولود شوند“  
مزامیر داوود







**DAMOKA**  
LOS ANGELES INC

**Rug**

**SALE**



فرش داموکا به مناسبت تعمیرات و جابجایی  
حراج فرشهای خود را از تاریخ اول جولای ۲۰۰۷  
آغاز می کند از این فرصت استثنائی استفاده کرده  
و فرشهای اعلاء موردنظر خود را خریداری فرمائید

Address: 1424 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024

Tel: (310) 475-7900

[www.damokala.com](http://www.damokala.com)

ساعت کار هر روز هفته ۱۰ صبح تا هفت بعدازظهر  
چهارشنبهها تعطیل می باشد

"Get the Soul of Life,  
On the Wings of Music..." (P. A.)

"بر بالهای موسیقی،  
روح زندگی را به خانه خود بیاورید..." (پ.ا.)

# آموزش نوازندگی پیانو

زیر نظر

## پییمان اخلاقی

پیانست، آهنگساز

لیسانس و فوق لیسانس رشته موسیقی از UCLA  
دانشجوی دکترای آهنگسازی

با بیش از پانزده سال تجربه تدریس خصوصی  
و سابقه اجرای کنسرت های متعدد

Piano Instructions

By

**Payman Akhlaghi**

Composer, Pianist

MA, BA in Music From UCLA  
PhD Student of Composition

\*آموزش موسیقی کلاسیک، پاپ، ایرانی، فیلم...  
\*آموزش سلفژ، تنوری موسیقی و فنون آهنگسازی  
\*کلاس های ویژه مدرسین پیانو  
\*آموزش در استودیوی خصوصی ویا منزل شما  
(تحت شرایط عادی، همه کلاس ها تک- نفره هستند.)

## اجرای تکنوازی پیانو

Private Recitals and Solo  
Performances at Ceremonies,  
Banquets and Other Festivities

اجرای کنسرت های خصوصی و  
موسیقی پس زمینه در مراسم اردوور،  
نامزدی، عروسی، بنکویت...  
(هزینه از \$500 به بالا)

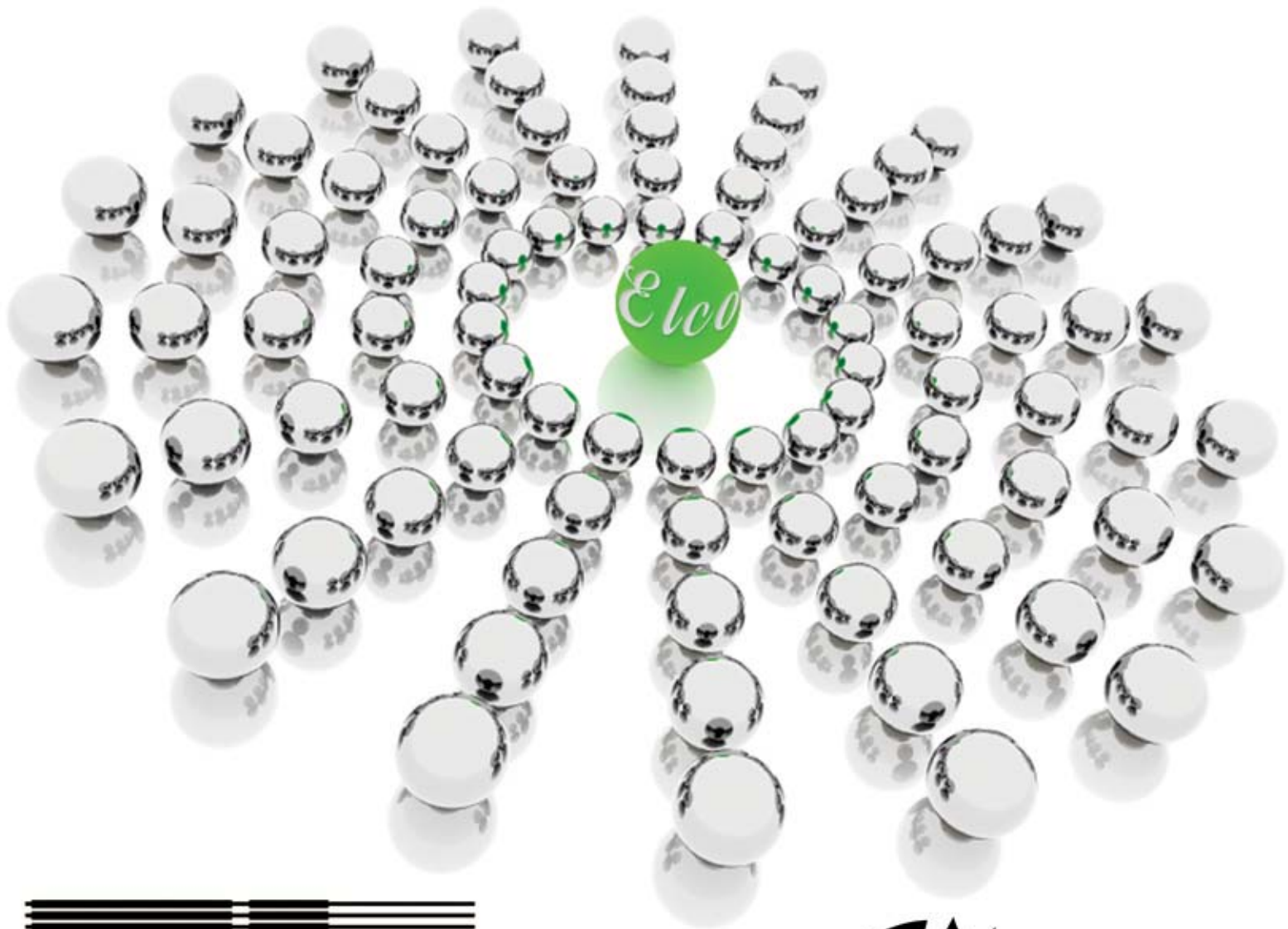
Tel: (310) 208-2927

Lessons covering: Brentwood, Bel Air, Beverly Hills, Westwood, West LA, Santa Monica, Sherman Oaks, etc. Text & Design © 2006, Payman Akhlaghi





# ELCO *Lighting*



## الكو

نامی معتبر، شناخته شده  
و پیشگام  
در صنعت نور و روشنایی



## شوفار

نشریه فدراسیون

یهودیان ایرانی کالیفرنیا

1317 N. Crescent Height Blvd.

West Hollywood, CA 90046

Tel: (323) 654-4700

Fax: (323) 654-1791

۱۳۸۶ خورشیدی

شماره تابستان و پاییز ۲۰۰۷ میلادی

۶۸-۵۷۶۷ عبری

سردبیر: مژگان مقدم- رهبر

شوفار ارگان فدراسیون یهودیان ایرانی با هدف ایجاد ارتباط مستقیم بین فدراسیون و افراد جامعه و اعتلای فرهنگ یهودیان ایرانی و ایجاد هماهنگی بین سازمانها، گروه ها و نسلهای گوناگون فعالیت خود را ادامه میدهد.

شوفار در انتخاب مطالب، ویرایش متون و حفظ مصالح جامعه آزاد است.

آثار و مقالات مندرج در شوفار  
بیانگر نظرات نویسندگان آن مقالات بوده و بازتاب عقاید و آراء گردانندگان آن نمی باشد.  
مسئولیت مندرجات آگهی ها به عهده شوفار نیست.  
شوفار از کلیه نویسندگان، مترجمان و اهل قلم برای بخش های مختلف، دعوت به همکاری می کند.

نقل مقالات و مطالب نشریه

با ذکر مأخذ آزاد می باشد.

عکس روی جلد از: ندا معتمدی

حروفچینی، طراحی جلد، صفحات، آگهی ها

مژگان یوسفی ۵۹۳۵-۲۶۴ (۸۱۸)

|    |  |
|----|--|
| ۵  | پیشگفتار   |
| ۶  | پیام رئیس هیات اجراییه                           |
| ۷  | فعالیت گسترده کمیته حل اختلافات                  |
| ۸  | برگزاری سمینار "Stem Cell" در "نعمان هال"        |
| ۱۰ | قدردانی از بیش از نیم قرن خدمات فرهنگی و اجتماعی |
| ۱۱ | بزرگداشت خانم محبوبه و آقای نوراله گبای          |
| ۱۴ | انتشار و معرفی دو کتاب                           |
| ۱۵ | بهره برداری اسرائیل از مخازن گاز طبیعی           |
| ۱۶ | گفتگویی با آقای الیاس اسفندی                     |
| ۱۷ | بستنی کاغذی                                      |
| ۱۹ | معرفی بنیاد ولف                                  |
| ۲۱ | دره صلح  |
| ۲۳ | گفتگویی با پروفیسور امنون نتصر                   |
| ۲۶ | نگاهی به تاریخچه پیدایش ادبیات فارسیهود در ایران |
| ۲۹ | اصفهان نصف جهان                                  |
| ۳۱ | کتاب تاریخ یهود                                  |
| ۳۶ | تورات به زبان فارسی                              |
| ۳۷ | ایپک لابی قدرتمند اسرائیل و صیونیست مسیحی        |
| ۳۸ | نتیجه غیر منتظره یک نظرسنجی                      |
| ۳۹ | گلچینی از باغ ادبیات                             |
| ۴۰ | بهشتیه یادگاری از گذشتگان                        |
| ۴۳ | صافی   |

|    |   |
|----|---|
| 1  | The Passing Seasons                                 |
| 2  | Bowling Night at Lucky Strikes in Hollywood         |
| 4  | One Community, One Mission                          |
| 6  | The State Of Happiness                              |
| 8  | A Humorous Commentary                               |
| 10 | A Journey Through The Lives Of Iranian Jewish Women |
| 15 | Rosh Hashanah... My Style                           |
| 16 | You are cordially invited...                        |
| 17 | So, What's it like to live in ... Israel?           |
| 18 | Answers to Her                                      |
| 18 | Circle of Love                                      |
| 19 | Starting Over Again In a New Country                |
| 22 | Malka Hadassah's Annual Luncheon                    |
| 23 | BEING HAPPY ... TODAY                               |
| 24 | Night whispers                                      |
| 24 | Sand & Stone  |
| 24 | "The Kite Runner" by: Khaled Hossini                |
| 25 | NEW JEWISH MUSIC                                    |
| 26 | Jews of Iran  |
| 27 | A SPECIAL GIFT                                      |
| 29 | Wisdom from President Abraham Lincoln               |
| 31 |   |



## Shofar

A Publication of  
Iranian American  
Jewish Federation

Summer - Fall 2007

Editor in Chief:

Mojgan Moghadam-Rahbar

Contributing Writers:

Farnoush Abrishami

Rozi Ebrami

Sarit Fassazadeh

Gary Fitleberg

Ira Farnoush

shirin Gabay

Tanaz Kamran- Rahbar

Mastaneh Moghadam-Ellis

Shireen Oberman

Dr.Nahid Pirnazar

Saba Rahbar

Nazanin Ramzi-Shamtoubi

Sabba Soumekh

Cover Photo by:

Neda Motamedi

Children on the Cover:

Kayla & Siena Casale,

Zackary and Joshua

Fouladian, Narges & Kimiya

Motamedi, Daniel Rahbar

The Views and opinions expressed in the published articles, are those of the writer and do not in anyway represent the views of "Shofar" or the Iranian-American Jewish Federation

Typesetting, Layout,  
Coverage and Design by:

Mojan Design

(818) 264-5935

## شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی

تابستان و پاییز ۱۳۸۶

ریاست و اعضاء هیئت امناء  
و هیئت اجرائیه فدراسیون  
یهودیان ایرانی فرا رسیدن  
**روش هشانا** و سال نو  
۵۷۶۸ را به کلیه همکیشان  
عزیز تبریک می‌گویند.  
با آرزوی صلح و آرامش  
برای تمام افراد بشر.



# ... و دوباره سال نو می شود



## پیشگفتار

مژگان مقدم - رهبر

بودند و با سرعت قابل توجهی به دنبال رسیدن به آینده ای بودند که به نظر می آمد از دست رفته. امروز به عنوان یک روزنامه نگار و سردبیر نشریه شوفار به وضوح می بینم که بخش انگلیسی این نشریه شکل کاملاً جدیدی به خود گرفته. نوجوانان ما جای خود را در جامعه ای چند فرهنگی پیدا کرده اند و با مسائلی کاملاً متفاوت روبرو هستند. والدین جوان با آگاهی به منحصر به فرد بودن این جامعه برای پیشرفت آن می کوشند و به جای فرار از آن در بقایش با یکدیگر همکاری می کنند.

ما یهودیان ایرانی و اصولاً ایرانی ها در هر نقطه دنیا که هستیم به خاطر بهره مند بودن از یک فرهنگ غنی و در نهایت زیبا، هرگز هویت خود را فراموش نکردیم و در هر زمانی به کمک آن آینده را ساخته ایم. با خوش بینی و خوشروئی زیباییهای فرهنگ های دیگر را پذیرفته ایم و با وفاداری کامل به آنچه که داشتیم پایبند مانده ایم. از این رو است که سه بار سال نو را جشن می گیریم و با امید به آینده می نگریم و بدون فراموش کردن گذشتگان، در پیشبرد آیندگان می کوشیم.

در خاتمه با سپاسی فراوان از دوستانی که طی تلفن و نامه مشوق ما در چاپ شماره گذشته شوفار بودند، امیدوارم که سال عبری سرشار از برکت و سلامتی برای همگان باشد.

برنده نمی بینیم بلکه فکر می کنیم که این جامعه با مشکلات بسیار و غیر قابل علاج روبرو است و هیچ گونه پیشرفتی در این دو دهه اخیر نداشته. افراد مسن به دست فراموشی سپرده شده اند و جوانان به بیراهه می روند. اما اگر کمی دقیق تر به این جامعه منحصر به فرد نگاه کنیم و پیچیدگیهای آن را با حوصله موشکافی کنیم متوجه می شویم که این جامعه کوچک در این بیست و چند سال اخیر با وجود تمام سنگهای بزرگ و چاه های عمیقی که در جلوی پایش بوده با سربلندی به بهترین ها دست یافته. تغییر و تحولاتی که در این زمان کوتاه برای جامعه ما رخ داده شاید بیش از نیم قرن در جوامع دیگر و موقعیتهای تاریخی و جغرافیایی دیگر به طول انجامیده.

با کنجکاو شماره های اولیه مجله شوفار را مرور می کردم، صفحاتی را که برای جوانان نوشته شده بود توجهم را جلب کرد این نوشته ها همه به زبان فارسی بودند، برای نوجوانانی که پس از مهاجرت دنبال هویت خود می گشتند و با فرهنگی غریبه دست و پنجه نرم می کردند. کمتر از ده سال بعد از انتشار شوفار، نشریه پیمان برای جلب نسل جوان قسمت انگلیسی را در مجله آغاز کرد. با توجه به این که این نسل جوانتر حتی خواندن فارسی برایش مشکل شده بود تمام مقالات برای نوجوانانی تهیه می شد که راه و کلید موفقیت در کشور میزبان را پیدا کرده

بهار را پشت سر گذاشتیم و تابستان به سرعت به پایان می رسد و با اشتیاق در انتظار رسیدن پائیز و سال نو عبری، روش هشانا و یوم کیپور هستیم. ما ایرانیان یهودی که در آمریکا و کشورهای غربی روزگار را می گذرانیم جزو یکی از خوشبخت ترین جوامع هستیم. تنها گروهی هستیم که از شروع بهار تا پایان زمستان سه بار رسیدن سال نو را جشن می گیریم. آغاز بهار را با نوروز و عوض شدن سال شمسی به فال نیک می گیریم و سالی بهتر آرزو می کنیم، شروع پائیز را با فرارسیدن روش هشانا و تغییر سال عبری به یکدیگر تبریک می گوئیم و از مراسم آن لذت می بریم و از راه رسیدن زمستان را با عوض شدن سال مسیحی جشن می گیریم. پروردگار این فرصت را به ما داده تا سه مرتبه در طی یک بار چرخش کامل زمین زندگی را از نو آغاز کرده و امیدوار باشیم که در سال آینده آرزوها و رویاهایمان به حقیقت تبدیل خواهند شد. این تازه شدن زندگی به یکایک ما نیرویی تازه برای ادامه آن و خوشبین ماندن به آینده می دهد. بازی های زندگی و پیچ و خمهای همواره انسان را در نوعی حالت آماده باش نگه میدارند و البته جامعه ما و تمام اعضای آن سهمی عظیم از این پستی و بلندیها داشته ایم، و خدا را شکر تا به حال جزو برندگان بوده ایم. اگر از آن دسته افرادی باشیم که به همه چیز با بدبینی نگاه می کنیم، نه تنها جامعه یهودی ایرانی خارج از ایران را





## پیام رئیس هیات اجرایی آقای منوچهر نظریان

اخیر این کار نیز به نحو مطلوبی به انجام رسیده که ریز فعالیت‌ها را در فرصتی مناسب تر با جامعه در میان خواهیم گذاشت و گزارشی کامل از آن در نشریه شوفار چاپ خواهد شد. یکی دیگر از اهداف ما جمع آوری اعانات و فاند ریزینگ برای پروژه‌های مختلف بوده که آن نیز با همکاری و همراهی دوستان در فدراسیون و جامعه یهودی ایرانی تا حد قابل ملاحظه ای انجام شده که توضیحات آن قبلا در این نشریه به چاپ رسیده و همچنان قدمهای جدید نیز در این مجله منعکس خواهد شد. در این جا می‌خواهم از تمام دوستان و یاران در هیئت اجرایی و هیئت امناء سپاسگزاری کنم که با حفظ کامل روح دموکراسی و انگیزه کمک به جامعه فعالیت‌های خود را در این سازمان ادامه میدهند.

شده و امیدواریم هر چه زودتر به انجام برسد تا جامعه بتواند با سرویسهای مجهزتری که پیش بینی شده از این سالن که در مجاورت سالن "نعمان" است نیز بهره برداری کند. هم زمان با این نوسازی درصدد هستیم که زمین روبروی ساختمان فدراسیون را به صورت ساختمانی که مسئله کمبود پارکینگ را حل کند در آوریم و در عین حال یک سالن بزرگتر به مساحت شانزده هزار اسکوئر فوت در این ساختمان جدید بنا کنیم. یارانم در هیات اجرایی با پشتکار و علاقه هر چه تمام تر در حال رسیدگی به این کارها هستند که بزودی نتایج مطلوب آن را اعلام خواهیم کرد. هدف دیگر من از بدو اجرای وظیفه در فدراسیون این بوده که تا حد امکان مخارج و بودجه این سازمان را طوری تغییر دهم که به نفع فدراسیون باشد خوشبختانه در چند ماه

هماهنگ کردن و شکل دادن به مسائل و احتیاجات روزمره سازمانی چون فدراسیون یهودیان ایرانی کار ساده ای نیست و همین دانش باعث شده تا همچنان احترام بسیاری برای گردانندگان سابق و فعالان امروز فدراسیون داشته باشم. بطور حتم هر کدام از ما با خواست خود و برای یاری دادن به جامعه و احساس این که در طول زندگی مفید واقع شده ایم این وظیفه سخت اما رضایت بخش را به عهده می‌گیریم و امیدواریم که تا زمانی که این مسئولیت را داریم به بهترین شکل آن را انجام دهیم.

از بدو کارم به عنوان رئیس هیات اجرایی چند هدف مشخص را برای پیشبرد فدراسیون یهودیان ایرانی به عنوان یک سازمان پر نفوذ و قوی در جامعه ایرانی و آمریکایی، انتخاب کرده‌ام که خوشبختانه با همراهی و پشتیبانی یارانم در هیات اجرایی راهنمایی و پشتیبانی دوستان در هیات امناء قدمهای مثبتی در این راه برداشته شده و امید به ثمر رسیدن آنها در آینده نزدیک بسیار است. از جمله این اهداف یکی ادامه نشریه "شوفار" بود که خوشبختانه با همکاری کادری با تجربه و گروهی نویسندگان علاقمند این کار با وجود تمام مشکلاتی که در برداشته انجام شده و با کیفیت بسیار عالی چاپ مرتب خود را آغاز کرده. یکی دیگر از اهداف نوسازی سالن "سپراهل" است که با پشتکار و پیش بینی های سنجیده زمانی و مالی این کار نیز شروع



### سالن نعمان

در فدراسیون یهودیان ایرانی

با گنجایش ۴۵۰ نفر مکانی استثنائی و باشکوه  
برای برگزاری مراسم و جشنهای شما



برای کسب اطلاعات بیشتر با خانم ایرما اسمیت با  
تلفن ۲۱۴۲-۶۵۶ (۳۲۳) تماس حاصل فرمائید



## فعالیت گسترده کمیته حل اختلافات (Mediation Services)

کشوری قابل اجرا و تعقیب است. متقاضیان می‌توانند برای گرفتن وقت قبلی با خانم سلیمانی با دفتر فدراسیون شماره تلفن ۴۷۰۰-۶۵۴ (۳۲۳) تماس بگیرند. دو ساعت مشاوره اولیه در تمام امور رایگان خواهد بود و پس از آن با در نظر گرفتن بودجه و امکانات مراجعین مقدار بخصوصی دریافت خواهد

مشکلات خانوادگی، طلاق و درگیریهای والدین جدا شده در نگهداری از فرزندان و رسیدگی به پرونده کودکانی که توسط پدر و یا مادر دزدیده شده و از کشور خارج شده اند، می‌پردازند. خانم فریبا سلیمانی هر دو جمعه یکبار از ساعت یازده تا ۲ بعد از ظهر در دفتر مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی، واقع در

ریاست دوره جدید کمیته حل اختلافات فدراسیون یهودی ایرانی کالیفرنیا به عهده وکیل با تجربه و زبردست خانم فریبا سلیمانی گذاشته شده. خانم سلیمانی بابتش از پانزده سال تجربه در انواع رشته‌های قانونی ساعات خود را برای رسیدگی به مسائل و مشکلات قانونی هموطنان در



شد، که تماماً به فدراسیون اهدا می‌شود. هیئت اجراییه و امناء فدراسیون یهودیان ایرانی امیدوار هستند که خدمات کمیته حل اختلافات راهگشایی برای احتیاجات اعضای جامعه باشد و از توجه خانم فریبا سلیمانی و همکاران ایشان در این کمیته سپاسگزاری می‌کنند.

خیابان "کرسنت هایت"، افرادی را که نیاز به مشاوره در رابطه با مسائل حقوقی و یا اختلافات خانوادگی دارند، یاری می‌دهند. تصمیماتی که پس از پروسه میانجیگری بوسیله Mediator در مورد درگیریهای مراجعین گرفته می‌شود طبق قانون به ثبت رسیده و عیناً مانند رای دادگاه های ایالتی و

اختیار فدراسیون گذاشته‌اند. به اضافه اداره دفتر وکالت شخصی خود خانم سلیمانی به عنوان قاضی موقت و مدیاتور (واسطه) در دادگاه های لوس آنجلس و ون نیز کار می‌کنند. ایشان در تمام رشته‌های قانونی تجربه دارند، اما بیشتر اوقات خود را در رسیدگی به

## برگزاری سمینار "Stem Cell" در "نعمان هال"

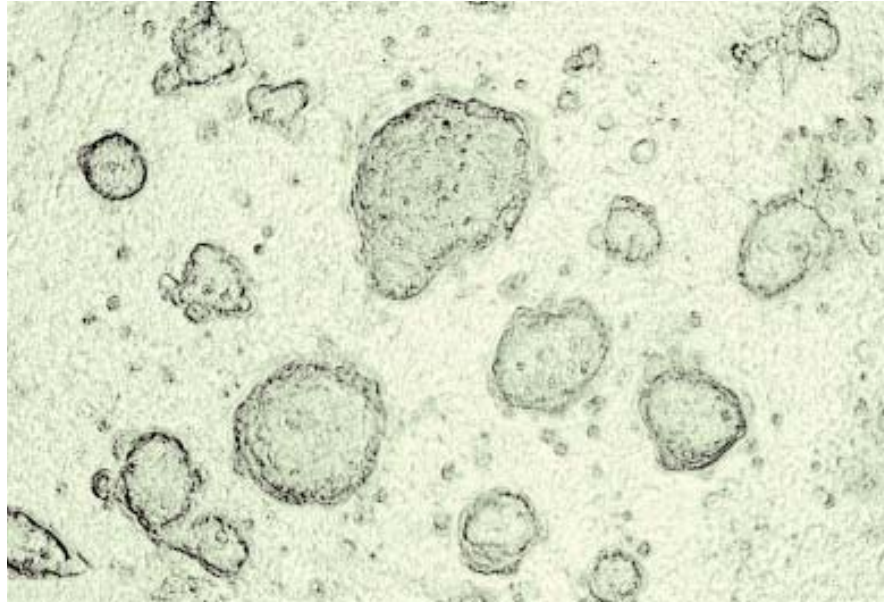
تحقیقات درمان توسط Stem Cell و مدیر مرکز علوم تکنیکی این پدیده در دانشگاه عبری اورشلیم.

۴- پروفیسور شموئیل رهبر - استاد کرسی بیماریهای قند در مرکز پزشکی City Of Hope.

ترکیب گروه فوق به خوبی همکاری نزدیک و گسترده دو مرکز پزشکی معتبر جهانی سیدر ساینای و دانشگاه عبری اورشلیم را نشان میداد. در پایان برنامه شرکت کنندگان علاقمند سوالات خود را مطرح کردند و در پایان آقای دکتر شهریار عمرانی از طرف فدراسیون از این که این گروه دعوت فدراسیون را پذیرفته و حضور گسترده ای در این سمینار داشته اند تشکر نمود.

جا دارد فدراسیون از همکاری مستقیم خانم بیتا بنجی، مسئول اداری بخش تحقیقات این گروه، که به عنوان هماهنگ کننده این برنامه علمی بسیار زحمت کشیدند سپاسگزاری می کنیم.

فدراسیون امیدوار است که در آینده در برگزاری این نوع سمینارها که در بالا بردن سطح اطلاعات عمومی جامعه بسیار موثر است همچنان پیش قدم باشد.



۱- دکتر Nissim Benvenisty معاون ارشد انستیتو تحقیقات Stem Cell در سیدر ساینای و رئیس مرکز تحقیقات در دانشگاه عبری اورشلیم  
۲- دکتر Zulma Oazit کارشناس ارشد لابراتوار درمانهای وابسته به Stem Cell در سیدر ساینای و لابراتوار تغییرات بیولوژی در ستون فقرات در دانشگاه عبری اورشلیم.  
۳- دکتر Dan Gazit مدیر لابراتوار

در تاریخ چهارشنبه ۱۸ جولای ۲۰۰۷ چهارمین سمینار از دوره سمینارهای آموزشی، اجتماعی و سیاسی فدراسیون یهودیان ایرانی درباره آخرین تحقیقات و پژوهشهای علمی و عملی در مورد Stem Cell که یکی از تازه ترین پدیده های پزشکی است با همکاری و مشارکت گسترده مرکز مطالعات پزشکی سیدر ساینای در سالن نعمان تشکیل و با استقبال علاقمندان مواجه گردید.

در ابتدای جلسه دکتر شهریار عمرانی، سرپرست کمیته سمینارهای فدراسیون، ضمن خوش آمدگویی به شرکت کنندگان و برگزار کنندگان سمینار به اهمیت این گونه پژوهشها اشاره کرده و از دکتر دیوید مایر سرپرست این گروه تحقیقاتی و معاون پرزیدنت مرکز پزشکی سیدر ساینای و همکاری این گروه در برگزاری این سمینار تشکر کرد.

دکتر دیوید مایر اعضا گروه را به شرح زیر معرفی کرده و از آنان برای ایراد سخنرانی دعوت به عمل آورد.

### خواننده عزیز

ما مشتاق هستیم که نظریات و عقاید شما را درباره نشریه شوفار و خدمات فدراسیون یهودی ایرانی کالیفرنیا دریافت کنیم.  
لطفاً از طریق نامه و یا تلفن با ما تماس بگیرید.

### Shofar Publication

1317 N. Crescent Heights Blvd., West Hollywood, CA 90046  
(323) 654-4700

شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی



# انتخابات هیئت امناء

دوستان عزیز :

فدراسیون یهودیان ایرانی آماده برگزاری دوره ششم انتخابات هیئت امناء میگردد. دوره فعلی ماموریت اعضاء این گروه در ۳۰ آپریل سال ۲۰۰۸ به پایان خواهد رسید. طرح اجرایی این انتخابات توسط خانم مژگان حکیمی، رئیس کنونی مجتمع فرهنگی و مذهبی نصح، و با نظارت آقای نورالله گبای، عضو هیئت امناء فدراسیون و بنیاد مگبیت، آماده شده است. جزئیات این طرح به زودی به اطلاع عموم خواهد رسید. از علاقمندان دعوت می‌کنیم تا برای اعلام نامزدی خود در این انتخابات و یا دریافت ورقه‌های رای به آدرس الکترونیکی: [federationelection@yahoo.com](mailto:federationelection@yahoo.com) مراجعه کنند.

هیئت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی

## قدردانی از بیش از نیم قرن خدمات فرهنگی و اجتماعی

ادبیات فرانسه به ایران مراجعت و در سمت دبیری و سرپرستی و ریاست مدارس آلیانس (اتحاد) در اصفهان - یزد و سنج و تهران موفق شدند با کوششهای همه جانبه و بکار بردن اصول تعلیم و تربیت مدرن و علمی و با رفع کمبودها و نواقص این مدارس را در ردیف مدارس نمونه قرار دهند. سپس آقای اورشلیمی با ذکر خدمات آقای اسحاقیان در یونسکو و روزنامه ژورنال دو تهران و استادی



آقای الیاس اسحاقیان و بانو در میان عده ای از اعضاء بنیاد جامعه دانشوران

در پانزده جولای ۲۰۰۷ اعضا هیئت اجرائیه بنیاد جامعه دانشوران به اتفاق همسرانشان به منظور ملاقات و تجلیل از خدمات فرهنگی و اجتماعی آقای الیاس اسحاقیان، ریاست هیئت امنا فدراسیون یهودیان ایرانی، در منزل مسکونی ایشان حضور بهم رسانیدند. ابتدا آقای جمشید نوائین خطاب به آقای اسحاقیان گفتند: "از

در مدارس عالی و ایجاد حسن رابطه با دانشجو و مقامات دانشگاهی گفت: "خدمات آقای اسحاقیان موجب حیثیت و افتخار جامعه یهود ایران گردید و فعالیت‌های اجتماعی ایشان در آمریکا موجب تشکل و یک پارچگی جامعه بوده و اکنون آقای اسحاقیان در سمت رئیس هیئت امنای فدراسیون یهودیان ایران با خلوص نیت و بی طرفی و رعایت دموکراسی توانسته‌اند در پایداری و گسترش این نهاد منشاء خدمات موثری باشند."

در پایان این نشست دکتر یعقوب آینه چی با اشاره به توجه و راهنمایی‌های آقای اسحاقیان در مورد جوانان تحصیل کرده یهودی لوحه افتخاری را به پاس نیم قرن خدمات فرهنگی و اجتماعی و تعالی جامعه یهود ایران از طرف بنیاد جامعه دانشوران به ایشان اهدا نمود.

چگونگی ایجاد مدرسه آلیانس در ایران و تشریح اهداف آلیانس در جهت کمک به یهودیان ایران گفتند: "من به شخصه خود را مدیون خدمات آلیانس در ایران میدانم." سپس آقای رحمت اله اورشلیمی طی بیانات مشروحی درباره شخصیت فرهنگی و اجتماعی آقای اسحاقیان با ذکر وجه اشتراک بین ایشان و جامعه دانشوران از نظر فرهنگی اظهار داشت: "آقای اسحاقیان در زمره معدود شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ما هستند که به وارستگی و معنویت و عرفان یهود راه یافته‌اند."

ایشان با اشاره به دوران نوجوانی آقای اسحاقیان و برخورداری ایشان از هوش و استعداد سرشار و حافظه قوی و فراگیری اصول یهودیت گفت: "این خصوصیات موجب شد اولیای مدارس آلیانس در ایران ایشان را جهت ادامه تحصیل به فرانسه اعزام نمایند و آقای اسحاقیان با توشه ای غنی از

زحمات و فعالیت‌های ۶۰ ساله شما باید بطور اساسی قدردانی نمود ولی شما با عزت نفس خودتان رضایت ندادید مجلس بزرگداشتی در خور شان و منزلت شما برگزار شود و هدف این بنیاد سپاس و تجلیل از خدمات ارزنده شماست."

طی این گردهمایی آقای اسحاقیان اظهار داشت که بنیاد جامعه دانشوران یک سازمان فرهنگی بسیار با ارزش است. او افزود "فعالیت‌های من هم فرهنگی و معلمی بوده و اگر فعالیتی داشته‌ام وظیفه خود دانسته و سعی کردم به طور صحیح انجام دهم. معتقدم چنانچه هر کس وظیفه خود را درست انجام دهد جامعه پیشرفت خواهد کرد و خوشبختانه جامعه ما دارای افرادی مسئول و وظیفه شناس است که بحمدالله موفقیت‌های بسیاری تا کنون کسب شده است."

آقای اسحاقیان ضمن شرح تاریخچه





## بزرگداشت خانم محبوبه و آقای نوراله گبای در جشن سالانه بنیاد مگ بیت

بلکه شایسته یکایک موسسین و فعالان دیروز و امروز بنیاد می باشد که علاقه مندم ابتدا از سه نفر یاران عزیز بنیاد که در بین ما نیستند یادی بکنم و به اتفاق شما دوستان طلب آموزش بنمائیم.

شادروان الیاهو قدسیان، شادروان نجات گبای و شادروان منوچهر قدسیان.

ز یخر و نام لیور انا.

ابتدا قرار بود سخنان خودم را به زبانهای انگلیسی، فارسی و کاشی بیان کنم ولی وقت کافی نیست، ترجمه عرایضم به انگلیسی و فارسی و البته کاشی! در کتابچه های روی میز به چاپ رسیده است.

در طول تاریخ، ملت یهود توانسته است بسیاری از مشکلات خود را برطرف کند جز مشکل (شاید خود ساخته) کمبود جمعیت را. از آنجا که بشر چاره ساز است و انسان مورد تبعیض چاره اندیش تر از دیگران، یهودی در فراز و نشیب های هولناک هزاران ساله خود دریافته است، تنها راه جبران نسبی این کمبود کمیت، ارتقاء کیفیت دانش افراد جامعه، به معنی ارزشمند نمودن هر چه بیشتر فرزندان از طریق یادگیری علوم روز می باشد.

علم دین را نفی نمی کند، پیروان شایسته ادیان را آگاه و به تعادل می کشاند، آری آگاهی صحیح از هر امری بسی مهم تر از اعتقاد به آن امر است، دنیا از اعمال نامتعادلین رنجیده و رنجور است و خطر

انسان جهانی هستند. این هویت انسانی بدون رنگ و علامت، آراسته به وجدان است که از طریق علوم روز انسان ها را به دور از تبعیض، با یکدیگر شریک و سهیم می کند؛ متن کامل سخنان آقای نوراله گبای در این شماره نشریه شوفار، برای علاقمندان به چاپ رسیده است.

هجدهمین شب نشینی سالانه بنیاد مگبیت با همراهی و همکاری تمام اعضا هیئت مدیره و اعضاء این سازمان و به خصوص زحمات خانم جینا رفئیم، رئیس هیات اجراییه، با جلال بسیار برگزار شد. فدراسیون یهودیان ایرانی خواستار موفقیت و پیشرفت هر چه بیشتر بنیاد مگبیت و گردانندگان آن است و به خانم محبوبه و آقای نوراله گبای در دریافت چنین افتخاری صمیمانه تبریک می گوید.

### سخنان نوراله گبای در جشن بزرگداشتی که از طرف بنیاد مگبیت برای ایشان و همسرشان برگزار گردید

با اجازه رهبر مذهبی جامعه، جناب راو داوید شوفط و قدردانی از اعضا محترم هیئت مدیره، هیئت اجرایی بنیاد مگبیت و خانم جینا رفئیم در برگزاری مراسم بزرگداشت به اتفاق همسرم از تشریف فرمائی یکایک شما عزیزان تشکر می کنم. افتخار بزرگداشت نه تنها در خور این جانب،

یکشنبه ۲۹ آوریل ۲۰۰۷ سالن بزرگ هتل بورلی هیلتون محل برگزاری هجدهمین جشن سالانه بنیاد مگ بیت بود که با شکوه بسیار و استقبال بی نظیر جامعه انجام شد. در این گردهم آئی پنجاه و نهمین سال استقلال اسرائیل جشن گرفته شد و طی مراسمی زیبا از خدمات و فعالیت های خانم محبوبه و آقای نوراله گبای برای سازمان مگبیت و دیگر سازمانهای اجتماعی و خیریه سپاسگزاری شد.

خانم شری شرمین گرداننده برنامه بودند و سرودهای ملی اسرائیل و آمریکا با صدای پرقدرد و دلنواز خانم طناز بهره مند - فروزانفر اجرا شد. ربای دیوید والپی - ربای کنیسای ساینای، آقای جیمی دلشاد، شهردار شهر بورلی هیلز، آقای بیژن نهائی، رئیس هیات امناء مگبیت و آقای اهود دانوخ، کنسول جنرال اسرائیل، جزو سخنرانان این برنامه بودند. آقای حمید (دیوید) نهائی، رئیس سازمان آب و برق لوس آنجلس، خانم محبوبه و آقای نوراله گبای را معرفی کردند و آقای گبای طی سخنانی بسیار ارزنده و تفکر برانگیز از دوستان و میهمانان تشکر کردند. آقای گبای طی سخنان خود به تساوی انسان ها در امر زندگی و کناره گیری از خرافات و تظاهرات ناشی از نادانی اشاره نمودند و در قسمتی از سخنان خود گفتند: "... همه انسانها، قبل از هویت دینی یا مرامی و نژادی و زادگاهی ساخت بشر، دارای هویت مشترک

افرادی که باورهای خطا دارند، بسی بیشتر از ناباوران است.

نقش علم پیدا کردن جواب منطقی برای تردیدهاست. تا انسان بتواند با کسب آگاهی های لازم، ایمان راستین خود را استوار کند، و از طریق بهره برداری از دانسته های علمی و معنوی گذشته و حال، آینده را بهتر پیش بینی و در حال، بدون نیاز و اتکاء به دیگری با دنیا قدم بردارد.

ملت رنج دیده یهود، مانند خانواده ای که تنها یک فرزند دارد و یک راه تامین آتیه، کوشش خود را روی تعلیم و تربیت هر چه بیشتر این یگانه فرزند قرار داده تا بتواند از این طریق کمبود جمعیت را نیز تا حد امکان جبران کند. که خوشبختانه در این راه موفق بوده و بهترین گواه این موفقیت برنده شدن ۲۴ درصد جوایز علمی نوبل یعنی ۱۲۰ برابر بیش از سهم جمعیت خود می باشد.

یهودی به همراه همه آزاد اندیشان جهان، دریافته است یک نفر دانشمند پای بند اخلاق، قادر است بیش از انبوهی افراد نا آگاه، بدور از هر گونه تبعیض به هم نوعان خدمت کند که نمونه های بسیاری از آنها را می شناسیم و ستایش می کنیم.

آری ارزش هر فردی به اندازه خدماتی است که به هم نوع می کند. و اعتبار هر جامعه ای به اندازه امکاناتی است که برای نسل های آینده فراهم می نماید.

بسیار مفتخرم که بنیاد مگبیت از ۱۸ سال قبل که جامعه تازه مهاجر ماهنوز، خود جای پائی در آمریکا نداشت، قادر بوده در راه تحصیل جوانان قدمی بردارد. امیداست، با هم یاری شما عزیزان در آینده خدمات بیشتری انجام دهد.

انشتاین در هنگام مهاجرت به آمریکا در مقابل یکی از مواد پرسشنامه ادامه مهاجرت آرزو، که سؤال کرده بود از کدام نژاد هستی؟ نوشته بود از نژاد بشر!

آری همه انسانها، قبل از هویت دینی یا

مرامی و نژادی و زادگاهی ساخت بشر، دارای هویت مشترک انسان جهانی هستند این هویت انسانی بدون رنگ و علامت، آراسته به وجدان است که از طریق علوم روز انسان ها را به دور از تبعیض با یکدیگر شریک و سهیم می کند.

به گونه ای که می توان امیدوار بود ستیزه جویی و انسان ستیزی انسان با انسان، که یهودی ستیزی را نیز شامل می گردد از میان برداشته شود.

این هویت بی آرایش است که هیچ مغایرتی با دین و رنگ و نژاد و سایر مشکلات ساخت بشر ندارد.

چشمان زمان را نمی توان بست، دانستن نیز بدون این که واقعیتی در میان باشد هرگز توانستن در پی نخواهد داشت ملت ها زمانی گرفتار می شوند که چشمان خود و خاصه فرزندان را به موقع نگشوده باشند. دنیا بسی ناامن تر از آن است که ما تصور می کنیم، به گفته ژنرال مک آرتور: در دنیا چیزی بنام امنیت وجود ندارد، آنچه وجود دارد فرصت است.

دنیا روزی به امنیت دست خواهد یافت که دریابد، امنیت جمعی جز با مراعات امنیت فردی به دست نخواهد آمد. این فرصت را برای نسل های آینده فراهم کنیم.

آری اگر زمان را نمی توانیم برای جوانان بسازیم جوانان را برای زمان بسازیم.

از گذشته باید آموخت ولی نباید در آن ماند، تجربه گرفتن از گذشته برای آینده سازی است نه آراستن و بازسازی گذشته، لازمه به حقیقت پیوستن خوابها و رویاهای طلایی از خواب بیدار شدن است، فرد فرد انسان ها مسئول آینده دنیا هستند و قدرت، در چگونگی به کار بردن قدرت است و آنها که به قدرت غلط یاری می رسانند اضمحلال خود را تدارک می بینند.

چنانچه آینده نگران پدران و مادران ما در امر فرستادن هزاران دانشجو به دانشگاههای

آمریکا و اروپا قبل از وقایع سال ۱۹۷۸ در میان نبود جامعه ما موقعیت امروز را نداشت.

ما نه تنها از مکانی به مکان دیگر، بلکه ناگهان از قرنی به قرن دیگر، از فرهنگی به فرهنگهای متنوع دیگر کوچ کرده ایم، و موفقیت های نسبی امروز ما به دلیل واقع بینی است که دریافتیم، غافل ترین مردم دنیا آنانند که در حال رکود می مانند و از دگرگونیهای دنیا پند نمی گیرند و دانستیم هیچ پرنده ای در قفس پرواز یاد نگرفته است و افرادی لیاقت موفقیت دارند که شهامت پرواز، تغییر و تطبیق و طرد آنچه که تابحال غلط بوده را داشته باشند.

ما بیش از هشتاد درصد از دوران ۳۳۰۰ ساله تاریخ دینی خود را در محیطهای آلوده به تبعیض مانند درختهایی که در گلدان رشد می کنند بدون اینکه ریشه در خاک داشته باشیم در گلدانهای شکننده متعدد، در مکانهای بی شمار، بدون هوا و امنیت کافی به حیات خود ادامه داده ایم. اجداد مورد تبعیض ما، از زندگانی بدون فردا چنان سرخورده بودند که فقط به امید بقاء فرزندان، به زنده مانی لحظات می اندیشیدند، ولی همانطور که هرگز در هیچ نقطه ای از دنیا، مرزهای جغرافیائی اقوام نتوانسته اند تبدیل به مرزهای فرهنگی و حذف عقاید قومی گردد، مانیز در رشد فرهنگ ایران سهیم و در اصالت قومی خویش از این فرهنگ بسیار غنی بهره مند شده ایم.

امروز ما هستیم که برای بقا و همگامی با تمدن روز کوشش می کنیم تا از طریق فراهم نمودن تحصیل علوم موجود برای جوانان، خط امتداد معنوی و خانوادگی خود را با آیندگان مرتبط کنیم. چون به سختی دریافته ایم اگر می خواهیم ببینیم چه هستیم ببینیم چه بودیم و اگر می خواهیم ببینیم چه خواهیم شد ببینیم چه می کنیم. سوزاندن فرصت ها به هر نامی که باشد خدمت نیست، اجرای گفته ها و





از راست به چپ: جناب جیمی دلشاد، شهردار بورلی هیلز- خانم لانی دلشاد، آقای نوراله گبای، خانم محبوبه گبای، آقای پرویز نظریان، خانم پوران نظریان، آقای بیژن نهایی

نوشته‌ها و سنت‌های اجدادی وظیفه است. ولی به مصداق ارثیه را نیز می‌توان بهبودی بخشید. اجرای بهتر آنها هنر است، این هنر تطبیق و تلفیق با زمان خالی از تقلید را به فرزندان پیاموزیم، تکرار خطا خطائی است نابخشودنی. تنها رفتار انسانی افراد معیار انسانیت ایشان است نه اعتقادات متفاوت و رفتار دگر گونه ایشان. بجای کوشش در برگرداندن جوانها به

زمان وضع قوانین و سنن، قوانین و سنت‌هایی را که با علوم روز خوانایی دارد، با زمان اجرا؛ تطبیق بدهیم.

انزواطلبی و به امید قضا و قدر ماندن و اکتفاء به دانش دیروز مقدمه و اماندگی است. راز موفقیت نسل مهاجرین ایرانی این است که به خوبی درک کرده اند سقوط ننگ نیست در حال سقوط ماندن ننگ است.

چون کوشش است که قضا و قدر را موجب می‌شود. و به گفته سقراط: در حالی که سرنوشت انسان‌ها به دست خداست خداوند انسانهای آگاه و دوراندیش را بیشتر دوست می‌دارد، دور اندیشی نیز محصول معاشرت و مطالعه است نه در قفس ماندن.

مردمان تنها با فردیت یکدیگر دوست نمی‌شوند. با فهم و علم و ثروت و خوشبختی یکدیگر دوست و سهیم می‌شوند و خوشبختی و شادمانی خود را زمانی با دیگران تقسیم می‌کنند که بتوانند از تجربیات و علم پیشرفته یکدیگر برای آرامش و صلح خانواده خود بهره‌مند گردند.

صلح جهانی نیز منوط به صلح درونی انسان

های آراسته به علم و اخلاق و معنویات می‌باشد. و تنها چراغی که هرگز خاموش نخواهد شد چراغ معنویات است که تورات مقدس پرچمدار آن بوده است که اوامر و معنویات آن خاص یک ملت و مذهب نمی‌باشد، خاص انسانهای آراسته به وجدان است. علم و معنویت متمم و مکمل یکدیگرند و هر وقت خواسته‌اند آنها را تفکیک کنند یا یکی را بر دیگری ترجیح بدهند هر دو را ناقص کرده‌اند. آری جمعیت یهودی دنیا کم است ولی معنویات تورات مورد قبول مشترک ما با سایر ادیان، در دستهای بیش از سه میلیارد نفر مردم دنیا دیده می‌شود که از راه ترویج علم و اخلاق می‌توان به نحو بهتری مشترکا از آن بهره‌مند گردید.

آری حکم تنازع بقا دوام قوانین عاقلانه را دیکته می‌کند.

ایمان جوان تحصیل کرده آراسته به اخلاق امروز از وجدان پاک سرچشمه می‌گیرد و مشروعیت اعمال خود را از عوامل علم و دانش روز و انسان متساوی الحقوق می‌طلبند

و برای فراهم آوردن فراداهای بهتر، جهت جوامع بشری به یاری رهبران فرهیخته جامعه می‌پیوندند.

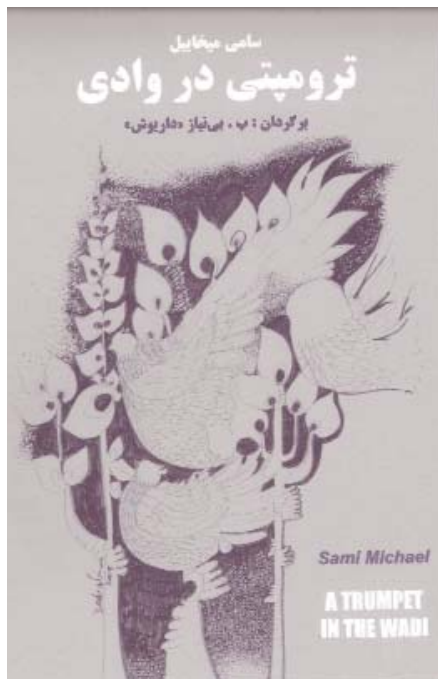
با توجه به این که تصمیم‌گیری صحیح محتاج دارا بودن اطلاعات صحیح است، در مدارس و خانواده‌ها اطلاعات صحیح در اختیار فرزندان بگذاریم، جوانی که هم‌زمان با رشد خود قدم به جاده تکامل نگذارد و از والدین خود مطلع تر نباشد به حکم زمان عقب مانده محسوب خواهد شد.

بنیاد مگبیت امیدوار است در حد مقدوراتی که شما در اختیارش می‌گذارید تسهیلاتی برای جوانان فراهم آورد که در آینده به قدر استحقاق خود و نیاز زمان خودشان بهتر بتوانند از آن بهره‌مند گردند.

دنیا به کام ملت‌هایی خواهد بود که لیاقت دارند نه آنها که معتقدند حق دارند. کسب لیاقت حق همه انسانهای لایق است.

اگر زمان را نمی‌توانیم برای جوانان بسازیم جوانان را برای زمان بسازیم.

بنیاد مگبیت را در این راه یاری دهیم. متشکرم



نوشته شده به همگان توصیه نمود. او در سخنان خود گفت سامی میخائیل در این کتاب دو نیمه پیچیده عرب و یهود را در سرزمین اسرائیل به خوبی تشریح کرده، و نوشته است که چگونه هر دو طرف (عرب و یهود) می توانند در کنار یکدیگر با مهر زندگی کنند.

آنگاه فیلمی حاوی پیام سامی میخائیل نویسنده کتاب



ترومپتی در وادی و گفتگویی که با وی در اسرائیل تهیه شده، و توسط سرکار خانم ساسونی و آقای

عبدی خرمیان به فارسی دوبله شده بود، به معرض نمایش گذارده شد که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

وی در این فیلم اظهار داشت که: "کتاب ترومپتی در وادی، که ۲۰ سال قبل نوشته ام از نوول های محبوب من قلمداد می شود و بسیار خوشحالم که این کتاب توسط جامعه دانشوران به زبان فارسی ترجمه شده است." او اظهار داشت که طول یک سالی که

## انتشار و معرفی دو کتاب از انتشارات بنیاد جامعه دانشوران

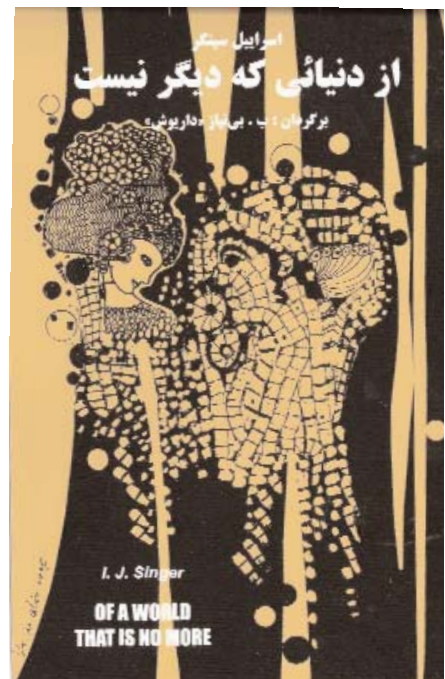
داستانسرای از طریق دو شاخه ادبی، یکی "میدراش" به عنوان یک سبک ادبی و دیگری "آگادا" یا افسانه سرائی در میراث فرهنگی یهودیان جهان تداوم پیدا می کند.

او ضمن اشاره به انتشارات بنیاد جامعه دانشوران که حاصل بیش از ۱۲ سال فعالیت های این بنیاد است به اطلاع حاضران رساند که کتاب آکادمیک "یهودیان ایران در قرن نوزدهم" نوشته پروفیسور دیوید اورشلیمی، استاد دانشگاه تل آویو، کتاب "اقلیت های مذهبی در ایران" نوشته دکتر دانئیل صدیک، و کتاب "شب" نوشته الی ویزل در دست انتشار می باشد.

وی در پایان از زحمات و خدمات آقای مهندس ایرج صفائی در انتشار دو کتاب معرفی شده و نیز زحمات مترجم آن آقای ب-بی نیاز از طرف بنیاد مذکور تشکر کرد. سخنران بعدی پروفیسور ژاله پیرنظر محقق و



استاد دانشگاه برکلی بود که ضمن نقد کتاب ترومپتی در وادی لزوم آشنایی با ادبیات عبری و شناخت فردی و اجتماعی مردم اسرائیل را که در کتاب مذکور به نحو مطلوبی



در ۱۹ آوریل ۲۰۰۷ بنیاد جامعه دانشوران طی یک گردهمایی پرشور، که در محل فدراسیون یهودیان ایرانی، برگزار شد ترجمه دو کتاب ارزنده و مشهور از سری کتابهای ادبیات یهود را به اسامی:

۱- "از دنیایی که دیگر نیست" نوشته اسرائیل سینگر (نویسنده یهودی لهستانی)

۲- ترومپتی در وادی اثر سامی میخائیل (نویسنده شهیر اسرائیلی) را با ترجمه آقای ب-بی نیاز به علاقمندان فرهنگ، تاریخ و ادب یهود معرفی نمود.

ابتدا خانم شارونا ابرامز به حاضران در جلسه خوش آمد گفت و سخنرانان این جلسه را معرفی نمود.

اولین سخنران از طرف بنیاد جامعه دانشوران آقای رحمت الله اورشلیمی بود که ریشه های داستان سرائی در فرهنگ یهود را تشریح کرد و اظهار داشت سوابق استفاده از داستان به عنوان یک پدیده ادبی به قبل از نگارش کتابهای تورات و ادب سخن شفاهی می رسد. که در آنها داستان نقش اساسی داشته است. در فرهنگ و ادب یهود

## بهره برداری اسرائیل از مخازن گاز طبیعی در دریای مدیترانه

کوششهای فراوانی که دولت اسرائیل در چندین سال گذشته برای کشف مخازن نفت و گاز طبیعی در نقاط مختلف کشور به عمل آورد خوشبختانه به نتیجه مثبت رسید و مخازن قابل توجهی در دریای مدیترانه نزدیک ساحل کشور کشف گردید.

بهره برداری از مخازن گاز طبیعی از سال ۲۰۰۴ میلادی شروع شده و هر ساله این بهره برداری گسترش پیدا کرده است. طبق آخرین آماری که مجله Oil & Gas آمریکا منتشر کرده است بهره برداری تنها از یک مخزن (MARI B) در دریای مدیترانه به ترتیب زیر بوده است:

| سال  | تولید گاز، میلیون فوت مکعب در روز |
|------|-----------------------------------|
| ۲۰۰۴ | ۳۰                                |
| ۲۰۰۵ | ۵۵                                |
| ۲۰۰۶ | ۹۳                                |
| ۲۰۰۷ | ۱۰۳                               |

با توجه به تولید گاز از سایر منابع پیش بینی می شود که جمع تولید گاز از کلیه مخازن در سال ۲۰۰۸ به ۶۰۰ میلیون فوت مکعب در روز می رسد. گاز تولیدی توسط خطوط لوله ای که از دریا و خشکی می گذرد به کارخانجات تولید برق کاغذسازی و مصرف خانگی و تجاری توزیع میشود. موفقیت اسرائیل در این زمینه اثر مثبتی در اقتصاد آن کشور داشته و احتیاج آن کشور را برای تهیه سوخت از خارج به مقدار قابل ملاحظه ای کاهش داده است.

وی ضمن نقد کتاب "در نیایی که دیگر نیست" اظهار داشت: "ما همه سرنشینان کاروان فرهنگ هستیم و به فرهنگ و ادبیات یهودایران دل سپرده ایم." وی افزود: "این کتاب بسیار شیرین و طنز آمیز نوشته شده، و از جامعه ای با مردمانی ساده صحبت می کند ولی افسوس که این جوامع یهودی در اروپای شرقی و غربی به خاطر تبعیضات نژادی سوختند و از بین رفتند." وی آنگاه از هولوکاست به عنوان هولناک ترین فاجعه بشری نام برد که جوامع یهودی اروپای شرقی و غربی را به آستانه نابودی کشاند.

این مراسم با استقبال و تشویق عده زیادی از علاقمندان به فرهنگ و ادب یهود مواجه شد و حاضرین تعداد زیادی از کتابهای معرفی شده و سایر انتشارات بنیاد جامعه دانشوران را اکتبا نمودند.

مجله شوفار مطالعه این دو کتاب جالب را به همگان توصیه می نماید.

برای آشنایی بیشتر با فعالیت این بنیاد به [www.thegraduatesociety.org](http://www.thegraduatesociety.org) مراجعه نمائید.

### جهت درج پیامهای بازرگانی خود در نشریه

## شوفار

پل ارتباطی جامعه ایرانی

با تلفن ۰۰۷۴ - ۶۵۴ (۳۲۳)

تماس حاصل فرمائید

دروانی در ایران اقامت داشته تحت تاثیر فرهنگ غنی ایران قرار گرفته و این تاثیر در کتاب طوفانی در میدان نخل مشهود است و اظهار امیدواری نمود که در آینده بتواند با یهودیان ایرانی در لوس آنجلس نشستی داشته باشد.

آقای عباس پهلوان نویسنده، روزنامه نگار،



وسردبیر محترم روزنامه "عصر امروز" سخنران بعدی گردهم آبی بود که طی بیانات جالبی اظهار داشت: "با جمله "یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ کس نبود" قصه در دنیا پیداشد و ادیان الهی بیشتر مطالب خود را جهت ارشاد و هدایت مردم به صورت داستان ارائه کرده اند و شعرای بزرگی همچو مولوی - عطار نیشابوری و فردوسی بهترین قصه نویس هایی هستند که داستانها را به نظم در آورده اند."

آقای پهلوان اضافه نمود "بشنو از نی چون حکایت می کند از جدائی ها شکایت می کند داستانی است که در کتاب ترومپتی در وادی آمده است.

آخرین سخنران این جلسه خانم شیرین - دخت دقیقیان پژوهشگر، نویسنده و مترجم



توانا بود که ویراستاری و نگارش مقدمه هر دو کتاب را انجام داده است.

## شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی



## گفتگویی با آقای الیاس اسفندی

### عضو فعال هیئت امنای و اجرایی و مسئول صندوق اضطراری فدراسیون یهودیان ایرانی کالیفرنیا

از: فروش ابریشمی

است. صندوق اضطراری در رفع مشکلات و نیازمندیهای خانواده‌ها و افراد محتاج جامعه می‌کوشد. در این کمیته از شخصی که نیازمند است تقاضا می‌شود تا مسئله خود را به طور کتبی به دفتر صندوق اضطراری فدراسیون ارائه دهد. این نوشته کتبی در جلسه خصوصی مطرح شده و تصمیم لازم برای رسیدگی به آن گرفته می‌شود. متأسفانه در طی این سالها تعداد بسیاری از نیازمندان جامعه برای گرفتن کمک به این صندوق رجوع کرده‌اند و باید بگویم که خوشبختانه به نیازهای یکایک آنها تا حد امکان و با موفقیت زیاد رسیدگی شده است.

**نظراتان راجع به جوانان و نوجوانان جامعه چیست؟**

البته جوانان هر جامعه ای آینده سازان آن هستند. شرکت جوانان را در امور اجتماعی و خیریه واجب می‌دانم؛ فکر می‌کنم که برنامه های متفاوتی باید به آنها واگذار شود تا بیشتر در فعالیت های جمعی سهیم شوند. به نظر من باید در مورد فعالیت جوانان در امور اجتماعی از طرف سازمانها برنامه ریزی دقیقی انجام شود.

در طی سالیان گذشته آقای الیاس اسفندی در چهار دوره از انتخابات هیئت امناء فدراسیون که با رای عموم مردم انجام می‌گیرد به عضویت انتخاب شده‌اند و همواره عضو فعال هیئت امنای و هیئت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی بوده‌اند. احترام خاص مردم برای خدمات و فعالیت های ایشان نشان دهنده تاثیر مثبتی است که شخصیت و نیروی آقای اسفندی در جامعه داشته‌است. آرزوی سلامتی و موفقیت هر چه بیشتر برای آقای الیاس اسفندی و تمام اعضای خانواده ایشان داریم.

مسئولیت صندوق اضطراری را به عهده دارم و جدا از انجام خدمات "فاند ریزینگ" در پیشبرد کارهای کنیسیای فدراسیون نیز همکاری می‌کنم. در چندین سال اخیر فعالیت نزدیک خود را با سازمان مگبیت نیز ادامه داده‌ام.

**انگیزه شما در انجام خدمات ملی و اجتماعی چیست؟**

علاقمندی و ارضا خاطر قلبی خودم. کمک به دیگران و ایجاد رفاه اجتماعی و مالی برای افراد نیازمند مرا خرسند می‌کند و از این که میتوانم مفید واقع شوم خوشحالم.

**فعالیت اجتماعی و کار در امور خیریه را در خارج از ایران چگونه آغاز کردید؟**

از ۲۸ سال قبل، پس از ورود به آمریکا با اوج گرفتن خدمات فدراسیون یهودیان ایرانی در کالیفرنیا در کنار دکتر کرمانشاهی و دکتر سلیمان آقایی با این سازمان همکاری نزدیک داشتم و در کلیه برنامه های فدراسیون به نحوی فعال بوده ام. سالها مسئولیت و سرپرستی کنیسیای فدراسیون را عهده دار بوده‌ام و در هر چه بهتر برگزار شدن اعیاد ملی و مذهبی و همچنین موفقیت جشن های فدراسیون کوشیده‌ام. در طی سالیان گذشته سهم عمده "فاند ریزینگ" فدراسیون به عهده من بوده و خوشحالم که افراد جامعه با روی خوش همیشه با من همراه بوده و مرا پشتیبانی کرده‌اند.

**لطفاً فعالیت خود را در صندوق اضطراری نیز توضیح دهید. افراد چگونه می‌توانند از این صندوق یاری بگیرند؟**

افراد بسیار محترم و قابل اعتماد جامعه در کار صندوق اضطراری با من همراهی می‌کنند. مسئولیت من و دیگران و فعالیت ما در این کمیته به طور مشروح و جداگانه تدوین شده

در هر شماره از نشریه شوفار سعی می‌کنیم که به منظور آشنایی بیشتر عموم جامعه با اعضا فعال فدراسیون یهودیان ایرانی کالیفرنیا گفتگویی با یکی از این افراد محترم داشته باشیم. اعضا فدراسیون با خلوص نیت وقت و نیروی خود را برای پیشبرد جامعه در اختیار ما قرار می‌دهند و از طریق این گفتگوها می‌توانیم به شخصیت راستین هر یک از آنها بیشتر پی ببریم. خوشبختیم که در این شماره نشریه شوفار گفتگوی خود را با آقای الیاس اسفندی یکی از اعضا بسیار فعال فدراسیون و خادم صدیق و مسئول جامعه یهودی ایرانی، به نظرتان برسانیم.

آقای الیاس اسفندی متولد تهران هستند و در ایران و در آمریکا به شغل آزاد و سرمایه گذاری اشتغال داشته‌اند.

آقای اسفندی با پشتیبانی و یاری همسر و تمام افراد خانواده خود همواره اوقات بسیاری را در راه کمک به امور خیریه و رسیدگی به نیاز مردم جامعه سپری کرده‌اند. از آقای اسفندی می‌پرسم که از چه زمانی به کارهای خیریه روی آورده‌اند؟

بیش از ۵۰ سال سابقه کار و خدمات اجتماعی از تهران تا آمریکا دارم. شروع کار اجتماعی ام از صندوق ملی و درامور فرهنگی بوده. مدت ده سال با مدارس کوروش دخترانه و پسرانه با همراهی آقایان خلیل نهایی و دکتر باروخ بروخیم همکاری داشته‌ام. در عین حال به منظور رساندن کمک مالی به نیازمندان در شورای اجتماعی با آقای الیاهو بروخیم و حق نظر فرح نیک همکاری می‌کردم. در آمریکا نیز فعالیت اجتماعی خود را با عضویت در فدراسیون یهودیان ایرانی کالیفرنیا و جمع آوری هزینه برای بودجه این سازمان ادامه دادم. در فدراسیون

## بستنی کاغذی

نوشته: نورالله خرازی

دار و صورتی رنگ خودش را، که شبیه قنددان بودند با سلیقه مخصوصی جلو چرخ بستنی قطار کرده بود و آنها را پر می‌کرد و به دست بچه‌ها می‌داد و پولها را توی دخل می‌ریخت و کیف می‌کرد. جای پول او یک یخدان سفالی بود و وقتی سکه‌ها را توی آن می‌انداخت صدای مخصوصی می‌داد.

جالب بود که هر وقت من و رفیقم هارون را از دور میدید انگار صهیونیست نامرئی و وصله یهودی بودن را روی سینه مان می‌خواند و خودش را آماده می‌کرد. وقتی ما یکشاهی را که در کف دستمان عرق کرده بود توی یخدان او می‌انداختیم دست می‌کرد از یکی از گوشه‌های چرخ دو تا تکه کاغذ و روزنامه کهنه یا کاغذ کاهی مچاله شده بقدر یک کف دست بیرون می‌آورد. چون به هیچ وجه نمی‌خواست ظرف بستنی اش نجس شود بعلاوه حوضی و جائی هم برای آب کشیدن آنها نداشت.

بعد به اندازه چند مثقالی بستنی را روی آنها می‌ریخت و میداد دست ما و ما هم این توهین و خفت را زیر سبیلی در می‌کردیم و با حرص و ولعی بچگانه آن را می‌بلعیدیم و حتی کاغذ آن را هم می‌لیسیدیم. ولی چون بستنی او اغلب نیمچه منجمد و گاه حتی آبکی بود نصف آن می‌ریخت روی پیراهن و شلوارمان و ما هم با حسرت به بچه‌های دیگر که اعیانی (!) و با قاشق بستنی خودشان را توی لیوان‌های پایه دار می‌خوردند نگاه می‌کردیم و درست نمی‌فهمیدیم چرا ما باید روی کاغذ کثیف و روغنی بستنی بخوریم. مگر پول ما سکه نداشت؟ مگر ما آدم نبودیم...؟

ولی کسی نبود از ما دفاع کند (یا اقبلا با قدری توضیح و توجیه دل ما را ساکت کند) و ما هم به تدریج از روی لاعلاجی "بستنی کاغذی" و نیم بند را قبول کردیم چون لذت بستنی تا

درهای بسته را می‌گشاید و حتی تبعیض و سرشکستگی و توهین گالوت (دربدری) هم طعم بهشتی آن را در دهان آدمی گس نمی‌کند و دردناکی نجس بودن را هم تا حدی قابل تحمل می‌سازد.

شاید این جمله آخری (رابطه بستنی و نجس بودن) قدری شما را متحیر کرده و از خواندن آن چیزی دستگیرتان نشده باشد. پس بگذارید من قدری آن را حلاجی کنم و ماجرای "کودک یهودی بستنی خور" را به عرضتان برسانم.

شاید خیلی از هموطنان یهودی ما از ۵۰-۶۰ سال به بالا (بخصوص در شهرستانها) ماجرای "بستنی کاغذی" را به یاد داشته باشند و این نوشته‌خاطرات تلخ و شیرین را در آنان بیدار کند.

اولین باری که من در بازار کاشان به یک چرخ بستنی براق و رنگ و روغن زده برخورددم و طعم بستنی "ثعلب" دار و گلاب زده را با طعم نجس بودن یک جا چشیدم هفت سال بیشتر نداشتم.

مشد صادق بستنی فروش پشت چرخ بستنی تازه رنگ شده خودش (که سه طرف آن با جملات نظیر "یاهو" و "بر چشم بد لعنت" تزئین شده بود) دستها را به کمر زده و با فخر و سربلندی بستنی لذیذ خودش را می‌فروخت و خیلی هم خواهان داشت.

او مرد بدی نبود و ته ریش مشکی و ابروهائی به هم پیوسته داشت و بیشتر مشتریهای خودش را به اسم می‌شناخت و خوش آمد میگفت. اغلب یک مشت بچه قد و نیم قد دور او را گرفته و با ذوق و شادی فریاد می‌زدند "مش صادق یکشاهی بستنی... مش صادق حالا نوبت منه.. من از عباس زودتر اینجا بودم... یاله!"

مشد صادق هم لیوان‌های بستنی کوتاه پایه

"... شاید تنها خوراکی که بتوان با آن عزرائیل را رشوه داد و سبیل او را موقتا چرب کرد این ماده لذیذ و شیرین و پر چربی است!

بستنی درهای بسته را می‌گشاید و حتی تبعیض و سرشکستگی و توهین هم، طعم بهشتی این مان آسمانی را در دهان آدمی گس نمی‌کند و دردناکی و خفت نجس بودن را هم تا حدی متحمل می‌سازد..."

آیا این بستنی، این مائده بهشتی، یخ بسته و منجمد چه عنصری در خود دارد که اینطور فرح و شادی و نشاط می‌آورد؟ بستنی این مائده آسمانی در عین حال که حس ذائقه ما را قلقلک می‌کند و در دهان آب می‌شود، همه دردها و غم‌ها و گرفتاریهای حقیقی و خیالی را هم موقتا آب می‌کند.

روحش شاد باد آن کسی که بستنی را ابد کرد و عمل کرد.

او مسلما اهل بهشت است چون هم کودکان را به وجد می‌آورد و هم بزرگسالان را فرح می‌دهد و مسلما از قطب شمال گرفته تا صحرای گبی و کویر لوت جنبنده ای نیست که در را بروی بستنی ببندد و از آن بدش بیاید. بستنی غم را از دل می‌زداید، دلهره را تقلیل می‌دهد و دهان تلخ گوشت تلخان را شیرین می‌کند و با همه غذاها (شام و ناهار) چه نان و پنیر باشد و چه مرغ و مسما روابط حسنه دارد! چه چلوکباب باشد، چه خورش بادمجان، وقتی بستنی را تنگ آن بزینیم مرگ ندارد و هیچ دسری به پای آن نمی‌رسد و وقتی قاشقی از آن را در دهان گذاشتند زبان دست به دعا می‌گشاید و حس شامه و ذائقه به رقص در می‌آیند و حتی پای انسان هم در این لذت خودش را شریک می‌داند!

شاید تنها خوراکی که بتوان با آن عزرائیل را رشوه داد و سبیل او را موقتا چرب کرد این ماده لذیذ و شیرین و پر چربی است. بستنی

صدائی لرزان گفت:  
 "اینا... این شلوار کوتاه‌ها پسر عموهای  
 تو هستن؟"  
 "آره باباشون ملای تهرونه... یک  
 هفته اومدن کاشون بریم فین... یاله  
 زود باش!"  
 مشد صادق نزدیک بود سکت کند محکم  
 زد توی سر خودش و فریاد زد:  
 "خاک بر سرم... خاک عالم به سرم...  
 بی انصاف‌ها چرا به من نگفتین؟ بی  
 مروت‌ها چرا شما که می‌دونستین حرفی  
 نزدین؟"



photo: iran chamber

بعد برگشت و با لحنی التماس آمیز به بچه  
 های لیوانی که دور چرخ او را گرفته بودند  
 گفت: "بچه‌ها بستنی را تف کنید... زود...  
 زود تف کنید. برین سر جوب آب خوب  
 دهانتونا کر بدین... یاله... یاله... خاک بر  
 سر من که کور خوندم... خاک بر سر خر  
 من...". بعد نگاهی غم‌انگیز "وداع کننده" به  
 بشکه نیمه تمام بستنی انداخت و آن را از لای  
 یخ‌های توی چرخ بیرون آورد و رفت کنار  
 دیوار خالی کرد و برد سر جوی آب آن طرف  
 کوچه حسابی شست و همه لیوان‌ها و قاشق  
 ها را هم کُر داد و هی زد توی سر خودش و  
 نفرین کرد و طلب مغفرت نمود و مثل این که  
 یکی دوبار هم بغض گلویش را گرفت.  
 من و هارون هم که از ذوق گلویمان گرفته بود  
 خودمان را آن راه نگذاشتیم و دیدیم بدون  
 بستنی کاغذی خریدن هم دهانمان شیرین  
 شده است.  
 بعد با دو تا پسر عموهای تهرانی خود مان  
 که، هنوز هم حسابی از این ماجرای خنده‌آور  
 و در عین حال غم‌انگیز سر در نیاورده بودند،  
 سلانه سلانه به طرف منزل راه افتادیم و برای  
 اولین بار بجای این که خودمان را جزء بستنی  
 خورهای "کاغذی" بینداریم و احساس  
 حقارت و سرشکستگی کنیم جزء بستنی  
 خورهای "لیوانی" شمردیم و گوشت روی  
 گوشتان آمد!

بر و بچه‌های "لیوانی" که سر و وضع پسر  
 عموهای ما را دیدند ماست‌ها را کیسه کرده  
 برایشان راه را باز کردند. مشد صادق مادر  
 مرده هم آنان را خوش آمد گفت و بی آنکه  
 سوء ظنی ببرد دو لیوان پر از بستنی کرد و با  
 قاشق هم به دستشان داد و نوش جان گفت.  
 او دو بار دیگر هم لیوانها را پر کرد و یکی دو  
 بار هم آنها قاشقی را که در دهان خودشان  
 کرده بودند توی سطل بزرگ بستنی زدند و  
 مشد صادق هم حرفی نزد و بعد لیوان و قاشق  
 دو پسر عموی ما را در ظرف بغل دستش  
 شست و از بستنی پر کرده به سایرین داد.  
 جالب این بود که وقتی یکی از پسر عموها به  
 او گفت این بستنی خیلی شیرین نیست، مشد  
 صادق با لبخند و خشوع و خضوع گفت "آقا  
 جان با شیرینی خودتان بخورید".  
 من و هارون قند توی دلمان آب شد و هارون  
 که منتظر چنین جریانی بود جلو آمد و  
 یکشاهی خودش را توی یخدان (جای پول)  
 انداخت و مشد صادق هم دستش هم دستش  
 رفت زیر دستگاه که کاغذ کذائی را برای من و  
 او بیرون بکشد ولی هارون با تبسمی شیطنت  
 آمیز و قیافه‌ای حق به جانب گفت "مشد  
 صادق... از اون بستنی که به این دو تا پسر  
 عموهای ما دادی به ما هم توی لیوان بده!"  
 بستنی فروش بدبخت مثل این که طاق هوار  
 روی مغزش فرود آمده باشد با رنگی پریده و

حدی تلخی و تبعیض و توهین را تقلیل  
 می‌داد ولی دل کوچک و تازه کارمان خون  
 بود و با وجود سن کم می‌دانستیم ظلم  
 شده است و ما هم حق داریم بستنی را در  
 لیوان و با قاشق بخوریم و نه روی یک تکه  
 کاغذ لکه دار و مجهول الهویه.  
 بامزه این جا بود که بچه‌های "لیوانی" تا ما  
 را از دور می‌دیدند فوراً به مشد صادق  
 هشدار می‌دادند "هارون کاغذی" با  
 رفیقش دارن میان... و او هم دست و پای  
 خودش را جمع می‌کرد و کاغذ کذائی را  
 آماده می‌نمود.

ما دلمان در حسرت بستنی توی قندان  
 (لیوان) خوردن آب شده بود ولی می‌دانستیم  
 مشد صادق زیر بار نخواهد رفت و این آرزو  
 به دلمان خواهد ماند یکی دو بار هم که یک  
 استکان و قاشق از منزل آوردیم که بستنی را  
 توی آن بریزد و ما هم "آدم وار" آن را بخوریم  
 زیر بار نرفت و بستنی خودش را باز مثل  
 همیشه روی کاغذ ریخت. ما بعدها فهمیدیم  
 که علت امتناع او این بوده که می‌ترسیده  
 قاشق بستنی کشی او به لیوان ما بخورد و  
 نجس شده همه راملوث کند!

جانم برایتان بگویم، این بود تا یک تابستان  
 دو تا از پسر عموهای هفت هشت ساله ما  
 برای یک هفته از تهران آمدند که با هم برویم  
 فین و قمصر. آنها بی آن که متوجه باشند  
 انتقام ما "کاغذی"‌ها را از مشد صادق و  
 مشتریهای "لیوانی" او گرفتند و دلمان خنک  
 شد! آن دو با سر و وضع شسته‌رفته و شلوار  
 کوتاه و لهجه تهرانی خودشان به کلی مشد  
 صادق را گمراه کردند و او با همه زیرکی  
 خودش در تشخیص بین مشتری کاغذی و  
 لیوانی کور خواند و کلاه سرش رفت و به  
 اصطلاح قافیه را باخت.

من و رفیقم هارون هم که میدانستیم چاله چه  
 آبی دارد و روزگار مشد صادق دارد سیاه  
 می‌شود کنار ایستادیم و دلمان غنچ زد ولی  
 جیک نزدیم!



## معرفی بنیاد ولف (Wolf Foundation)

از مهرداد لوی صدق



در سال ۱۹۲۴ دکتر ولف با "فرانسیسکا سابرینا" قهرمان تنیس کوبا ازدواج می‌کند. دکتر ولف سالهای متوالی در پی روشی برای تصفیه آهن در هنگام ذوب فلزات تحقیق می‌کرده، و بالاخره موفق می‌شود شیوه ای را اختراع کند که از آن سالها در کارخانجات ذوب فلزات استفاده می‌شد. در نتیجه دکتر ولف با به ثبت رساندن اختراع خود صاحب ثروت سرشاری می‌گردد.

دکتر ولف در سال ۱۹۶۱ به سمت سفیر کوبا در اسرائیل منصوب می‌شود. پس از قطع ارتباط سیاسی کوبا با اسرائیل در پی جنگ روز کیپور در ماه اکتبر سال ۱۹۷۳ و بسته شدن سفارت کوبا در اسرائیل دکتر ولف تصمیم می‌گیرد که به کوبا بازنگردد. او و همسرش زندگی خود را در اسرائیل ادامه می‌دهند و چون فرزندی نداشتند وقت و اموال خود را وقف کمک به دانشجویان و دانشمندان دنیا میکنند. دکتر ولف در سال ۱۹۷۵ بنیاد غیر انتفاعی ولف را تاسیس کرد که هدف آن کمک به پیشبرد جامعه و علم دنیایی با دادن جوایز مالی به دانشمندان و رساندن کمک هزینه های تحصیلی به دانشجویان بود.



در سال ۱۹۷۵ "بنیاد ولف" توسط دکتر "ریکاردو ولف" (Dr. Ricardo Wolf) در اسرائیل تاسیس شد. هدف او از پایه گذاری این سازمان اعطای جوایز به دانشمندان و هنرمندانی که در پیشبرد بشریت قدم بر میدارند بوده و رساندن کمک هزینه درسی به دانشجویان نیازمند.

دکتر ریکاردو ولف در سال ۱۸۸۷ در شهر هانور در آلمان به دنیا آمد. با وجود این که در خانواده ۱۴ خواهر و برادر بودند، پدر او موریس ولف همواره در بالا بردن دانش، علم و تحصیلات فرزندانش می‌کوشیده.

با تشویق پدر دکتر ولف تحصیلات خود را در رشته شیمی به پایان می‌رساند و به اخذ درجه دکترای شیمی نائل می‌شود. او قبل از جنگ جهانی اول آلمان را ترک کرده و به کشور کوبا مهاجرت می‌کند و قریب به پنجاه سال در این کشور که او را خانه دوم خود مینامید زندگی می‌کند.

دکتر ولف با توافق همسرش نه تنها ثروت خود را به این بنیاد اهدا می‌کند بلکه در میان جامعه مقدار قابل توجهی هزینه از افراد خیر جمع آوری می‌کند تا سرمایه اولیه را برای تاسیس این بنیاد کامل کند.

هر سال از بهره این سرمایه پنج جایزه به مبلغ ۵۰۰ هزار دلار به دانشمندان کاندید شده اعطاء می‌شود.

دکتر ولف در فوریه ۱۹۸۱ در سن ۹۴ سالگی در اسرائیل درگذشت. یک هفته بعد همسرش فرانسیسکا که بسیار به شوهرش وابسته بود، چشم از جهان فروبست.

در سال ۱۹۷۵ مجلس اسرائیل (KENSET) قانونی را به نام قانون ولف به تصویب رساند و این بنیاد فعالیت خود را آغاز نمود. طبق این قانون وزیر فرهنگ اسرائیل ریاست هیات امنای بنیاد را به عهده دارد. اداره بازرسی کل کشور متصدی



קרן וולف · Wolf Foundation  
ישראל ISRAEL

شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی

یهودیت همیشه برای تحصیل و علم اهمیت خاصی قائل بوده و هست. علم ثروتی است پایان ناپذیر و نمی توان او را از دارنده اش صلب و مصادره نمود.

اگر شما و یا دوستانتان مایل هستید که به این سازمان کمک کرده و در پیشرفت علم در دنیا سهیم باشید و نام خود یا یکی از عزیزان خود را در چنین هدفی به یاد بگذارید. می توانید مستقیماً با آقای "یارون گرودر" مدیر عالم بنیاد در اسرائیل با شماره تلفن ۷۱۲۰-۹۹۵۵-۹۷۲-۰۱۱ یا با آدرس پست الکترونیکی wolffund@netvision.net.il تماس حاصل فرمائید.

کسانی که قبلاً جایزه نوبل گرفته اند نمی توانند کاندید شوند. ولی جالب اینست که تا بحال ۳۰ نفر از برندگان جایزه ولف بعداً جایزه نوبل را نیز دریافت کرده اند.

مراسم اعطای جوایز هر سال در ساختمان مجلس اسرائیل با حضور روسای کشور، نمایندگان مجلس، سفیر کشورهای خارجی، روسای دانشگاه ها، هیئت امناء و اعضای کمیته ها و مهمانان انجام میگردد.

هدف دیگر بنیاد ولف کمک به دانشجویان در اخذ لیسانس، فوق لیسانس و دکترا از دانشگاه های اسرائیل برای تشویق و پیشرفت علم است. این دانشجویان طبق توصیه روسای دانشگاه ها و موسسات علمی انتخاب شده و به آنان کمک های لازم داده می شود.

نظارت بر فعالیت این بنیاد است. تمام جوایز اهدایی از مالیت معاف هستند و همچنان تمام مبالغ اهدایی افراد و موسسات به این بنیاد شامل معافیت مالی هستند.

طبق قانون اساسی این بنیاد، برای اهداء جوایز به دانشمندان و یا رساندن کمک مالی به دانشجویان هر نوع تبعیض ملیتی، نژادی، مذهبی، سیاسی، و یا جنسی ممنوع است و هدف تنها پیشبرد بشر دوستی و علم و هنر در سطح جهانی است.

هیئت امناء و اعضای کمیته های مختلف از بین دانشمندان اسرائیلی و غیره، قضات و شخصیت های برجسته کشور انتخاب می شوند و تمامی آنها به طور داوطلبانه فعالیت می کنند.

کادر اداری این بنیاد مرکب از سه نفر است. مدیر عامل این بنیاد "یارون گرودر" Yaron Gruder است که آقای گرودر به خاطر توانایی و اعتمادی که دکتر ولف نسبت به او داشت، در سال ۱۹۷۵ به سمت مدیر عامل این بنیاد برای مادام العمر منصوب شد.

از سال ۱۹۷۸ تاکنون سالیانه پنج نفر برای گرفتن جایزه ولف انتخاب شده اند و مبلغ صد هزار دلار به هر کدام از آنها اهدا شده.

گیرنده جایزه در هر رشته توسط کمیته مخصوصی انتخاب می شود. اعضای هر کمیته مرکبند از دانشمندان و متخصصان برجسته در آن رشته که از دانشگاه های اسرائیل و دیگر کشورهای جهان انتخاب می شوند. این کمیته پس از بررسی کارهای آنها، یکی از آنان را به عنوان برنده جایزه انتخاب می کند. فقط دانشمندان و یا هنرمندانی می توانند کاندید باشند که توسط روسای دانشگاه ها و یا مراکز علمی شناخته شده به بنیاد معرفی شده باشند.

تا بحال ۲۳۲ نفر از ۲۱ کشور دنیا نائل به اخذ جایزه ولف شده اند.

هر برنده فقط یک مرتبه کاندید می شود.



Sepehr Video Photography

لحظات زیبای خود را جاودانه سازید

Sepehr Khosraui  
Cell: 310.279.3403

## دره صلح

### طرحی آماده برای اجرا که می‌تواند صلح را در ناحیه ترویج دهد

نوشته: شیمون پرز

برگردان: ایرج فرنوش

جهت بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران سیاسی "طرح دره صلح" را نقطه عطفی در رابطه بین اسرائیل و اردن و فلسطینیان به شمار می‌آورند.

طول مسیر طرح "دره صلح" در حدود ۵۲۰ کیلومتر می‌باشد که از دریای سرخ در جنوب شروع و به رودخانه "یارموک" در شمال خاتمه می‌یابد. ۴۲۰ کیلومتر از این مسیر از مرزهای مشترک اسرائیل و اردن عبور می‌کند و در حدود ۵۲ کیلومتر از آن در مسیر مرزهای آینده کشور فلسطین قرار خواهد داشت.

مرکز ثقل این طرح عظیم ناحیه "آراوا" می‌باشد که در جنوب دریای مرده در دو طرف مرزهای مشترک اسرائیل و اردن قرار دارد. با اجرای این طرح "آراوا" به صورت یک مرکز بسیار بزرگ جهانگردی و کشاورزی مدرن تبدیل خواهد شد و وضع اجتماعی، اقتصادی و اکولوژی این ناحیه را به طور شگرف دیگری دگرگون خواهد ساخت.

طرح عظیم "دره صلح" مجموعه‌ای از چند پروژه مختلف می‌باشد که در صدر آن حفر یک کانال برای انتقال آب از دریای سرخ به دریای مرده است. این پروژه از دو نظر قابل توجه است یکی این که با احیا کردن مجدد دریای مرده و جلوگیری از خشک شدن آن از یک فاجعه عظیم محیط زیست جلوگیری می‌شود (لازم به توضیح است که در طول چند سال گذشته سطح آب دریای مرده به علت کمبود بارندگی و عدم کنترل و مدیریت بد و غلط برای نگهداری و حفظ آن بسیار پائین رفته و طبق پیش‌بینی‌های کارشناسان

برای اجرای آن به سرمایه زیاد نیاز است و در نتیجه نقش بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در آن بسیار مهم است.

سرمایه‌گذار در دنیای امروز از مرزبندی سیاسی تابعیت نمی‌کند زیرا که او به دنبال شرایط مطبوع در جهت تضمین اصل سرمایه و دریافت سود مناسب می‌باشد. در این راستا اسرائیل محل مناسبی برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی است. این کشور دارای اقتصاد مدرن با استاندارد بالا است و از نظر سیاسی، هر چند که دوره زمامداری رهبران آن کوتاه بود ولی از ثبات سیاسی کامل برخوردار است و سیاست جا افتاده و بالغ دارد. در نتیجه ریسک سرمایه‌گذاری در اسرائیل بسیار کم است. سرمایه‌گذارهای مختلفی که توسط سرمایه‌داران خصوصی نظیر وارن بافت سرمایه‌دار معروف آمریکائی و خریداری شدن چند شرکت اسرائیلی توسط شرکتهای خارجی چند ملیتی که در این اواخر صورت گرفته همگی دلیل بر ثبوت وضع اقتصاد و ژئوپولیتیک اسرائیل است.

اگر از نظر روانشناسی سیاسی به روابط اسرائیلیان با فلسطینیان توجه کنیم، می‌توان مشاهده کرد که در دو دهه گذشته تمام تلاشهای اخذ صلح بر محور مذاکرات سیاسی دور میزده که در آن مرزهای جغرافیایی تعیین گردد. و از آن نتیجه‌چندانی عاید نشده است. در صورتیکه موضوع مذاکرات بر محور اقتصادی متمرکز گردد زودتر می‌توان تفاهم و دوستی را بین اسرائیل و فلسطینیان بوجود آورد. از این

در اواسط مارچ امسال کابینه آقای "اهود المرت" نخست وزیر اسرائیل موافقت خود را برای اجرای یک طرح عظیم ملی که به نام "دره صلح" خوانده می‌شود اعلام داشت. برای اجرای این طرح عظیم کابینه همچنین موافقت کرد که بعضی از قوانین محدود کننده درباره این پروژه یا به کلی حذف و یا تعدیلاتی در آن به وجود آید که در تسریع انجام این طرح کمک کند تا تاخیری در اجرای آن به وجود نیاید.

مقامات اسرائیلی امیدوارند که با اجرای این طرح عظیم نه تنها وضع اجتماعی و اقتصادی مردم ناحیه بهبود یافته بلکه از بحران کمبود آب که کلیه منطقه را تهدید می‌کند بکاهند تا از این راه بتوان مسیر صلح را هموار ساخت..

تمام پروژه‌هایی که در طول چند دهه گذشته در جهان اجرا شده همگی بر مبنای اقتصاد مدرن بوده که زیر بنای آن ترکیبی از علوم، تکنولوژی و فناوری‌های بالا می‌باشد. خوشبختانه کشور اسرائیل در رشته‌های علوم و فناوری‌های بالا از کفایت کافی برخوردار است و از این رو شانس موفقیت این طرح عظیم ملی بسیار زیاد است. این طرح عظیم در درجه اول با مشارکت و همکاری کشورهای اسرائیل و اردن به اجرا در خواهد آمد. علاوه بر این آمریکا، ژاپن و چند کشور دیگر اتحادیه اروپا علاقه و آمادگی برای مشارکت در این طرح عظیم ابراز داشته و بودجه‌هایی هم برای آن در نظر گرفته‌اند.

"دره صلح" یک طرح بلند همتی است که



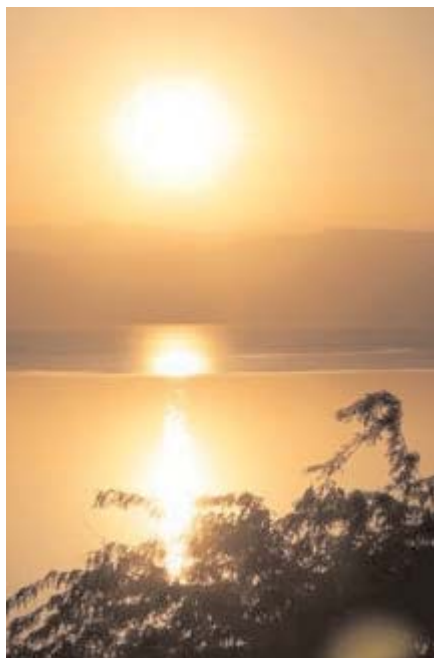
پروژه مربوط به امور ترابری و حمل و نقل می‌باشد.

یکی بازسازی، توسعه و مدرنیزه کردن فرودگاه ایلات می‌باشد که در نزدیکی مرز اردن قرار دارد. این پروژه که با همکاری مشارکت اردن اجرا خواهد شد طوری طراحی شده که فرودگاه نوسازی شده دو ترمینال جداگانه خواهد داشت، یکی در داخل خاک اردن برای مسافری به مقصد اردن و دیگری در داخل خاک اسرائیل برای مسافری به مقصد اسرائیل. این پروژه از نظر اقتصادی بسیار با صرفه تر از این می‌باشد که هر کشور فرودگاه جداگانه داشته‌باشد و با پولی که از این راه صرفه جوئی می‌شود می‌توان به مصارف دیگر عمرانی رساند و علاوه بر آن وقت کمتری هم برای اتمام آن لازم خواهد بود.

پروژه دیگر اتصال شبکه های راه آهن کشور اسرائیل به کشور اردن خواهد بود. در جنوب بندر "اشدد" را به بندر "عقبه" وصل می‌کند و در شمال بندر "حیفا" را به شهر "ارید". این پروژه که بیشتر با پیشنهاد اروپائیان ساخته می‌شود، شبکه راه آهن اسرائیل را از طریق اردن به شبکه راه آهن اروپا وصل می‌کند که باعث کوتاه شدن فاصله ها و کاهش هزینه حمل و نقل بین این کشورها خواهد شد.

طرح "دره صلح" فرصت جدیدی است که می‌تواند جو حاکم را در ناحیه عوض کند، دشمنی را جایگزین دوستی کند. این طرح همچنین می‌تواند برای مردم این ناحیه امید به وجود آورد. اگر مذاکرات سیاسی تاکنون بی نتیجه بوده، مذاکرات اقتصادی می‌تواند امیدوار کننده باشد. این طرح عظیم قبلا مورد موافقت مقامات فلسطینی، اردنی، آمریکایی، ژاپنی و کشورهای عضو اتحادیه اروپا قرار گرفته، برنامه ریخته شده و همه چیز برای اجرای هر چه سریعتر آن آماده است.

یکی از چالشهایی که مقامات فلسطینی با آن روبرو هستند مسئله بیکاری در مناطق تحت کنترل آنها می‌باشد. آنان از اسرائیل انتظار دارند که برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی فلسطینیان بیشتر درگیر شوند. از این جهت اسرائیل تصمیم به ایجاد مجتمع های صنعتی و کشاورزی مدرن در این ناحیه گرفته.



مناطق ساحل غربی رود اردن از پتانسیلهای زیاد کشاورزی برخوردار است و با مدیریت صحیح می‌توان آن را به یک منطقه کشاورزی نمونه تبدیل ساخت که بتواند هم نیازهای کشاورزی ناحیه را تامین کند و هم مازاد محصولات کشاورزی را به سایر نقاط صادر کنند. طرحهای صنعتی شامل ایجاد کارخانجات پارچه بافی و دوزندگی لباس و وسائل الکترونیکی خواهد بود. این طرح ها توسط اسرائیل و با کمک مالی آلمان و ژاپن به مرحله اجرا در خواهد آمد. امید است که با اجرای این طرح، جو دشمنی به یک جو دوستی تبدیل شود. طرح عظیم "دره صلح" همچنین شامل دو

امور محیط زیست در صورتیکه اوضاع بر منوال کنونی ادامه یابد تا چند سال دیگر دریای مرده به کلی خشک شده و به یک دره تبدیل خواهد شد که از نظر اکولوژی یک فاجعه خواهد بود. اهمیت دیگر این کانال پروژه های جنبی آن می‌باشد که در دو طرف کانال ساخته خواهد شد و پارادوکسهای این ناحیه را عوض خواهد کرد.

در مسیر کانال چند دریاچه مصنوعی ساخته خواهد شد؛ که در اطراف هر یک از آنها پارکهای تفریحی و تاسیسات دیگر برای جذب جهانگردان ایجاد می‌شود. ایجاد چند نیروگاه تولید کننده برق که به توربینهای آبی مجهز خواهند بود نیز جز این طرح عظیم گنجانیده شده است. توربینهای تولید برق که با محرک آب کار می‌کنند با صرفه ترین و رفیق ترین نوع تولید نیرو بوده و کمترین اثر سو بر محیط زیست دارند. برای تامین آب آشامیدنی و آب برای مصارف کشاورزی و صنعتی چند کارخانه نمک زدایی و تصفیه آب در مسیر کانال ساخته خواهد شد و پروژه تصفیه آب از اهمیت دو چندان برخوردار است. زیرا در زمانی که منطقه با بحران کمبود آب روبرو است، این پروژه می‌تواند تا حدی از شدت بحران آب بکاهد. از سوی دیگر این پروژه وضعیت جغرافیایی و اکولوژی دو طرف کانال را به شدت تغییر خواهد داد و این ناحیه را به پر بارترین ناحیه کشاورزی در منطقه خاورمیانه تبدیل خواهد کرد.

طرح دره صلح تنها به ساختن یک کانال آب از دریای سرخ به دریای مرده ختم نمی‌شود. ایجاد چند مجتمع صنعتی و کشاورزی در شهر جنین نیز در این طرح گنجانیده شده است.

با وجودیکه در سالهای اخیر کمکهای مالی زیادی توسط آمریکا، کانادا، ژاپن و کشورهای اتحادیه اروپا به فلسطینیان شده هنوز مشکلات اقتصادی بسیاری در جلوی آنها وجود دارد.

## گفتگویی با پروفیسور امنون نتصر



امروز توسط یهودیان پایه گذاری شده که جغرافی نویسان اسلامی نیز این موضوع را تایید کرده اند.

اسلامی شدن ایران زرتشتی، چه اثری در جامعه یهود داشته؟

مطمئناً بدون تاثیر نبوده. تسخیر اسلام بر ایران تنها یک تسخیر مرزی و تریتوریالی نبوده. این مانند لشکر کشی اسکندر نبود که آمد، ایران را گرفت، مدتی حکومت کرد و بعد شکست خورد و رفت. آنچه اعراب در ایران انجام دادند، یک فتح و تسخیر فرهنگی و یک متمدن‌سازی بود. با آمدن آنها ایمان و افکار ملت ایران تغییر یافت، یعنی ایران زرتشتی از میان رفت.

آن ایران دیگر وجود ندارد و نخواهد بود. این یک موضوع تاریخی است. ما نه به نفع و نه به ضرر آن صحبت می‌کنیم. باید متوجه بود که در آن زمان تعدادی از رهبران مذهبی زرتشتی تا اندازه ای متعصب شده بودند و با وجود نفوذی که داشتند زندگی را برای یهودیان و دیگر اقلیت‌ها سخت کرده بودند. نفوذ این دسته و تعصب آنها با روی کار آمدن سلسله ساسانیان بیشتر شده بود و حتی به دلیل تفاوت‌های طبقاتی بسیاری از ایرانیان غیر یهودی نیز در سختی بسیار زندگی می‌کردند. بنابراین عده ای از مردم منتظر بودند تا تغییراتی در داخل کشور روی بدهد. فکر نمی‌کنم که فکر می‌کردند و یا

نشان می‌دهد که در این حملات اسرای یهودی توسط آشوریها به "ماد" برده شده و در آنجا اسکان داده شدند. ماد همان کردستان و آذربایجان امروز است که قسمتهای شرقی آن تا "ری" و از شمال تا گیلان و مازندران امروز می‌رسیده.

حمله نوبت دوم در سال ۵۸۶ قبل از میلاد توسط "بخت النصر" به کشور یهودیه بوده. در آن زمان یهودیها را به بابل می‌آوردند و ۴۸ سال بعد کوروش، پادشاه پارس در اعلامیه معروف خود، یهودیان و دیگر ادیان را آزادی می‌دهد و به یهودیان اجازه می‌دهد که اگر مایل هستند به کشور خود یعنی یهودیه و اورشلیم بازگردند و آن را دوباره بسازند. بسیاری از یهودیان از این موقعیت استفاده کرده و باز می‌گردند. اما تعداد زیادی هم ترجیح می‌دهند که در محل سکونت خود باقی بمانند. انطور که ما میدانیم بیش از ۴۹ هزار یهودی رهسپار یهودیه می‌شوند و آن عده ای که باقی می‌مانند در طی زمان به طرف شرق رفته و در مناطق مختلف ایران امروز سکونت می‌کنند. از روی نوشته‌های "کتاب استر" که مربوط به زمان خشایار شاه است، می‌دانیم که یهودیان تقریباً در تمامی نواحی ایران پخش شده اند. در این صورت اگر بخواهیم قدمت یهودیان را در ایران حساب کنیم می‌توانیم بگوئیم که یهودیان ایران حتی قبل از ظهور زرتشت در ایران حضور داشتند. به اضافه اسناد معتبری از جغرافی نویسان اسلامی و یاتاریخ نویسان غربی وجود دارد که نشان می‌دهد یهودیان قبل از مسیح در هر گوشه و کناری ایران زندگی می‌کردند. بسیاری از آبادیها و دهات اطراف ایران توسط یهودیان ساخته شده، و حتی شهر اصفهان

در سال ۱۹۹۰ آقای منوچهر بی بیان، مدیر و تهیه کننده تلویزیونهای جام جم مصاحبه ای با پروفیسور امنون نتصر، استاد کرسی ایرانشناسی در دانشگاه عبری اورشلیم، ایران شناس و مولف چندین کتاب درباره تاریخ ایران و یهودیان آن، انجام دادند. در این مصاحبه پرمحتوا آقای منوچهر بی بیان طی سوالاتی بسیار گویا از آقای نتصر به طور خلاصه در مورد یهودیان ایران و تاریخ آنها توضیح می‌خواهند. با سپاس از آقای منوچهر بی بیان برای در دسترس قرار دادن این مصاحبه و با امید موفقیت و تشکر از پروفیسور امنون نتصر، خلاصه ای از این مصاحبه را در این شماره "شوفار" به چاپ می‌رسانیم. افرادی که مایل هستند بیشتر با نوشته‌های پروفیسور نتصر آشنا شوند می‌توانند برای لیست کامل این مطالب و کتابها به سایت "بنیاد جامعه دانشوران" مراجعه کنند

[www.thegraduatesociety.org](http://www.thegraduatesociety.org)

قدمت یهودیان ایران به چه دوره ای می‌رسد؟

چند سند مهم در این مورد وجود دارد که شاید مهمترین و معتبرترین این اسناد همان کتاب مقدس است. در کتاب مقدس می‌خوانیم که پادشاهان آشور در دو نوبت به کشور اسرائیل حمله کردند.

اینجا باید متذکر شد که در آن دوره دو کشور یهودی وجود داشت، یکی کشور اسرائیل بود که در قسمت‌های شمالی سرزمین اسرائیل امروز بود و دیگری کشور یهودیه در جنوب که پایتخت آن اورشلیم بود. حمله آشوریها در دو نوبت به قسمت شمالی انجام شد. یکی در سال ۷۴۰ قبل از میلاد و دومی در سال ۷۲۰ قبل از میلاد. اسنادی که در دست است

فرهنگ زندگی کند. خوشبختانه یهودیان ایران فرهنگ غنی از خود به جا گذاشته‌اند. اگر به صورت متودولوژیک فرهنگ یهودیان ایران را تقسیم بندی کنیم، آن را میتوانیم به زمان قبل از حمله مغول و پس از حمله مغول دسته‌بندی کنیم. دلیل این که حمله مغول را منبع قرار می‌دهیم این است که مغولها ویرانیها و خرابیهای بسیاری به بار آوردند، در

که برای دیدار به ایران آمده بودند و توجهی به یهودیان نیز داشتند، نوشته‌هایی از سفرشان به جا گذاشته‌اند که تعداد یهودیان ایران را در آن زمان بیش از ۸۰۰ هزار نفر تخمین می‌زند. اما در آغاز قرن بیستم، زمانی که سازمان آلیاس وارد ایران می‌شود و آماری از جمعیت یهودی ساکن ایران می‌گیرد، جمعیت را به پنجاه هزار نفر تخمین

می‌خواستند که به این شدت و به این صورت باشد. تنها مایل بودند که بتوانند از دست نفوذ و تعصبات رهبران زرتشتی نجات پیدا کنند. در این صورت می‌توانیم حدس بزنیم که در آغاز این دوره خوشی برای یهودیان و دیگر اقلیتها بوده، که البته همانطور که همه اطلاع داریم این موضع به مرور زمان عوض شد. تا قبل از روی کار آمدن سلسله صفویه و



سراسر ایران و نسبت به تمام قسمت‌های فرهنگی ایران. قبل از حمله مغول کیفیت و اهمیت کارهای فرهنگی یهودیان ایرانی بسیار قوی است. باستان‌شناسان نوشته‌هایی را کشف کرده‌اند که آن را "گنجینه‌های قاهره" می‌نامیم. این گنجینه متشکل از صدها هزار اوراق پاره‌ای است که هم اکنون در دانشگاه کمبریج نگهداری میشوند. در میان این اوراق توانسته‌ایم مقدار قابل ملاحظه‌ای درباره تاریخ یهودیان ایران پیدا کنیم. در این نوشته‌ها تعداد قابل توجهی از نوشته‌های

می‌زند. در حالی که ما میدانیم که با در نظر گرفتن زاد و ولد این مقدار باید بالای هشتصد هزار نفر می‌بوده، اما برعکس تعداد جمعیت به پنجاه هزار نفر کاهش یافته‌بوده. در این صورت می‌توان گفت که اسلام در برخی از موارد نتایج مطلوبی داشته و متأسفانه زمانی که تعصبات خشک مذهبی نفوذ پیدا می‌کند تاثیرات بدی به همراه می‌آورد.

**یهودیان ایران چه آثار هنری و فرهنگی از خود به جا گذاشته‌اند؟**

در این شکی نیست که زمانی که ملتی در یک سرزمین زندگی می‌کند نمی‌تواند بدون

به رسمیت شناختن مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی ایران، چون شیعیان نیز مانند یهودیان در اقلیت بودند و هر دو توسط سنی‌ها مورد آزار قرار می‌گرفتند، این دو گروه تا حد زیادی با هم همدردی کرده و تفاهم داشتند، اما سلسله صفویه با خود آخوندها و ملایان را به ارمغان آورد که با تعصبات خشک و نفوذی که مذهب در دستگاه‌های دولتی پیدا کرد اقلیتها تحت فشار بسیار قرار گرفتند. این دوره ناراحت کننده‌ای برای یهودیان بوده، برای مثال در زمان سلطان سنجر، در دوره سلجوقیان، عده‌ای جهانگرد



در چه سلسله ای یهودیان ایران آزادی را چون یک ایرانی حس کردند و در چه دوره ای مورد بی مهری مردم و یا حکومت قرار گرفتند؟

به طور خلاصه باید بگویم که بدون شک در دوران سلسله پهلوی، هنگام حکومت رضا شاه و محمد رضا شاه، درخشانترین زمان زندگی و آزادی یهودیان ایران بوده. البته ممکن است که چنین زمان درخشانی نیز در دوران خشایارشا و کوروش کبیر نیز وجود داشته، اما امروز اسناد کاملی برای ثابت کردن آن در دست نداریم. اگر عکس آن را ببینیم، باید بگویم که سخت ترین دوران برای یهودیان ایران، زمان سلسله صفویه بوده. از بدو این سلسله تا آخرین دوره قدرت آن مشکلات بسیاری برای یهودیان وجود داشته. با وجود این که در "قرآن" در سوره "بقره" در آیه ۲۵۶ آن نوشته شده که هیچ فردی نباید با زور و یا اجبار به اسلام روی بیاورد، در زمان صفویه از این نظر با خشونت و آزار بسیار با یهودیان و دیگر اقلیت های مذهبی رفتار شده. در خاتمه دوباره تاکید می کنم که یهودیان ایران حتی قبل از ظهور زرتشت در ایران سکونت داشتند و همیشه ایران دوست و خدمتگزار کشور خود بوده اند.

رسانه های گروهی رسیدن عید نوروز را نه تنها به یهودیان ایرانی بلکه به تمام ایرانیان در سراسر دنیا، حتی به زبان فارسی، تبریک می گویند.

بنابراین با وجود تمام فراز و نشیبهایی که برای یهودیان ایرانی رخ داده هنوز با علاقه تمام فرهنگ و رسوم ایرانی خود را حفظ می کنند.

اگر به تاریخ نگاه کنید، تمام افرادی که از خارج داخل ایران شده اند، با خود ویرانی و خرابی به همراه آورده اند. تنها یهودیان بوده اند که از آغاز در آبادی ایران کوشیده اند. بسیاری از آبادی ها و دهات و شهرهای امروز ایران توسط یهودیان ساخته شده و آنها قدرت سازندگی با خود به ایران آوردند. همچنین در جنگهای مختلفی که بین ایران و دشمنانش ایجاد شده، یهودیان نیز وارد ارتش شده و با علاقه خدمت کرده اند. مدارکی نشان می دهد که هنگهای ارتشی یهودی در زمان ساسانیان به ایران کمک می کردند، در مقابل دشمنانی چون رومی ها، حتی اخیرا در جنگ ایران و عراق بسیاری از یهودیان ایرانی که در جنگ خدمت کردند کشته شدند. یهودیان ایرانی از نظر ملیت خود را جزء ملت ایران می دانند.

شاعران یهودی وجود دارد که نوشته های آن ها می تواند همپای نوشته های فردوسی و نظامی باشد. برای مثال شاعر معروف یهودی، "شاهین" که در دوران ابوسعید ایلخانی زندگی می کرده، گنجینه بزرگ و ارزنده ای از خود به یادگار گذاشته که از نظر کیفیت و کمیت تقریبا به مرغوبی شاهنامه فردوسی است. پس از او نیز شاعران یهودی بسیاری آمدند که هر کدام نوشته های ارزنده ای از خود به جا گذاشته اند. تعداد زیادی از یهودیان نیز در هنرهای دیگر مانند موسیقی و نقاشی در طی دوران درخشیده اند، که صحبت در مورد آنها می تواند ساعتها ادامه داشته باشد.

**یهودیان ایران تا چه اندازه ای در جامعه و فرهنگ ایران حل شده اند؟**

شما وقتی که یک یهودی ایرانی را می بینید در حله اول ایرانی بودن او را می بینید. می بینید که او یک شخص ایرانی کامل و به تمام معنا است. بین یک ایرانی یهودی و یک ایرانی غیر یهودی هیچ فرقی نیست به غیر از مذهب. حتی اگر در دوران قبل از رضا شاه، نامهای یهودیان تا حدی باعث می شد که آنها با بقیه فرق داشته باشند، امروز می بینیم که یهودیان ایرانی نامهای کاملا ایرانی مانند بهرام، منوچهر و غیره روی فرزندان خود می گذارند. بنابراین منهای مذهبش یک یهودی ایرانی از هر نظر کاملا ایرانی است. عشق و علاقه یهودیان ایرانی به رسوم و جشنهای باستانی کشور و حفظ این سنن بسیار واضح است. برای نمونه امروز بیش از ۱۵ هزار یهودی ایرانی در کشور اسرائیل زندگی می کنند، که بیش از بیست هزار نفر آنها قبل از استقلال اسرائیل به این کشور مهاجرت کردند. در طی سالیان گذشته هر سال هنگام عید نوروز یهودیان ایرانی جشنهای زیبایی را با رعایت تمام رسوم تشکیل می دهند که حتی میزبان نخست وزیر و رئیس جمهور اسرائیل هستند. سران کشور اسرائیل با علاقه در



کنیسیای در ایران

# نگاهی به تاریخچه پیدایش ادبیات فارسیهود در ایران

از دکتر ناهید پیرنظر (اُبرمن)

بنمائیم.

نگاهی به موقعیت اجتماعی یهودیان ایران پس از حمله مغول و سرآغاز تکوین ادبیات فارسیهود:

اصولا تاریخ یهودیان ایران در قرون وسطی بسیار مبهم و ناشناخته است. به جز اشاره‌ها و یادداشت‌هایی کوتاه و معدود از تاریخ نویسان عرب یا گزارشات سیاحان و یا احیانا نوشته‌هایی ضمنی از برخی نویسندگان آن دوران، کمتر می‌توان به شرایط اجتماعی و فرهنگی یهودیان ایرانی در قرون وسطی پی برد. در این آسمان تیره و مه‌آلود دو ستاره بزرگ، دو سیاستمدار یهودی و یا یهودی الاصل سعد الدوله و رشید الدین فضل الله می‌درخشند. برای شناخت این دو ابرمرد تاریخ ایران و علل صعود و ترقی آنان از ریشه‌های یهودی باید با تاریخ و شرایط زندگی اقلیت‌های مذهبی در اوایل سلطه مغول آشنا شویم. خلافت خلفای عباسی با فتح بغداد در سال ۱۲۵۸ میلادی برابر با سال ۶۵۶ هجری قمری توسط هلاکو خان مغول پایان پذیرفت. با پایان خلافت عباسیان و سقوط بغداد، اسلام نقش سالارگونه خود را در قسمت‌های شرقی امپراطوری اسلامی آن زمان از جمله ایران از دست داد و شاید هم به همین علت است که این گونه ممالک برخلاف سایر کشورهای تحت سلطه اسلام، اگر چه به دین اسلام گرویده بودند از نفوذ فرهنگ عرب کم و بیش خارج شدند.

در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup>

آثار دوران اول و دوم در تقسیم بندی لازار که برابر بادوران قبل از مغول در تقسیم بندی نتصر می‌باشد، بیشتر از نظر زبانشناسی و تا حدی هم آشنایی با سطح دانش یهودیان ایرانی در مورد یهودیت قابل ملاحظه است. در حالی که دوران سوم و چهارم تقسیم بندی لازار که با دوران بعد از مغول نتصر مطابقت می‌کند، علاوه بر ارزشهای زبانشناسی و مذهبی دیدگاه‌های بیشتری را از زندگی و فرهنگ یهودیان ایرانی برای ما روشن می‌سازد. از آن جمله باید از ارزشهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی زندگی یهودیان ایرانی نام برد. اما پر ارزش ترین جنبه این آثار، استحکام بخشیدن به سهم یهودیان ایرانی در مسیر تکوین کارنامه ادبیات ایران است و این امر نه تنها وزنه‌ای برای شناسایی یهودیان ایران در فرهنگ یهودیان جهان به شمار می‌رود بلکه مبین رشته‌های ناگسستنی یهودیان ایرانی با آب و خاک ایران و فارسی زبانان است.

به منظور آگاهی از چگونگی پیدایش این پدیده ادبی لازم می‌باشد که مروری بر تاریخ یهودیان ایرانی در دوران بوجود آمدن این آثار کرد و از سوی دیگر نیز برای مقایسه و پیگیری ارزش آنها با سایر آثار ادبی ایران، مروری بر مراحل تکوین ادبیات ایران که فارسیهود خود جزئی از آن به حساب می‌آید

آثار و نوشته‌های فارسیهود به عنوان سند قومیت و ملیت یهودیان ایرانی در جهان شاخص ترین نشانه هویت دوگانه قومیت یهودی و ملیت ایرانی آنان می‌باشد. این ویژگی قومی و فرهنگی در عین وابستگی یهودیان ایران به تمام یهودیان جهان، آنان را از همه آنان مجزا ساخته تا زمانی که یهودیان ایرانی به زبان فارسی سخن بگویند و بنویسند آثار آنان جزئی از فرهنگ ایرانی هم به حساب می‌آید. بدین منظور ارزشهای ادبی این میراث فرهنگی را از دیدگاه‌های مختلف می‌توان بررسی نمود این آثار در وحله اول سهمیه پرداختی آنان به گنجینه پربار ادبیات ایرانی یهودیان جهان است.

تقسیم بندی پروفیسور ژیلبر لازار استاد دانشگاه سوربن به عنوان یک محقق اروپائی و درجه بندی پروفیسور آمون نتصر از دانشگاه عبری اورشلیم، به عنوان یک محقق شرقی ایرانی الاصل می‌توانند سرآمد طبقه بندیهای آثار فارسیهود به شمار روند. در تقسیم بندی لازار به چهار طبقه دوران قرون هشتم تا یازدهم، دوازدهم تا چهاردهم، چهاردهم تا هفدهم، آثار یهودیان بخارا از قرن هفدهم میلادی به بعد برخورد می‌کنیم، در حالی که تقسیم بندی امن نتصر، علاوه بر تقسیم بندی آنها از نظر تاریخ به دو دوره قبل و بعد از مغول، از نظر فرم به دو نوع "نظم و نثر" و از نظر متن به مضامین مختلف، توضیحات گسترده تری را

1- Gilbert Lazar. "The Dialectology of Judeo-Persian " padyavand vol.I. Edited by Amnon Netzer.

Costa Mesa: Mazda Publishers, 1996

2- Amnon Netzer. "Seyri dar Adabiyat-e Yahud-e Iran"" padyavand vols.I&II

ممالک با تمام اختیارات در مقام وزارت در دربار ارغون می‌زیست.<sup>۵</sup> و در این مورد چنین نقل قول شده است: "شاهنشاه [ارغون] دستور داد که سعدالدوله یهودی که تاکنون حکمران بغداد بود و به عنوان صاحب دیوان الممالک در تمام استانهای امپراطوری به وزارت برگزیده شود."<sup>۶</sup>

تمرکز قوای صدارت و اداره مملکت به دست صدر اعظم یهودی و بستگان او بالاخره موجب نارضایتی درباریان مغول و مسلمانان گردید و بالاخره دو هفته قبل از مرگ ارغون هنگامی که در بستر بیماری افتاده بود، سعدالدوله و همکاران موافقش در یک میهمانی دربار دستگیر و بلبه تیغ به قتل رسیدند. پس از آن در سراسر امپراطوری جان و مال یهودیان مورد حمله و تاراج قرار گرفت.<sup>۷</sup>

اما کشتار سعدالدوله و غارت و چپاول یهودیان دیری نپائید و نتوانست مانع پیشرفت یهودیان در صحنه سیاست گردد. زیرا که به علت عدم کیاست و دانش جانشینان سعدالدوله و بعثت تزلزل در اوضاع مالی کشوری و خالی شدن خزانه فقط پس از مدت دو سال بار دیگر، یهودی دیگری به رشیدالدوله در دربار ایلخانان و امپراطور وقت حاضر گردید. باید توجه داشت که در آن هنگام

امپراطور مغول، غازان خان (۱۲۹۵ تا ۱۳۰۴ میلادی) با قبول اسلام، بالاخره از مرام اجداد خود مبنی بر اتحاد با مسیحیان اروپا دست برداشته بود و بدین ترتیب با توسعه اسلام در آسیا، سرنوشت جهان به کلی در شرف تغییر بود.

مشاغل عالی سیاسی، پزشکی، نجوم و امور مالی را در دربار امپراطوری مغول و ایلخانان به دست بگیرند و از دو میوه پر بار این دوران یعنی آزادی فرهنگی و سیاسی بهره مند گردند، و در این جاست که به نام دو سیاستمدار بزرگ و وزیر اعظم با اسامی سعدالدوله و رشید الدین فضل الله



برخورد میکنیم. سعد الدوله یهودی که نام یهودی او به قولی مرد خای کهن صدق ابهری ذکر شده است وزیر سلطان مغول ارغون (۱۲۸۴ تا ۱۲۹۱) بود. او در ابتدا سال ۱۲۸۸ میلادی در مقام پزشک مخصوص و سپس در مقام صاحب دیوان

در اوایل حکومت مغول، دیگر عناوین اقلیت های اهل کتاب و اهل الذمه به معنی تحت الحمایه اسلام بودن، مفاهیم خود را از دست دادند. زیرا که در آغاز، سلاطین مغول همه مردم کشورهای تسخیر شده را به یک چشم نگاه می‌کردند و برای آنان خداپرست و مشرک، یهودی و زرتشتی و مسیحی و مسلمان یکسان بودند. در این مورد، ایلخانان مردم را بر هر عقیده و مرام مذهبی مساوی دانسته، همین امر باعث شد که تصدی بسیاری از مشاغل و موقعیت های عالی دولتی و اجتماعی که قبلاً فقط مختص مسلمین بود برای همه اقلیت ها امکان پذیر باشد. چندین دهه از تاریخ ایران، برای تمام اقلیت ها از جمله یهودیان، آزادی سیاسی و اجتماعی مطلق را در بر داشت. فرصتی که هیچ گاه حتی پس از مشروطه ۱۹۰۶ میلادی و یا دوران پهلوی برای اقلیت های غیر مسلمان در ایران امکان پذیر نبوده است.

بعثت رقابت با سلاطین مملوک که وارثان ایوبیان در مصر و شام بودند و ایجاد روابط نزدیک با مسیحیت در اروپا و به منظور کوتاه کردن دست اسلام از ممالک متصرفه پادشاهان مغول؛ ارغون نوه هلاکوخان، در فرمانی که صادر کرده بود اشغال مشاغل کشوری را برای مسیحیان و یهودیان موجز و برای مسلمانان ممنوع ساخته بود.<sup>۳</sup>

چنین روشی امکان رسیدن مسیحیان و یهودیان را به بالاترین درجات کشوری مهیا ساخت. در این برهه از زمان یهودیان به حد کافی آقدر با فرهنگ و زندگی اجتماعی ایرانی آمیخته شده بودند که توانستند به راحتی

3- Walter Fischel. "The court jew in the Islamic World." Jews in the economic and Political Life of Mediaval Islam... New York, Ketav publishing House Inc, 1969 p.93

4- Sara Soroudi, "Jews in Islamic Iran." The Jerusalem Quarterly, No 21, 1981, p.101

5-Fischel, Jews in Mediaval Islamp.97

6-Fischel, Jews in Mediaval Islamp.103

7-Fischel, Jews in Mediaval Islamp.116



مادیات و سیاست باعث شد که یهودیان ایرانی از راه امور فرهنگی هویت خود را حفظ نموده از این طریق میراثی برای نسل های آینده خود باقی گذارند.

اصولا اکثر حماسه ها هنگامی نزع می گیرند که آن قوم خود را در خطر زوال و نابودی می پندارد. همانگونه که فردوسی با به نظم آوردن شاهنامه خواست هویت ایرانی و زبان فارسی را از خطر اضمحلال در مقابل سلطه عرب حفظ کند: "بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی" در آن برهه از زمان، ان دسته از یهودیانی که در سالهای اولیه حکومت مغول (۱۲۸۵ تا ۱۲۹۱ میلادی) از آزادی اجتماعی و فرهنگی اقلیت ها توشه ای برچیده بودند و با زبان و خط فارسی و شاهکارهای ادب ایران به خصوص شاهنامه فردوسی آشنایی پیدا کرده بودند در آسمان مه آلود تاریخ یهودیان ایران همچون ستاره ای درخشیدند و کسانی چون شاهین اولین حماسه سرای یهودی ایرانی و پس از او عمرانی، با به نظم آوردن تورات و قسمتهایی از عهد قدیم پای به عرصه وجود گذاشتند. آنان با

ادغام وقایع تاریخی یهودی با ویژگیهای فرهنگی ایرانی میراث خود را به زبان و خط ملتی که در آن در حال تحلیل بودند برای نسلهای آینده به ودیعه گذارند. ادامه دارد...

پایان غم انگیز عمر سعدالدوله رشید الدین فضل اله خدمات سیاسی یهودیان را در صحنه سیاست ایران و بغداد برای قرن ها متوقف ساخت. اما همانگونه که در تاریخ یهودیان در سراسر جهان دیده شده است



آنان هرگاه که دستشان از خدمات و مقامات سیاسی و اجتماعی کوتاه شده است، به سوی معنویات و علم و ادب روی آورده اند و سعی نموده اند که از راه پیرایش درون که بر آن ممنوعیت نمی توان گذاشت، این کمبودها را جبران کنند. به این ترتیب شکست در صحنه

از آن پس در دربار اسلامی ایلخانان دیگر جایی برای سیاستمداران غیر مسلمان از جمله یهودیان نبود. بخصوص آن که تمام قوانین فقهی مانند قرارداد "عمر" و "اهل الذمه" بودن اقلیت های اهل کتاب دوباره ابقاء گردیده بود. با تمام این تفاسیل در دوران غازان و دو پادشاه مسلمان بعدی الجاتیو (۱۳۰۴ تا ۱۳۱۶ میلادی) و سلطان ابوسعید (۱۳۱۶ تا ۱۳۲۶ میلادی) رشید الدوله یهودی با قبول اسلام و تغییر نام رشید الدوله به رشید الدین، راهنما و یار مدبر آنان بود. آنگونه که از شواهد بر می آید، اسلام آوردن رشید الدین حدودا باید در فاصله سالهای ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۹ میلادی یعنی همزمان با تعیین او برای مقام صدارت باید بوده باشد.<sup>۸</sup>

متأسفانه قبول اسلام نیز نتوانست نشان یهودیت را از این خدمتگزار ایران پاک سازد و بالاخره بنا به سعایت بدخواهان رشید الدین در سال ۱۳۱۸ میلادی به جرم مسموم کردن الجاتیو در سن ۷۰ سالگی در ملاء عام به قتل رسید.

در هویت یهودی او همانقدر بس که صد سال بعد از مرگ او؛

حدودا در سال ۱۴۸۷ میلادی، باقیمانده استخوانهای رشیدالدین فضل الله همدانی نویسنده تاریخ رشیدی، توسط میران شاه فرزند مجنون تیمور لنگ از آرامگاه بیرون کشیده شد تا در گورستان یهودیان دو مرتبه به خاک برسد<sup>۹</sup>

8- Amnon Netzer. "Rashid al-Din and His Jewish Background" Irano-Judaica vol III Jerusalem, Ben Svi Institute, 1994, p.125  
9- Amnon Netzer. Irano-Judaica vol III, 9.125

مطالب دیگر در این مجموعه شامل: اوزان - منابع نور و حرارت - محله های اصفهان - مشاغل - غذاهای سنتی - ملاحا - کنیساها - مکتب ها - پزشکان - قصابی ها - اصطلاحات و ضرب المثل ها - دعاها - دشنام ها. گزیده ای از اشعار فولکوریک و شیراها - طنزهای شیرین - موسیقی و هنر - فعالیت های اجتماعی و چگونگی زندگی روزمره - خصوصیات قومی - شغلی - رسوم فردی و مذهبی می باشند.

خوشبختانه این مجموعه مورد استقبال بی نظیر در اقصی نقاط آمریکا - اروپا - آسیا و سایر نقاط گردید که ناچار به تجدید چاپ دوم با تغییرات و اضافات و یافته های جدید گردیده است. ضمناً سوای تشویق و استقبال عموم از طرفی نیز زیر ذره

بین و موشکافی بعضی هم شهری های علاقمند و بونه گیر نیز قرار گرفت که از آنها متشکر و سپاسگزارم و امیدوارم این نقایص و کامل نبودن و کم و کاست ها به همت دوستان علاقمند در آینده و چاپ بعدی تکمیل و مورد پسند همگان قرار گیرد».

امیدواریم که صاحب نظران و نویسندگان علاقمند سایر شهرهای یهودی نشین ایران چون کاشان و همدان و غیره نیز به منظور حفاظت و باقی ماندن زبان و خصوصیات محلی خود همت به خرج داده، مجموعه ای را برای آیندگان تهیه نمایند.



میدان شاه و نمای زیبای عالی قاپو

در گنجینه تاریخی یک قوم بود.

تصور این مطلب مرا بر آن داشت با وجودی که در خود صلاحیت نویسندگی و تهیه یک مجموعه پژوهشی و فرهنگی را نمی دیدم دل به دریا زده و این پروژه را شروع کنم. از آنجا که در انجام کارها خیلی حساس و دقیق هستم، در شروع کار برای احیای لغات به صورت مرتب و منظم دیکشنری فارسی حیثم را به دست گرفته و از روی آن تک تک کلماتی که تلفظ آن مشابه زبان فارسی نبود را یادداشت کردم. در دو ستون مقابل تلفظ و معنای انگلیسی کلمات را برای جوانان و آیندگان که نوشتار فارسی بلد نیستند تنظیم کردم و مزید بر این لغت نامه نکات گرامری زبان جیدی را نیز اضافه نمودم و بدین ترتیب دیکشنری زبان "جیدی یهودیان" محله اصفهان (جوباره) تدوین گردید.

پس از آن به جمع آوری بیوگرافی و خصوصیت های دیگر قومی یهودیان اصفهان پرداختم و در این مورد وام دار دوستان و علاقمندان صاحب نظری هستم که در این راستا مشوق من بوده و اطلاعات و دانسته های خود را با من سهیم شده اند. محتویات این مجموعه که تهیه آن بسیار با دقت و حوصله تهیه شده خالی از نقص نیست.

من جمله یاد آور می شود که در آن زمان اسم فامیل وجود نداشت و تعیین القاب از روی خصوصیات شخصی افراد انتخاب می شد.



چاپ دوم کتاب جالب سرگرم کننده و آموزنده "اصفهان، نصف جهان" در ماه جون امسال تهیه شده و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است. دکتر ایوب ابراهیمی، نامی آشنا برای علاقمندان در کارهای اجتماعی و فرهنگی است و او با حوصله و وقت قابل تحسینی در صدد گردآوری فرهنگ و واژه ها و اصطلاحات "جیدی"، گویش یهودیان محله اصفهان برآمده و چاپ اول کتاب ایشان با چنان استقبالی از طرف شهروندان اصفهانی و علاقمندان به فرهنگ یهودیان ایرانی روبرو شد که این کتاب برای بار دوم زیر چاپ رفته. با تبریک بسیار به دکتر ایوب ابراهیمی برای اقدام به گردآوری گوشه ای از تاریخ روزمره و فرهنگ همگانی زیبا، رنگین و وزین یهودیان ایرانی و آرزوی موفقیت در تمام کارهایشان از ایشان خواستیم که در مورد این کتاب برای خوانندگان "شوفار" و علاقمندان توضیحاتی بدهند:

« انگیزه گردآوری و چاپ این کتاب زبان رایجی بود که بین یهودیان اصفهان به طور شفاهی پس از گذشت قرن ها در نقاط پراکنده دنیا هنوز رایج بود و می رفت تا با سپری شدن زمان به علت عدم وجود مدارک کتبی از اذهان فراموش گردد. زبانی که اثری



# Sedek Gallery

Direct Importers and Distributors of Rugs  
Available Gold & Silver

بزرگترین واردکننده  
فرشهای ایرانی دستباف  
زر و نیم تا ۴۰ متری  
تبریز و قم و نائین

ساعت و شمعدان آنتیک و ظرفهای نقره و  
چادر نقده

8777 W.Picco Blvd. Los Angeles, CA 90035  
Tel: (310) 278-7872 Fax: (310) 278-7110



## کتاب تاریخ یهود

از: پرویز رهبر

مردم زیاد شده بود و پس از آحاب هم مردم ثروت های بزرگ گرد آورده، به تقلید از همسایگان در بت پرستی و تجمل به سر می بردند. اختلاف سطح طبقاتی زیاد شده بود و ثروتمندان فکر دستگیری مستمندان را از سر بدر کرده بودند و باز پیغمبرانی چند در صدد موعظه و ارشاد مردم برآمدند مهمترین آنها عاموس است که زارعی بیش نبود لیکن بی هراس سلاطین و امراء و ثروتمندان را سخت ملامت می کرد و ایام تیره ای را برای یهود پیش بینی می نمود. در همین مواقع دولت آشور قدرت بسیار یافته بود و دولت شمالی هم مجبور به اطاعت از "تیکلات پلاصر" گردید. کمی بعد سارگون و سلمانصر سامره، پایتخت کشور اسرائیل ر، محاصره نمودند و پس از سه ماه آن را به تصرف در آورده غارت کردند و یهودیان را به آسیای مرکزی فرستادند. بنابراین سلطنت اسرائیل پس از دویست سال در ۷۲۰ ق.م. منقرض گشت. در این دویست سال دولت جنوبی یهودا تقریباً در آسایش به سر میبرد. معاصر آحاب یهو شافا بر یهودا سلطنت می کرد و با آحاب پیمان اتحاد بست و عتلیا دختر او را به عقد "یووام" پسر خود در آورد. عتلیا پرستش بعل را یهودا معمول گردانید لیکن پس از مدتی مردم بر او شوریده به قتلش رساندند و "یوآش" از بازماندگان خاندان شوهرش را به پادشاهی خواندند. از آن پس میان سلطنت یهودا و اسرائیل نفاق افتاد و در حمله آشور (۷۲۰ ق.م.) دولت جنوبی از شمال پشتیبانی ننمود.

آن گرد آمد و جاه و جلال سلیمانی برقرار شد. بازرگانی یهود توسعه یافت و خود سلیمان هم برای تامین مخارج فوق العاده دربار به تجارت پرداخت. عقل و دانش او معروف خاص و عام بود و معبد مجلی برای خدا ساخت که پرستشگاه مقدس و کعبه آمال و مظهر استقلال یهود گشت. در عهد سلیمان آرامش در کشور یهود حکمفرما بود لیکن مالیاتهای سنگین مردم را از او ناراضی کرد و "یروبعام" یکی از صاحب منصبان او از این کیفیت استفاده کرد می خواست زمینه شورش را آماده کند. سلیمان بر این امر وقوف یافت و یروبعام به مصر گریخت. چون سلیمان وفات یافت از مصر بازگشت و سر به مخالفت با "رجبعام" پسر سلیمان برداشت. ده طایفه از یهود به او پیوسته او را به سلطنت خویش خواندند و فقط دو طایفه یهودا و بنیامین بر جبعام وفادار ماندند. بدین طریق در کشور یهود انفکاک حاصل شد و دو سلطنت به وجود آمد: سلطنت اسرائیل در شمال و سلطنت یهودا در جنوب که اورشلیم را پایتخت خود داشت (۹۳۰ پیش از میلاد) آحاب پادشاه دیگر اسرائیل پایتخت خود را در سامره برد و آن را بسیار توسعه داد و بناهای زیبا در آن ساخت و با ایزابل شاهزاده خانم فنیقی ازدواج نمود. او هم پرستش بعل خدای فنیقی را در سامره معمول کرد. آحاب و ایزابل به جور و ستم معروفند. معاصر آنها یکی از مردان باخدای یهود "الياهو پیغمبر" میزیست و آنها را از کردار ناپسندشان منع می کرد ولی فساد اخلاق در

درسال ۱۹۴۶ پرویز رهبر، فیزیکدان، محقق، استاد دانشگاه و یکی از نویسندگان کتابهای فیزیک و شیمی برای تدریس در دبیرستان های ایران، کتاب "تاریخ یهود" را نوشته و منتشر کرد.

پرویز رهبر با تسلط کاملی که به زبانهای فرانسه، انگلیسی، عبری و فارسی داشت جدا از کارهای پژوهشی در رشته فیزیک و شیمی و دست یافتن به افتخارات بزرگی در این زمینه، به ترجمه نوشته های بسیاری از نویسندگان غربی به زبان فارسی نیز پرداخت. نام و کار او برای بسیاری از ایرانیان آشناست.

کتاب "تاریخ یهود" به گفته دست اندرکاران یکی از جامع ترین و بهترین نوشته ها در رابطه با تاریخ یهود و یهودیان ایرانی است که بطور خلاصه گذشته یهودیان دنیا را بررسی کرده. کتاب دیگر نوشته او به نام "دریغوس و امیل زولا" نیز در زمان چاپ با استقبال فراوان روبرو شد.

مجله "شوفار" با اجازه از فرزندان آن شادروان کتاب "تاریخ یهود" را در قسمت های مختلف این نشریه چاپ خواهد کرد. به امید این که دانش گذشته در تصمیم گیری صحیحی برای آینده ما راهمراهی کند. با سپاس از شادروان پرویز رهبر و فرزندان او.

"شوفار"

ادامه از شماره قبل

از اعصار قدیم تا اسارت بابل

در عصر سلیمان کشور یهود به منتهی درجه قدرت و عظمت رسید. ثروت های هنگفت در

چون دولت یهود را میان دو دولت قوی پنجه آشور و کلده قرار داشت کمتر روی آسایش میدید. تسلط آشور رفته رفته زیاد می شد و استقلال یهودا را نیز تهدید می کرد. اتفاقاً بعد ها نیز اختلاف طبقاتی بین یهود زیاد شد و مملکت را به پرتگاه نیستی نزدیک کرد. یسعیا پیغمبر بزرگ یهود مردم را موعظه می کرد و میگفت (فصل ۵۸): ... "می گویند چرا روزه داشتیم و ندیدی جان خود را رنجانیدیم و ندانستی. مگر روزه ای که من می پسندم این نیست که ... نان خود را به گرسنگان تقسیم نمائی و فقیران رانده شده را به خانه خود بیاوری و چون برهنه ای را ببینی او را بپوشانی و خود را از آنانی که از گوشت تو می باشند مخفی سازی"

در جای دیگر: "ای اورشلیم، بزرگان تو فاسد گردیده با دزدان همدست شده اند ... حق یتیم را باطل می کنند و به ناله های بیوه گان توجه ندارند... خدا میگوید چرا به معابد من می آئید و چرا هدیه ها برای من می آورید؟ من به نمازهای شما گوش فرا نتوانم داد زیرا دستهای شما به خود آلوده است. خود را پاک کرده رفتار سوء خود را ترک گوئید، نیکو کاری پیشه گیرید و عدالت را بخواهید، ستمدیدگان را دستگیری کنید و حق یتیم را باطل مدارید و از بیوه گان حمایت نمائید" این کلمات چنان با حرارت و متهورانه گفته می شد که تا مدتی مردم را تحت تاثیر میگرفت.

در حیات یسعیا (سلطنت حزقیا) سنا خریب پادشاه آشور به کشور یهود لشکر کشید ولی سپاه او در اثر بروز بیماری مسری از پای در آمد و مجبور به عقب نشینی شد. یوشیاء جانشین منشه پسر حزقیا پرستش بت مولوخ را که در عهده منشه معمول شده بود اکیدا غدقن کرد. در عهد او یک نسخه از دستورات و اوامر حضرت موسی در گوشه پنهانی از معبد یافته شد و یوشیا به یاری پیغمبران کشور خود را بر اساس آن دستورات اداره

می نمود. یرمیای پیغمبری بود که با او در استقرار قوانین الهی کمک می کرد. یرمیایضعف کشور خود را میدید و ایام بدی را پیش بینی می نمود. در حیات او دولت مصر از وضعی که در دولت آشور پدید آمده بود استفاده کرده میخواست از یهودا بگذرد و به متصرفات آشور بتازد. یوشیا با این امر موافقت ننمود ولی شکست خورد و به قتل رسید و فرعون پسر او الیاخیم را به جایش نشانید. کمی بعد دولت جدید کلده، آشور را منقرض کرد. بخت النصر سلطنت کلده را به اوج قدرت رسانید و مصریان را از فلسطین براند، الیاخیم بر ضد حکومت کلده قیام کرد ولی اجل مهلتش نداد و یهو یاقیم پسرش به جای او نشست. در نتیجه بخت النصر اورشلیم را محاصره نمود. یهو یاقیم بیمناک شد و با مادر و افراد دربار خود به اردوی او رفت که سر اطاعت فرو آورد. لیکن بخت النصر او را به بابل فرستاد و برادر کوچکش صدقیا را به جای او نشانید.

صدقیا مدت هفت سال پیمان خود را با بخت النصر نگاهداشت و بعد از آن از پرداخت خراج سالیانه امتناع ورزید. بنابراین پادشاه کلدانی دوباره اورشلیم را محاصره کرد. تا مدتی شهر در مقابل حملات سخت دشمن پایداری نمود ولی تدریجا قحطی و گرسنگی مدافعین را از پای در آورد و قشون دشمن بشر دست یافت و آن را غارت کرده آتش زد. معبد مقدس و زیبای یهود نیز طعمه حریق گردید. صدقیا را به امر بخت النصر کور کرده جماعت بزرگی از یهود را به اسارت بردند (۵۸۶ ق.م). یرمیانظر این شکست و تیره روزی یهود بود و بر خرابه های میهن خود اشک می ریخت و چون می کوشید مردم را از جنگ با کلده منصرف کند، بخت النصر او را آزاد گذاشت و یرمیامدتی بعد با عده ای از بازماندگان یهود به مصر رفتند. لیکن بزرگترین مرکزیت یهود در بابل تشکیل شد. اسارت بابل

پس از انهدام سلطنت اسرائیل به دست بخت النصر ۵۸۶ (ق.م.) یهودیان به بابل که در آن زمان از شهرهای بزرگ و زیبای دنیا به شمار می رفت، به اسارت رفتند و آنجا فاقد از هستی و آسایش همواره خاطره آزادی و استقلال و جلال سلیمانی کشور خود آنها را می آزد. در آن شهر غریب که دائماً ننگ اسارت به آنها یاد آور می شد، چاره ای جز بردباری اهانت ها و مصائب نداشتند. آنجا محروم از شاه؛ محروم از معبد مقدس، محروم از کاهن و قربانی های آن، باز به کیش اجدادی خود وفادار مانده برای جلب نظر خداوند و طلب بخشش و کمک از وی، بیشتر ساعات خود را صرف خواندن ادعیه و نمازها می نمودند.

دانشمندان و سران قوم، برای تسکین دردهای طاقت فرسای آنها نمازهای مخصوصی تنظیم کردند که در مواقع مختلف روز به جای قربانی هایی که در ایام پیشین، در معبد مقدس خود تقدیم می کردند، خوانده می شد.

پاره ای از یهودیان در این مدت توانستند برای خود آسایشی فراهم آوردند ولیکن بیشتر آنها همواره در فقر و تنگدستی به سر برده و منتظر نجات از چنگال پادشاهان بابلی بودند.

در میان این اسرا یحزقیل یکی از انبیا ء معروف بنی اسرائیل بود و چنانچه از نوشته های وی پیداست در تقویت روح یهود بسیار کوشید.

مصائب و سختی هائی که یهود در جنگ با بخت النصر در راه اسارت و بالاخره در بابل دیدند موجب شده بود که پاره ای از آنها، امیداستخلاص از بند اسارت و به دست آوردن استقلال خود را از دست بدهند. یحزقیل با رنج فراوان توانست آنها را به آتیه امیدوار ساخته و در تحمل روزهای تیره و بردباری مشقات تشویقشان نماید.

پس از بخت النصر پسرش اوایل مردوک به

جای او نشست. ظاهراً در میان درباریان، یهودیانی بودند که مزد وی شفاعت نموده و آزادی یهوخی پادشاه یهودا را که هنوز در زندان به سر میبرد، خواستار شدند.

مردوک در همان سال اول سلطنت خود، یهوخیان را پس از این که مدت سی و هفت سال در زندان گذرانیده بود رهائی داده باوی به مهربانی رفتار کرد و لباس سلطنت را به وی پوشانیده در سفره خود نشاند و بیش از سایر پادشاهانی که اسیر بابلیان بودند، اعزاز و احترامش نمود. پادشاه کلدانی به سایر اسرائیلی که در دوره پدرش به زندان افکنده شده بودند نیز آزادی داد و حتی در نظر داشت به یهودیان اجازه دهد که به کشور خویش بازگردند و یهوخیان را هم در احراز مقام سلطنت کمک و همراهی نماید. متأسفانه پس از دو سال سلطنت به دست نرگلسر شوهر خواهرش به قتل رسید و امیدرهای از اسارت بابل به خواب و خیال مبدل گشت.

عامل دیگری که امیدنجات را در یهود زنده نگاهداشت، نوشته‌های یرمیا بود که گویا به وسیله شاگردش باروخ از مصر به بابل آورده شده بود و خود باروخ هم با گفته‌های خود، آنها را دلداری داده و به بردباری زحمات طاقت فرسای اسارت تشویق می‌نمود. ظاهراً همین باروخ که تاریخ یهود را از زمان پیدایش آن قوم تا اسارت قوم یهوخیان برشته‌تحریر در آورده واسطه رهائی وی نزد پادشاه بابل بوده است. کتب دیگری هم در آن زمان به دست نویسندگان یهود نوشته شد و امیدرهای و علاقه به میهن و استقلال را در آنها مستحکم نمود و در نتیجه برای پیوستگی یهود با میهن اصلی خود به طور منظمی چند روز از سال را که مصادف با خرابی اورشلیم (نهم آب) و سایر روزهای تیره تاریخ خود بود، روز سوگواری قرار دادند. آنهایی که برای میهن خود همواره سوگوار بودند به نام ماتم داران صیون نامیده شدند و

عبارت ذیل از آن وقت باقی است:

کنار نهرهای بابل نشستیم و چون صیون را به یاد آوردیم بسیار گریستیم  
بربطهای خود را بر درختانی که میان آنها بود  
آویختیم.

زیرا آنجا، آنهایی که ما را به اسارت برده بودند، از ما سرود خواستند.

و آنهایی که ما را تاراج کرده بودند شادمانی طلبیدند.

به ما گفتند یکی از سرودهای صیون را برای ما بسرائید.

چگونه سرود خدا را در زمین بیگانه بسرائیم!  
اگر ترا ای اورشلیم فراموش کنم، دست راستم فراموش کند.

اگر ترا به یاد نیاورم، آنگاه زبانم به کامم بچسبد.

اگر اورشلیم را بر همه شادمانی خود ترجیح ندهم!

ماتم داران صیون در مقابل اورشلیم ایستاده و برای آمرزش گناهان خود و فرستادن نجات دهنده ای که آنها را از اسارت کلدیه برهاند، نماز می‌خواندند و از این پس به جای قربانی های معمول خود، سه دفعه در روز نماز جماعت خوانده می‌شد.

اتفاقاً عده ای از بت پرستان چون به شریعت یهود آشنائی یافتند بدان کیش در آمدند و همین امر باعث تقویت روح خداپرستی و ایمان در یهودیان شد؛ حتی آنهایی که تغییر عقیده داده بودند، دوباره به کیش اجدادی خویش برگشته و با دیگران در طلب آمرزش و استخلاص از ذلت همصدا شدند. بیش از بیست سال از مرگ یرمیا و یحزقیل نگذشته بود که تاثیر گفته‌هایشان در دل شکسته و ستم دیده آشکار شد.

پاره ای از یهودیان که در این مدت ثروتی اندوخته و آسایشی برای خود بدست آوردند مانند بابلیان در ناز و نعمت به سر برده و خدایان آنها را پرستش می‌کردند.

پس از نرگلسر که او هم مانند پادشاه قبلی

خود اوایل مردوک با اسیران خوش رفتاری می‌کرد نبونید (۵۵۵-۵۳۹ پیش از میلاد) به جای او نشست و در سالهای اول سلطنت وی کوروش در فارس قیام نمود و پادشاه ماد را شکست داد و بر تمام ایران تسلط یافت.

یهودیان بابل که آوازه شهامت کوروش و عظمت کشور وی را شنیده بودند به اتکاء گفته‌های پیغمبران خود یشعیا، یرمیا و یحزقیل که آنها را به آزادی نوید داده و آمدن کوروش را پیش‌گوئی کرده بودند، نور امیدی در دلشان راه یافت و به این فکر افتادند که رسولی نزد نبونید فرستاده از وی آزادی خود را خواستار شوند. این فکر شاید بدین سبب بود که مشاهده کردند پادشاه جدید بابل یکی از روسای فنیقی را که در زندان بابل بود رهائی داده به کشور خویش فرستاد و او را در به دست آوردن تاج و تخت سلطنت یاری کرد و چون او بمرد برادرش حیرام را به صور فرستاد تا به جای برادر خویش بنشیند. از کجا با یهودیان نیز چنین نکنند؟ بنابراین شلتیئل پسر یهوخیان از طرف یهودیان نزد پادشاه بابل رفته تقاضای آزادی یهودیان را نمود، لیکن نبونید هم مانند فرعون سابق مصر از دادن فرمان آزادی یهود امتناع ورزید و همین امر آتش عداوت و انتقام را که مدتی مستور مانده بود، دوباره در یهودیان روشن نمود و قوم یهود با کمال بی صبری منتظر پیشرفتن های کوروش کبیر پادشاه ایران بودند.

نبوتید برای جلوگیری از پیشرفت کوروش با پادشاه مصر و پادشاه لیدی (در آسیای صغیر) پیمانی بست و لیکن کوروش نخست به کشور لیدی حمله برده پادشاه لیدی را شکست داد. در نتیجه آتش جنگ به دروازه های بابل نزدیک تر شد.

در آن هنگام یکی از انبیاء بنی اسرائیل پیشگوئی کرده بود که سلطنت بابل عنقریب منقرض و از هم پاشیده خواهد شد. چون این خبر به گوش نبونید رسید در خشم شد و بنای آزار یهود را گذاشت و پاره ای را به بهانه های



ای از بازماندگان خاندان داود وجود داشت به طیب خاطر کمر به خدمت کوروش بستند و همین یهودیان دربار آزادی برادران خود را از کوروش خواستار شدند.

پس از سقوط بابل سایر متصرفات کلدانه تا سواحل مدیترانه و حدود مصر به دست کوروش افتاد و در نتیجه کشور یهود نیز به تصرف پادشاه ایران در آمد. بنابراین برای کوروش میسر بود که فرمان آزادی یهودیان را صادر و آن‌ها را به کشور خود باز گرداند.

توجه کوروش به یهود اگر چه کوروش چنانکه از اسناد بابلی و بیانیه او بر می‌آید، نسبت به تمام ملل رؤوف بود، ولی از توریه دیده می‌شود که توجه خاصی به یهود داشته‌است. این نکته دقت محققین را به خود جلب کرده و هر کدام جهتی برای آن پنداشته‌اند.

بعضی گفته‌اند که چون آن قوم در موقع تسخیر بابل خدماتی کرده‌اند.

کوروش خواست قردانی خود را نشان دهد، برخی عقیده دارند که چون کشور یهود به حدود مصر نزدیک بود، کوروش از نظر سیاسی خواست ملت سپاسگزاری در قرب آن داشته‌باشد.

عده ای دارای این عقیده اند که ملاطفت کوروش را از نزدیک بودن مذهب بنی اسرائیل به مذهب ایرانی‌ها باید دانست. چه مذهب هر دو در عالم قدیم بر اساس ادیان برتری داشت. ممکن است تمام این نکات منظور کوروش بوده باشند، ولی از آنچه در بیانیه او دیده می‌شود کوروش درباره بنی اسرائیل همان کرده که نسبت به اسرای ملل دیگر مجری داشته، فقط تفاوت در این است که حس سپاسگزاری و قردانی غالب ملل مزبور، به استثنای بابلی‌ها، چون ضبط نشده، به ما نرسیده، ولی رضایت ملت یهود و شعف آن در توریه منعکس شده و سپاسگزاری آن طور نیست که کوروش را فرستاده خدا میداند.

نغز و امیدبخش بود که در حقیقت مرهمی بر دل ریش و دردمند یهود که جراحات اخیر هم بیش از پیش آن را می‌آزد، محسوب می‌شد.

پاره ای از مورخین معتقدند که نبونید پادشاهی بی اراده بود و امور مملکت به دست پسرش بلتشرصر اداره می‌شد و به موجب گفته‌های دانیال هم آخرین پادشاه کلدانی که از کوروش پادشاه ایران شکست خورد همسن بلتشرصر است.

بالاخره قشون کوروش به دروازه‌های بابل نزدیک شد. در این موقع یهودیان بیش از پادشاه و اهالی بابل در اضطراب و یاس و هراس به سر می‌بردند. مردم بابل خود را در پس دیوارهای محکم شهر مصون می‌پنداشتند. لیکن یهودیان سرنوشت خود را وابسته‌بدین جنگ می‌دیدند. زیرا از رفتار نیک کوروش نسبت به کشورهای متصرفی وی آگاه بودند و او را فرستاده خدای خویش می‌دانستند.

در حالی که بابلیان غرق غرور و مستی بودند قشون کوروش از بستر رود فرات وارد شهر شده‌آن را بگرفت و بلتشرصر نیز به قتل رسید و دولت کلدانه به سهولت به دست کوروش منقرض شد. (۵۳۹ ق.م.)

چون کوروش بر کرسی پادشاهی بابل نشست، درباریان نبونید که میان آنها عده



کوروش دوم اجازه برگشت و بازسازی اورشلیم را به یهودیان میدهد

بی‌اساس به زندان انداخت پاره‌ای راه اعمال شاقه محکوم نمود. حالت یهودیان در دوره نبوئید نظیر حالت اجدادشان در مصر بود با این فرق که به جای اشتغال به کار خشت و گل و بنای شهرها، در بابل به زندان و گرسنگی محکوم می‌شدند.

در این هنگام باز نویسندگان یهود برای تسکین خاطر دردمند برادران خود شروع به کار نمودند. نویسنده ناشناسی کتاب ایوب را به رشته تحریر در آورد. این نویسنده می‌خواست با بیان سرگذشت رقت انگیز یک فرد محبوب خدا، یهودیان را در بردباری مصائب تقویت کرده، و به رضای مشیت خداوند وادار و به روز نجات امیدوار سازد.

نویسنده ناشناس دیگری یهودیان را به رهایی از ستم کلدانی‌ها امیدوار ساخت. این نویسنده چون نامش مجهول بود به یسعیای بابلی موسوم گشت. گفته‌های وی به قدری

دکتر شهریار فرزاد  
جراح و متخصص بیماریهای چشم  
فارغ التحصیل از دانشگاه UCLA  
Jule Stein Eye Institute  
عضو کادر پزشکی UCLA



SHAHRIAR FARZAD, M.D.  
OPHTHALMOLOGIST

انجام کلیه اعمال جراحی چشم

آب مروارید Cataract Surgery

آب سیاه Glaucoma Surgery

اعمال جراحی پلک Ophthalmic Plastic Surgery

اعمال جراحی نزدیکبینی و دوربینی Lasik Refractive Surgery

9301 Wilshire Blvd., Suite 406  
Beverly Hills, CA 90210  
Tel: (310) 247-8282



## ”تورات“ به زبان فارسی

هفتگی آن به صورت پاراشای هفته بود. ۲۵ قرن بعد به همت فرزند دیگری از جامعه یهودی ایران - مرحوم عزیزالله (عزرا)

برجیس - بازنویسی تازه ای از تورات انجام شده که به زبان امروزی فارسی نوشته شده و بدون آنکه ترجمه تحت اللفظی تورا باشد، خواننده را با متون اصلی این کتاب ابدی آشنا می‌کند.

در طی سالیان گذشته قطعات بسیاری از این ترجمه ها در کتابهای دیگر که به بازنویسی تورات پرداخته‌اند، چاپ شده، اما اکنون متن کامل آن، به نحوی که باور و خواست عزیزالله برجیس، مردی با ایمان و خادم صادق جامعه بوده، به چاپ رسیده است.

به درخواست بازماندگان آن زنده یاد کلیه درآمد حاصل از فروش این کتاب مستقیماً به دو سازمان خیریه شناخته شده و قابل احترام جامعه یهودی ایرانی ”جوئیش فامیلی سرویس“ و ”بنیاد جامعه دانشوران“ اهدا میشود. افرادی که مایل هستند

اطلاعات بیشتری در مورد این کتاب دریافت کرده و یا آن را اکتیاء نمایند میتوانند با دفتر Jewish Family Service شماره تلفن ۲۸۶۴-۴۶۴ (۸۱۸) تماس بگیرند.

کار چاپ این کتاب با انقلاب اسلامی در ایران مواجه شد و به دلائل متفاوت چاپ آن در زمان حیات آن زنده یاد میسر نشد.



در نقدی برای این کتاب ”دکتر شیرزاد ابراهیمیان“ می‌نویسد: ”۲۴۵۰ سال پیش یک ایرانی (عزرا) از طرف دربار هخامنشی ماموریت یافت به بازسازی خانه یهود در اسرائیل سر و سامانی ببخشد. از جمله ابتکارات عزرا فصل بندی تورا و بازخوانی

کتاب بازنویسی و تفسیر فارسی تورات بیش از سی سال پیش به همت و با ایده زنده یاد ”عزیزالله برجیس“ شروع شد و سال گذشته با پشتکار و تلاش بازماندگان او به چاپ رسید.

”راب داوید شوفط“ در مقدمه این کتاب می‌نویسد: « روزی بعد از جنگ گپور سال ۱۹۷۳ در دفتر خود در محل انجمن کلیمیان تهران نشسته بودم که زنده یاد مرحوم عزیزالله برجیس وارد شد و بعد از احوالپرسی با خنده و صورتی بشاش و صدایی پر از امید به من گفت: تصمیم گرفته‌ام کتاب مقدس تورا یعنی پنج اسفار اول آن را به زبان فارسی امروزی ترجمه کنم. زیرا ترجمه فاضل خانی بسیار ثقیل و وفادار به اصل متون عبری نیست...»

”عزیزالله برجیس“ عقیده داشت که تعصب و خشم انسانها به یکدیگر ناشی از جهل و بیسوادی است و بهترین راه برای ترویج صلح میان افراد این است که گفته‌ها و نوشته‌های پرمعنا و عمیق کتابی مانند ”تورات مقدس“ به صورتی در دسترس مردم قرار بگیرد که بتوانند آن را به راحتی درک کرده و از درسهای آن استفاده کنند.

برای انجام این کار با ایمان بسیار و عزمی راسخ از استادان و مشاوران گوناگون برای بازنویسی ”تورا“ به زبان فارسی دعوت کرد و به همت فکری، معنوی و مالی و ”پنج کتاب موشه“ در ایران ترجمه شد. متأسفانه



# ایک لابی قدرتمند اسرائیل و صیونیست مسیحی



## American Israel Public Affairs (AIPAC)

از: ایرج فرنوش

در شهر سن آنتونیو در ایالت تگزاس می‌باشد. خطبه هفتگی او که از صحن این کلیسا ایراد می‌گردد توسط ۱۶۰ ایستگاه تلویزیونی و ۵۰ ایستگاه رادیویی به سراسر جهان رله می‌شود و هر هفته میلیونها نفر بیننده و یا شنونده در سراسر دنیا دارد. وی مولف کتابهای متعددی در زمینه های مذهبی اجتماعی و خانوادگی می‌باشد.

در پشت صحن کلیسا در جایی که او خطبه های خود را ایراد میکند دو پرچم بزرگ آمریکا و اسرائیل به چشم می‌خورد. وی در سایت اینترنتی خود صفحات متعددی برای تقویت و پشتیبانی از اسرائیل در نظر گرفته. استدلال صیونیست های مسیحی برای پشتیبانی و همبستگی با اسرائیل یک باور عقیدتی سیاسی است. از زاویه باور عقیدتی استدلال آنان اجرای اوامر مقدسی است که در تورات مقدور شده. یکی از این اوامر مربوط به قولی است که طبق روایت تورات، خداوند به حضرت ابراهیم داده که سرزمین مقدس را به یهودیان واگذار کند و امر دیگر این که می‌گوید آن کسی که بر شما رحمت آورد من او را رحمت خواهم آورد و آن کسی که شما را لعنت کند من او را لعنت خواهم کرد.

مسیحیان صیونیت مقاومت در برابر این اوامر را گناه به حساب آورده و پشتیبانی از آن رحمت و لطف خداوند را لازم می‌دانند. جانبداری مسیحیان صیونیت از نظر باور سیاسی ارتباط به ساختار سیاسی اسرائیل دارد که این کشور را از سایر کشورهای منطقه متمایز می‌سازد. از جمله:

۱- اسرائیل همیشه با رد شدید موجودیت خود در تلاش است.

۲- اسرائیل هنوز به وسیله همسایگان دشمن

چه اقتصاد دان، چه دانشگاهی و چه بازرگان، چه مذهبی و چه سکولار نگران امنیت و آینده اسرائیل بودند، از این جهت در سخنرانیهای خود پشتیبانی و همبستگی خود را نسبت به کشور اسرائیل ابراز داشته و دفاع از موجودیت و حقانیت اسرائیل را اولویت شماره یک خود میدانستند.

یکی از ویژگیهای کنفرانس امسال حضور کشیش "جان هیگی" از رهبران مسیحی صیونیست وابسته به گروه اونجلیست ها بود. وی در طی سخنرانی آتشین و حماس خود که بازگو کننده نظریات و نماینده طرز تفکر بخش بزرگ و یک قدرت عمده سیاسی در جامعه آمریکا می‌باشد چنین گفت: "خانم ها، آقایان، این روز جدیدی در تاریخ آمریکا است" غول خفته صیونیسم مسیحی از خواب برخاسته و ۵۰ میلیون مسیحی را در آمریکا به پا خاسته اند و به افتخار دولت اسرائیل هلله سر داده اند. او رژیم جمهوری اسلامی و برنامه های هسته ای این کشور را یک خطر جدی برای اسرائیل خواند و اضافه کرد که برنامه های هسته ای ایران جز یک هولوکاست اتمی چیز دیگری برای اسرائیل نخواهد بود.

او سیاستهای رژیم تهران را با سیاستهای رژیم نازی در سال ۱۹۳۸ برابر دانست و محمود احمدی نژاد را یک هیتلر جدید خواند. کشیش هیگی در ادامه سخنان گفت: خانمها آقایان ما باید برنامه های اتمی ایران را متوقف کنیم. همین حالا و در کنار اسرائیل. تنها دمکراسی در خاورمیانه شجاعانه ایستاده و تنها راهبرد ما در این جنگ هسته ای این است که نگذاریم این جنگ هرگز آغاز شود. جان هیگی بنیانگزار و کشیش ارشد کلیسای عظیم "کورنر استون"

کنفرانس سالانه ایک (کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل) با حضور متجاوز از شش هزار تن از اعضای آن از ۱۱ تا ۱۳ مارچ ۲۰۰۷ در شهر واشنگتن دی سی برگزار گردید. طبق مراسم هر ساله تعدادی زیادی از مقامات بلند پایه آمریکا در این کنفرانس شرکت کردند، از جمله آقای دیک چینی معاون رئیس جمهور، خانم نانسی پلوسی سخنگو و رئیس کنگره، سناتور هری رید رهبر دمکراتها در مجلس سنا، سناتور میچ مک کانل رهبر جمهوری خواهان در سنا و آقای جان بوهرن رهبر جمهوری خواهان در کنگره. علاوه بر این اشخاص نیمی از سناتورها و نمایندگان کنگره در برنامه ها و گروه های کاری چند گانه کنفرانس شرکت کرده یا در ضیافتهای آن حضور داشتند. از اسرائیل آقای اهود المرت نخست وزیر با خانم زیبی لیوینی وزیر امور خارجه و تنی چند از نمایندگان کنست و مقامات دیگر در این کنفرانس شرکت کردند. محور اصلی سخنرانی ها چه در جلسات اصلی و چه در برنامه گروههای کاری درباره ایران بود.

ایک که به عنوان قدرت مند ترین لابی اسرائیل در آمریکا شهرت دارد، پس از اظهارات آقای محمود احمدی نژاد درباره حذف اسرائیل از نقشه جغرافیا و انکار هولوکاست، فعالیت های خود را بر علیه نظام جمهوری اسلامی تشدید کرده بدین جهت بوده که امسال محور اصلی کنفرانس بر مسئله ایرانی اختصاص داده شده بود. تام لنتوس نماینده کنگره رئیس کمیته امور خا رجی کنگره با لحنی التماس آمیزانه در این کنفرانس از حاضرین خواست که وی را در راه تهیه یک لایحه ضد ایرانی یاری دهند. کلیه سخنرانان در کنفرانس چه سیاستمدار ،

## نتیجه غیر منتظره یک نظرسنجی از شهروندان ایرانی

### از: ایرج فروش

صورت بدیهی است که دانش آموزان تا زمان پایان تحصیلات دبیرستانی به درستی نمی دانند اسرائیل کحاست و چگونه کشوری است.

تنها تصویری که از اسرائیل در ذهن دارند این که "جهان در چنگال اختاپوس صهیونیسم گرفتار شده" و "صهیونیسم جهانی بذرهایی توطئه برای نابودی کاشته است"

نتیجه ای که از این نظر سنجی میتوان گرفت این است که با وجود پخش این همه تبلیغات مغرضانه در رسانه های ایرانی، هنوز هم تفاهم بین ایرانیان و یهودیان که از قرنهای پیش برقرار بوده به شدت پابرجاست و این باعث امیدواری است که در آینده نزدیک دشمنی های بی دلیل دولت ایران و اسرائیل به دوستی تبدیل گردد. تا از این راه به استقرار صلح در منطقه کمک کند.

#### فرازهایی از این نظر سنجی:

۲۹٪ از توسعه سلاحهای هسته ای پشتیبانی می کنند.

۸۸٪ از شهروندان معتقدند که وظیفه اصلی دولت بهبود وضع اقتصادی است

۶۸٪ خواهان برقراری روابط کامل سیاسی و اقتصادی با آمریکا هستند

۵۵٪ خواستار به رسمیت شناختن کامل کشور اسرائیل و یک کشور فلسطین هستند

۶۶٪ از حماس و حزب الله حمایت می کنند

۷۹٪ خواهان تغییر نظام سیاسی کشور به یک رژیم دموکراتیک هستند

۳۴٪ از رهبری نظام و سیاست های احمدی نژاد حمایت می کنند

نتایج یک نظر سنجی که توسط مصاحبه تلفنی با یک هزار نفر از شهروندان ۳۰ استان ایران به گونه همخوان با منحنی های توزیع جمعیتی تهیه شده است، نشان داد که اکثریت شرکت کنندگان خواستار به رسمیت شناختن کشور اسرائیل هستند.

نتیجه کامل این نظرسنجی که در فاصله ۵ تا ۱۸ جون ۲۰۰۷ صورت گرفته در مجله راهبرد تاریخ ۱۷ جون ۲۰۰۷ منتشر شده.

تمایل برقراری روابط سیاسی کشور اسرائیل توسط اکثریت پرسش شوندهگان در حالی است که بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی رسانه های گروهی چه چاپی، چه صوتی و چه تصویری بادیدی به شدت بدبینانه به اسرائیل می نگرند و به پیروی از سیاست های جمهوری اسلامی با رویکردی شدیداً منفی اخبار مربوط به اسرائیل را ارائه می کنند. با اطمینان می توان گفت که اکثریت اخبار و وقایع مربوط به اسرائیل که در رسانه های فارسی درون مرزی منتشر می شوند تحریف آمیز، مغرضانه و عاری از حقیقت بوده و هیچ خبر مثبتی درباره اسرائیل در رسانه های درون مرزی درج نمی گردد. در مورد گزارش خبری مثبت درباره اسرائیل کلمه اسرائیل را از مطلب حذف کرده و هیچ اعتباری برای اسرائیل و اسرائیلیان قائل نمی شوند.

در کتابهای درسی چاپ شده در ایران دولتی به نام اسرائیل وجود ندارد و همه جا به عنوان "رژیم صهیونیستی"، "رژیم اشغالگر" و یا "فلسطین اشغالی" از آن یاد می کنند. در این

تحت احاطه است و هنوز در حال جنگند.  
۳- دولت اسرائیل شرافتمندانه مسئولیت هایش را در قبال اماکن مقدسه مسلمانان و مسیحیان عمل کرده است.

۴- دولت اسرائیل با استاندارد بالا شرایط زندگی را برای شهروندانش تهیه کرده است.

۵- دولت اسرائیل بالاترین سطح فرهنگ و ادب و تضمین آزادیهای اساسی همچون آزادی بیان، و مسائل مذهبی را برای همگان فراهم کرده.

۶- اسرائیل تنها دموکراسی در منطقه است.

لازم به تذکر است که ایپک دشمنان بسیاری نیز دارد و نفوذ و موفقیت های این سازمان در جوامع سیاسی آمریکا بهانه ای به دست دشمنان اسرائیل داده اتا ایپک را متهم کنند که اولیت شماره اول آن حفظ منافع اسرائیل بوده در صورتیکه اولیت شماره یک برای یک آمریکایی صیانت از منافع آمریکا می باشد.

در این راستا در سال گذشته دو پروفیسور، یکی از دانشگاه شیکاگو دیگری از مدرسه جان اف کندی وابسته به دانشگاه هاروارد در طی یک مقاله تحقیقی عملیات ایپک را زیر سوال برده و آن را بر خلاف منافع آمریکا دانستند. انتشار این مقاله عکس العمل های

شدیدی در محافل سیاسی بوجود آورد و بسیاری از تحلیل گران سیاسی آن را نادرست و تحریف کننده خواندند. البته باید قبول کرد که ایپک یک لابی پشتیبان اسرائیل در

آمریکا است. و هدف آن در درجه اول آشنا ساختن سیاستمداران آمریکا با واقعیت های موجود در اسرائیل می باشد تا بدین وسیله بتوانند روابط آمریکا و اسرائیل را مستحکم تر سازند. کسانی که صادقانه به آینده

اسرائیل اهمیت میدهند بایستی از فعالیت های ایپک پشتیبانی کرده و به عضویت آن در آیند و نوج وانان خود را نه تنها به عضویت بلکه به فعالیت در این سازمان تشویق کنند.

برای اطلاعات بیشتر درباره ایپک به سایت اینترنتی [www.ipac.org](http://www.ipac.org) رجود شود.

# گلچینی از باغ ادبیات

## پریشان

از: نادر نادرپور

امیدز یستنم، دیدن دوباره ی تست  
 قرار بخش دلم، تاب گاهواره ی تست  
 تو، ای شکوفه ی ایام آرزومندی!  
 بمان که دیده ی من روشن از نظاره ی تست  
 نگاه پاک توام صبح آفتابی بود  
 کنون چراغ شبم، چشم پر ستاره ی تست  
 به یک اشاره مرا قوت پریدن بخش  
 که مرغ وحشی دل، رام یک اشاره تست  
 به پاره کردن اوراق هر کتاب، مکوش  
 دلم کتاب پریشان پاره پاره ی تست  
 شبی نماند که بی گریه ام به سر نرسید  
 زلال اشک پدر، برق گوشواره ی تست  
 دلم چو مرغ، به سر می دود ز بیم زوال  
 کناره ای که پناهش دهد، کناره ی تست  
 خجسته "پوپک" من - ای یگانه کودک من -  
 امیدز یستنم، دیدن دوباره ی تست

## تب

از مهین عمید "نگاه"

دلم با یک نگاه عاشقانه

به نجوای محبت آشنا شد  
 حریر نرم خواهشهای پنهان  
 ردای مهر شد تن پوش ما شد  
 من و یادی از آن بگذشته ی دور  
 هزاران خاطرات جور ناجور  
 به رویاهای خاموش شبانه  
 نشسته یادهای چون خنده نور  
 سکوتم را خیالی رنگ می زد  
 نیازی سینه ام را چنگ می زد  
 که تا خوگر شوم با نامرادی  
 به دل دست زمانه سنگ می زد

درون سینه دل، از تاب دوری

بسان مشعل خورشید می سوخت  
 دو چشمم همچنان گردنده گردون  
 نظر بر صبح ورجاوند میدوخت

دوباره روزگار رفته برگشت

مرا با خود به دنیای دگر برد  
 گریزان شادی به گذشته ها را  
 مروری کرد و دل از غصه افسرد

تو گویی دست مرگ است آنکه امشب

چنان غولی که کف آورده بر لب  
 تن و جان مرا در برگرفته  
 گدازد هر دم در شعله ی تب

تب است امشب ندیدم خوابگاهم

گدازاتر شد از تب دود آهم  
 به سیلابی مذاب از سوز سینه  
 سراپا شسته شد خونین "نگاهم"

## دریا

از سیمین بهبهانی

آه، ای دل، تو ژرف دریایی:  
 کس چه داند درون دریا چیست.  
 بس شگفتی که در نهمان تو هست  
 وز برون تو هیچ پیدا نیست.  
 تیغ خورشید - با برنگیش -  
 دل دریای تیره را نشکافت.  
 موج مهتاب - آن غبار سفید -  
 اندرین راز سبز، راه نیافت.  
 روی دریا دوید بوسه باد،  
 لیک از وی اثر به جای نماند.  
 چلچراغ ستارگان در او  
 شب شکست و سحر به جای نماند.

آه، ای دل! تو ژرف دریایی:

هیچ کس در نیافت راز تو را.  
 کس ز ناز نگاه، باده نریخت  
 ساغر دلکش نیاز تو را.

سوختی... سوختی ز گرمی عشق،

همه چون یخ فسرده ات گفتند!  
 هر تپش از تو جان سختی داشت،  
 خلق، خاموش و مرده ات گفتند!

با همه تیرگی که در دریاست،

بس کسان رخت سوی او بردند.  
 باز دریا هزار مونس داشت،  
 گر چه نگشوده راز وی، مردند!

خون شد این دل ز درد تنهائی؛

کس چرا سوی او نمی آید؟  
 آه! دریاست دل، چرا در او  
 کس پی جست و جو نمی آید؟...





# بهشتیه یادگاری از گذشتگان

دکتر رحمت الله رفیع

از گذشتگانمان را به شکل آبرومند و در شان جامعه یهودی ایران حفظ نماید.

یکی از اقدامات این کمیته افتتاح نمایشگاه دائمی عکس از افراد سرشناس جامعه در ساختمان مرکزی این گورستان می‌باشد و پس از انجام فعالیت‌های مقدماتی در نظر دارد موزه سنگی از مقبره‌های قدیمی را در این مرکز به نمایش بگذارد.

همچنین اقدام به فضا سازی و زیباسازی محوطه این گورستان از برنامه‌های این کمیته می‌باشد چرا که حفظ این میراث برای

نسل‌های آینده جامعه یهودی ایرانی عینتی از تاریخ است و سرمایه‌ای که مرور آن باعث مباهات و غرور آنها خواهد شد.

این کار میسر نمی‌شود مگر به همت والای تمام افرادی که به هويت، اصالت و تاریخ خود بها می‌دهند و حمایت یهودیان ایرانی سراسر جهان را می‌طلبند. امیدوارم مرور این تاریخ و نام گذشتگانمان بتواند الگویی مناسب برای نسل‌های آینده باشد تا قدم بر راهی

بگذارند که گذشتگانمان آن مسیر را با افتخار پیموده‌اند.

سرپرست کمیته بهشتیه تهران و عضو هیئت رئیسه انجمن کلیمیان تهران دکتر رحمت الله رفیع

ضمناً یاد آور می‌شود که حسابی به نام بهشتیه تهران در دفاتر فدراسیون یهودیان ایرانی در کالیفرنیا باز شده است. چنانچه علاقه‌ای به کمک برای نگهداری و سایر فعالیت‌های ذکر شده دارید چک‌های خود را به نام Iranian Jewish Federeation نوشته و

زیر آن بنویسید برای بهشتیه. این وجوه مستقیماً به آنها ارسال خواهد شد.

آرمیده‌اند. قطعه‌ای به نام لهستانی‌ها در این گورستان که خبر از ارتباط و تعادل جامعه یهودی ایران با دیگر یهودیان سراسر جهان دارد خود گواه و شهادتی بر این مدعا است.

از طرفی افراد عالم، خادم، نیکوکار و صدیقی همچون: حثیم موره - سلیمان حثیم - حبیب الله القانایان - راب نعیم - حاجی یشعیا - دکتر نیک روز - فرح نیک‌ها - ساسونی‌ها و... که برگری از تاریخ ایرانیان یهودی را رقم زده‌اند در این گورستان مدفون هستند.

وقتی نام بهشتیه را می‌شنویم و یا در جایی می‌خوانیم در ذهن اکثر ما فقط نام یک گورستان شکل می‌گیرد ولی بهشتیه تنها یک گورستان نیست بلکه بخشی از تاریخ و نمادی از زندگی مردمانی است که ۲۵۱ سال قبل تهران را برای سکونت برگزیدند و از شهرستان‌های مختلف به این شهر مهاجرت کردند. افرادی که در این گورستان به خاک سپرده شده‌اند نه تنها بر این عقیده بوده‌اند که در پایان عمر و پس از مرگ هویت یهودیشان حفظ شود بلکه خواسته‌اند که از دستبرد و دگرگونی روزگار محفوظ و برکنار بمانند.

با نگاه به سه سده زندگی یهودیان در تهران و سرنوشت گورستان‌های یهودی در این شهر در می‌یابیم که بهشتیه فعلی واقع در خیابان خاوران میراث دار قبرستان‌های محله، خیابان سپه و خیابان مازندران است. این محل هم اکنون تاریخ زندگی تمامی گذشتگانمان را در دل خود محفوظ داشته است.

بهشتیه در سال ۱۳۱۵ ه. ش. توسط انجمن کلیمیان وقت احداث و به بهره‌برداری رسید. این گورستان دارای یک ساختمان مرکزی است که نقشه آن توسط مهندس بدانسکی که از یهودیان فراری جنگ جهانی دوم بوده طراحی شده و با همکاری استاد عزیز معمار (بنایان) بنا شده است.

نام بهشتیه یاد آور گوشه‌ای از تاریخ یهودیان ایران است. و از سیر تحولات تاریخی متعددی خبر می‌دهد. از کوچ و آوارگی یهودیان عراقی به ایران و میزبانی اردوگاهی برای آنان گرفته تا مأمنی همیشگی برای یهودیان لهستانی، که از جهنم نازی‌ها، به ایران پناه آورده بودند و این خاک را برای سکونت برگزیدند و در همین خاک



با نگاهی دیگر می‌بینیم که اکثر یهودیان ایرانی چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور عضوی از خانواده خود را در این مکان به میزبانی ابدیت برده‌اند و بقاسنگ قبری نشان از هویت، نام و اصالت آنان دارد.

حفظ قبور و نام این بزرگواران حفاظت از تاریخ، شان و حیثیت جامعه یهودی ایرانی است. انجام امور متوفیات بر پایه دستورات مذهبی و شرع یهود همواره انجام گرفته و می‌گیرد. نکته‌حائز اهمیت این است که در حفظ این میراث بکوشیم و کمیته بهشتیه وابسته به انجمن کلیمیان تهران در این راستا اقدامات متعددی را انجام داده تا این میراث به جا مانده



*La Valencia*



*We Guarantee our prices are  
the most competitive in town!*

*La Valencia*

JEWELRY & ANTIQUES

Estate & Modern Jewelry Designers

310.859.7915    [www.LaValenciaJewelry.com](http://www.LaValenciaJewelry.com)

256 N. Beverly Drive. Beverly Hills, CA 90210

## فدراسیون یهودیان ایرانی

آغاز سال ۵۷۶۸ و فرا رسیدن ایام روش هسانا و کیپور  
را به کلیه همکیشان عزیز تبریک و تهنیت میگویند  
و سالی پر بار همراه با تندرستی، صلح، صفا و برکت برای شما و بستگانتان  
از پیشگاه خداوند متعال آرزو می‌کنند

مراسم ایام مقدس روش هسانا و کیپور در سالن با شکوه و مجهز به  
تهویه مطبوع و صندلی های شماره گذاری شده و همکاری خزانیم با تجربه و مورد علاقه مردم  
تحت نظر پرزیدنت کنیسا آقای الیاس اسفندی برای کلیه افراد خانواده و جوانان برگزار می‌گردد

این مراسم عبارتند از:

شب اول روش هسانا - پنجشنبه ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۷

روز دوم روش هسانا - جمعه ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۷

شب کیپور - جمعه ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۷

روز کیپور - شنبه ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۷

برای تهیه بلیط با دفتر فدراسیون به وسیله تلفن ۴۷۰۰-۶۵۴ (۳۲۳)  
ایلات مارکت تلفن ۹۹۸۳-۶۵۹ (۳۱۰) و خانم کرمانیات ۵۰۴۶-۲۷۳ (۳۱۰)  
تماس حاصل فرمائید.



## صافی

### نوشته: نازنین رمزی - شمطوبی

مدرسه تا دوست و عمو و عمه و دایی و خاله، زباله دانی ها و آشغال خردکن های مغزشان ترکیده است.

حرفها بدون صافی، بدون حتی لحظه ای فکر و تأمل که آیا این کلماتی که همچنان سنگ و باروت و خمپاره به سر شنونده فرود می آیند چه بازپسی خواهند داشت-همینطور مسلسل وار باعث رنج و گرفتگی لوله های

می اندازد و همه جا را تمیز می کند با سرزنش صافی روی آشغال خرد کن را به من هدیه می کند!

حالا همه چیز درست است. آشغال در آشغالدانی، غذا در دیگ یا یخچال، آب روان و جاری، آشپزخانه تمیز و خوشبو.

xxx

فلسطینی ها به جان هم افتاده اند. همدیگر را

دوباره لوله های شیر دستشویی آشپزخانه گرفته است. دستگاهی که غذاهای اضافه را در آن می ریزیم و باید آنها را خرد و تفاله کند - اعتصاب کرده - غذاها را بالا آورده و آب دیگر روان نیست، لوله ها گرفته اند و آب در جا را کد است.

باید به "شلومو" لوله کش تلفن بزنم. او با ریش بلندش و چشمان مهربانش و دستان



روابط انسانی ما شده اند.

چه خوب بود اگر می توانستیم از لحظه فکر تا بیان، از فاصله مغز تا زبان و باز کردن دهان، کلمات و افکارمان را از صافی رد کنیم - هر چه اضافه و نخواستنی بود - همانجا دفعش کنیم...

کاش می شد حرفهایمان صاف و تمیز و روان و خوشبو بودند. کاش می شد مسئولیت حرفهایمان را جدی تر می گرفتیم و باور می کردیم که "کلام" قدرتمندترین نیروی جهان است.

لوله هایی که چندین و چندبار سائیده شده است هرچقدر تمیزشان کنی دیگر هیچوقت مثل اول صاف و صیقل زده نخواهند شد.

لوله کشی آزادی - آزادی از تفاله های خشم و تعصب و نفرت.

اسم بجائی ست، فکر نمی کنید؟

به جرم باورهایشان لت و پار می کنند. سربازهای اسرائیلی، مردمانی را که نمی خواهند از خانه هایشان دل بکنند، به زور از زمین بلند می کنند. یکی از سربازها همانطور که مردی را با دستبند به جلو هدایت می کند، اشک می ریزد.

سنی ها و شیعیان عراق خانه های خدای همدیگر را، که یک اسم بالای منبرش حکاکی شده، منفجر می کنند و مادر و پدر و بچه های سربازان آمریکایی هر روز منتظر خبر مرگ یا زندگانی عزیزانشان هستند.

xxx

در شهر ما، زن و شوهر حرفشان شده. خانواده این به خانواده آن فحش میدهد. زن به شوهر بد و بیراه می گوید، شوهر به سر زن داد می زند. پدری که اعصابش از دست همکارانش خراب است بچه اش را به باد شکایت می گیرد.

از سران عالم گرفته تا رهبران مذهبی تا معلم

ماهری که نه انگشت بیشتر ندارند، راه چاه مشکلات شیر آشپزخانه ما را میداند. زنگ در را می زنند. اوایل که می آمد، واتنی قدیمی داشت که پت پت کنان از سر کوچه ما را صدا می زد.

حالا به کمک "ماشیا" و دیگر همکاران، ماشین بزرگ سفید و بزرگ و مجهزی دارند که با رنگ قرمز و کلماتی درشت اسم کمپانی را روی در آن نوشته اند:

"لوله کشی آزادی"!!!

می گوید: نازنین خانم، من که بارها گفته ام این آشغالدانی نیست، نباید زیاد غذا این تو بریزید. لوله ها گنجایش هضم این همه مواد ناخواسته را ندارند، طاقت نمی آورند...

می گویم: باور کنید دیگر پلوی اضافه و پوست میوه و چه و چه و چه را در آن نمی ریزم، چند جا هم دنبال صافی بر ای روی این فضای باز گشته ام، پیدا نمی کنم.

بعد از این که مار و اژدهاها به جان لوله ها



## صندوق اضطراری

روشن هشتاد سال ۱۳۸۶ را تبریک گفته  
و آرزوی سالی پر بار برای همگان داریم

از شما دعوت می‌کنیم که در سال جدید نیز  
پشتیبانی خود را در ماموریتی که به عهده گرفته‌ایم ادامه دهید

اعتیاد و غیره. نیازها و گرفتاریها و نابسامانیهای جامعه بسیار زیاد و بالنتیجه توقعات نیز بسیار می‌باشد.

با اهداء چک به نام EMF هر چه بیشتر (با معافیت مالیاتی) ما را در حل مشکلات جامعه یاری دهید.

همکاران صندوق اضطراری و خانواده‌هایی که با همت و کمک های بیدریغ شما مشکل شان حل شده است، دست شما را فشرده و در انجام این متصوای بزرگ با دعای خیر سلامتی و عاقبت به خیری برای شما و خانواده آرزو می‌نمایند.

۵- پرداخت ۲۰ هزار دلار به کرن کیمت و تعهد غرس ۵۰ هزار درخت ناشی از سوختن ۸۰۰ هزار درخت در جریان جنگ.

۶- پرداخت ۲ الی سه ماه کرایه به خانواده هایی که در معرض اخراج از خانه و کاشانه خود شده اند.

۷- کمک محدود به کسبه کوچک در داون تاون که سرمایه خود را از دست داده اند به منظور راه اندازه و کسب و کار.

۸- معرفی بیماران فاقد بیمه سلامتی به پزشکان داوطلب و تامین هزینه های محدود پزشکی.

۹- کمک های متعادل در حد امکان در جریان گرفتاریهای خانوادگی چون طلاق،

آشنائی شما به صندوق اضطراری سالها است که ما را در راه کمک به نیازمندان جامعه تشویق می‌کند.

وظیفه ایست بس سنگین بدوش همکاران این بنیاد که بدون یاری شما دوستان امکان پذیر نیست.

۱- توزیع کوپنهای مواد غذایی ۵۰ دلاری چند عدد بر حسب تعداد خانواده نیازمند.

۲- کمک به مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست در اسرائیل سالی دو مرتبه.

۳- کمک مالی سالانه به کانون سالمندان یهودی در ایران.

۴- پرداخت ۵۰ هزار دلار به نیازمندان و آسیب دیدگان ارتص و ۲۵ هزار دلار به مرکز توانبخشی معلولین.



לשנה  
טובה  
תכתבו

May  
You  
Be Inscribed  
For a Good Year

## Valley Beth Shalom

invites you and your family to

# Sephardic High Holidays Services 5768

Full service in the Sephardic tradition with new Mahzorim,

### Special Guests:

**Rabbi Avraham Navah; Cantors Avi Binur and Asaf Ovadia  
With Rabbis Schulweis, Feinstein and Hoffman**

Wednesday, Sep. 12, 6:00 - 7:00 p.m.  
Thursday, Sep. 13, 8:00 a.m.  
Friday, Sep. 14, 8:00 a.m.  
Friday, Sep. 21, 6:00 p.m.  
Saturday, Sep. 22, 8:00 a.m.

Erev Rosh HaShanah  
1st Day Rosh HaShanah  
2nd Day Rosh HaShanah  
Kol Nidre  
Yom Kippur

## Limited Seating

### Additional Ticket Prices

- Members: \$100.00
- Non-Members: \$150.00

...

For information call Janet Djalilmand (818) 530-4009  
or e-mail: [jdjalilmand@vbs.org](mailto:jdjalilmand@vbs.org)



15739 Ventura Blvd., Encino, CA 91436  
(818) 788-6000 • Web site: [www.vbs.org](http://www.vbs.org)



We Welcome  
Our  
Guest Rabbi



# Wisdom from President Abraham Lincoln

Considered by many historians as the greatest president in the history of the united states, Abraham Lincoln once said, "A house divided against itself will not stand". At one time each one of the twelve tribes of Israel were so independent that they declared war on at the conclusion of one of these inter tribal wars the tribes of Benjamin had few members left. It was declared n the fifteenth day of the month of Av (Corresponding to mid august approximately) that from then on

any member of any tribe could marry anyone from any other



tribe. It was a day of grate rejoicing the separate tribes were joining gradually in to one people-

Israel.

At our temple this process is also proceeding. We are one people from many places.

Both our Persian congregation and our Ashkenazic congregation have become smaller. By joining forces with one Rabbi and one cantor we will become one larger, stronger group.

Remember the words of President Lincoln; we must from one united house. The choice is ours.

May we all have a blessed new year together.



## Neman Hall features:

- Exquisite Ballroom with seating for 450 quests
- Kosher Kitchen Facilities  
(Outside Catereres Accepted)
- Large Dance floor
- sanctuary and Chuppah Area
- Private Bridal Room
- Bedekn and tish area Available
- Valet Parking Service



for Viewing of Venu Please Contact  
**Irma Smith**  
Direct Line: (323) 656-2142

**Iranian American Jewish Center**  
1317 N. Crescent Hights Blvd.  
West Hollywood, CA 90046



since 1922

Traditional Conservative Synagogue

**Hollywood Temple Beth El**  
**HIGH HOLY DAYS**

Tickets: Adults \$90.00 • Students \$60.00

**ROSH HASHANA • YOM KIPPUR**

**Sept. 13-14**

**Sept. 22**



Cantor Dovev Baharav



Rabbi Seth Rosen

*Services Held in Our Beautiful Neman Hall*

**ENGLISH-HEBREW SERVICE**

1317 North Crescent Heights Blvd. at Fountain  
W. Hollywood, CA 90046

**(323) 656-3150**



## A SPECIAL GIFT

The University of Haifa announced the initiation of a unique memorial to IDF soldiers killed during the Second Lebanon War: academic scholarships in the name of each and every one of the 119 soldiers. A generous donation from Los Angeles businessman and leader in the Jewish community, Mr. Younes Nazarian, has enabled establishment of the fund that will grant scholarships to University students who served in the IDF. "This memorial combines two issues that are very dear to my heart and that, in my opinion, are at the top of Israel's priorities: IDF soldiers and officers on the one hand and education, especially higher education, on the other hand.

For this reason, I couldn't think of a more fitting way to memorialize the soldiers," said Mr. Nazarian, who will sponsor the scholarships.

An announcement of the scholarships was made at the opening ceremony of the 35th Meeting of the

University of Haifa Board of Governors, attended by the families of the fallen soldiers and dignitaries from Israel and abroad. During the ceremony, Ira Ben-Giat, the mother of Sergeant Ya'ar Ben-Giat who was killed in the war and Erez Inbar, a student who was wounded in the war and will receive the scholarship

for Ya'ar," said Ms. Ben-Giat.

During the ceremony, Mr. Nazarian was honored with the conferment of the degree of Doctor of Philosophy (Honoris Causa). Mr. Nazarian, well known for his community involvement and support of education, cultural institutions, libraries and social welfare, both in the United States



and Israel, is a great supporter and friend to the University of Haifa. The Nazarians have made a generous gift of \$7 million towards the expansion and renovation of the University of Haifa Library. The University of Haifa Library is among the largest and most extensive collections in Israel.

Soraya and Younes Nazarian passionately support Israel and educational ini-

tiatives and institutions. For them, education is the future of the country. They believe that educational opportunities for individuals in Israel will not only positively affect lives, but also ultimately the economy of the entire Jewish State.

tiatives and institutions. For them, education is the future of the country. They believe that educational opportunities for individuals in Israel will not only positively affect lives, but also ultimately the economy of the entire Jewish State.





*The American Society for the University of Haifa  
congratulates  
our esteemed member  
Mr. Younes Nazarian  
on the conferment of Doctor of Philosophy, Honoris Causa  
by the University of Haifa  
Thank you for your commitment to strengthening the  
body and soul of our institution  
and all of Israel*



American Society for the University of Haifa Western Regional Office (818) 343-4439

## Movie Review

# Jews of Iran

Reviewed by: Gary Fitleberg

**JEWES OF IRAN**  
*Documentary Film by Ramin Farahani*  
 2005. English. Farsi. Hebrew.  
 Length: 60 minutes.

Jews of Iran by documentary filmmaker Ramin Farahani is an excellent visual time capsule of the History of the Jews of Iran. The Jews of Iran have lived there in the land of Persia for over 2,700 years continuously without interruption. It is perhaps one of the oldest Jewish communities of all time. Most famous for the Jewish festival holiday of Purim focusing on the miracle of the saving of the Jews of Sushan by Queen Esther and her cousin Mordechai from the evil Haman as documented in the Megillah Esther.

During the Islamic revolution during 1979, the vast majority of the 100,000 Iranian Jews fled the nation to other places and only an estimated 15,000 to 25,000 remain there today. The film is mainly in Farsi with English subtitles. Jews in Iran concentrates on those surviving remnants of Iranian Jews with an eye and focus on recent historic events in Iran.

The film opens with a scene of children in school celebrating the candle lighting ritual of Shabbat under the watchful eye of the Muslim women administrators and headmasters. Next we see a young girl portrayed as a Dhimmah who is "dirty" just because she is different from the majority of her other students and

teachers. She loves Iran and lives in fear. She seems somewhat relieved when she can discuss this more safely while traveling in a vehicle. In one part we are introduced to the owner of a music store, who is the last survivor of a dying art. He is old and is consigned to his fate. In Tehran, both young and old speak out against discrimination. However, the film also explores a close friendship and positive relationship between two tolerant Muslim and Jewish families. There is a strong and responsive bond among the Jewish communities. The Chief Doctor of the Jewish Hospital on both a personal and professional level carefully and touchingly looks after a lonely elderly woman from the old Jewish neighborhood of Tehran, as she has no relatives left in Iran.

The camera travels through different parts of Iran where Jewish communities still thrive, as well as showing us the different historical places important to Jews.

Ramin Farahani was born in 1969, in Tehran, Iran. What makes this film remarkable and special is that Farahani is not Jewish but a Muslim. He began to experimenting with photography and making short films in 1987. He studied film in the Tehran's University of Art. He migrated to the Netherlands in 1994 and continued his studies at the Dutch Film and Television Academy in Amsterdam (1997-1999).

Farahani's documentary provides us with an extremely rare glimpse and

window to a community still thriving despite all odds. Viewers are treated to a visual account of how the Jews of Iran live and preserve their heritage. Farahani's film is very moving, powerful, and his role as storyteller is the most successful one of all.

According to Farahani, fear was an underlying factor throughout the film. Farahani reports that over half the film was filmed under supervision - and restrictions - of a government representative. People were reluctant to openly speak to him directly.

Jews of Iran was originally directed and produced for Dutch TV.

This critically acclaimed and successful film has been shown internationally at film festivals worldwide, including but not limited to Warsaw, Nashville, Los Angeles, Houston, San Jose, Washington, D.C., New York, and Anaheim.

According to Gozaar: A Journal of Democracy and Human Rights in Iran "The film challenges conscientious individuals to reflect on the Jewish situation in Iran. This is the first time since the Islamic Revolution of 1979 that an Iranian filmmaker has had the courage to look closely at such a sensitive and controversial subject. Taking advantage of the relatively open atmosphere during Khatami's presidency, the filmmaker evokes in simple terms the extent of the injustice that has been inflicted on this religious minority.

## Music Review

# NEW JEWISH MUSIC: AN EMMY WINNER, ROCK BAND & MUCH MUCH MORE

Reviewed by: Gary Fitleberg

*Attention All Jewish Music Lovers!!! Three new unique albums have been released recently. These include recordings by Mare Winningham, Blue Fringe and the Celebrate Series.*

Mare Winningham (Academy Award nominee & 2-time Emmy winner) has basically created an entirely new genre for her album *Refuge Rock*

try classics and soundtracks *Etz Chaim*, *What Would David Do?* *My Fixed Point*, *Wall of Prayer*, *The Ladder*, *Karev Yom*, *Refuge Rock Sublime*, *A Convert Jig*, *Oh Moses*, and *Hatikvah (Hope)*.

*Blue Fringe*, according to the *Atlanta Jewish Times*, is 'fast establishing itself as America's favorite Jewish rock band, and is delivering its third

*Realize'*. *Blue Fringe* provides the listener with some new innovative versions of *V'Shamru* and *Yehi Shalom* by Rabbi Shlomo Carlbach with a little touch of Chassidic music.

*Best of the Celebrate Series* contains a two-disc, 33-track package featuring the top hits from the label's award-winning *Celebrate Series*.



*Sublime*, or what can be called Jewish-Country-Bluegrass in flavor and style. *Shalom Y'all*. Recorded in Arkansas with a back-up band straight out of 'O Brother, Where Art Thou' territory, the album travels over the earthy-folk country of lead single 'Valley of the Dry Bones' to the melodic classic 'Al Kol Ele (The Bitter and the Sweet)' and the universal spirituality of the immensely moving 'The World To Come'. Along the way on her path from Christianity to Judaism (that's quite another story entirely) she rejoices and sings tunes including such coun-

album, *The World To Come*, with a jam-band feel reminiscent of Dave Matthews, Coldplay and Guster. The NY-based band plays regularly across the country to packed houses, setting a new standard for popular Jewish music. On *The World to Come*, *Blue Fringe* mixes English with Hebrew, traditional with contemporary. Lead singer Dov Rosenblatt lends his extraordinarily smooth vocals to tracks like the pop-rock crowd pleaser 'Eshet Chayil', the gorgeous ballad 'Listen to you', and a cover of the Flaming Lips' hit 'Do you

Got Shabbat? Passover? Channukah?

The album features such top Jewish artists and musicians such as David Broza, Neshama Carlbach, Debbie Friedman and Craig Taubman, *Something for everyone*, *Kids and Klezmer*, *Healing*, *Meditation and Spirituality*. The *Best of the Celebrate Series* literally provides something for every listener, and for every season of the Jewish calendar.

[www.bluefringe.com](http://www.bluefringe.com)  
[www.celebrateseries.com](http://www.celebrateseries.com)  
[www.craignco.com](http://www.craignco.com)



## Book Review

# "The Kite Runner" by: Khaled Hossini

Reviewed by: Shirin Gabay

The Kite Runner is a powerful story about love, loyalty, and fierce cruelty. Khaled Hosseini's first novel, takes place in Afghanistan and spans from pre-Russian invasion to the time of the Taliban. The story is narrated by Amir, a privileged young boy, who talks about growing up in Afghanistan and his relationship with Hassan, the son of his father's servant.

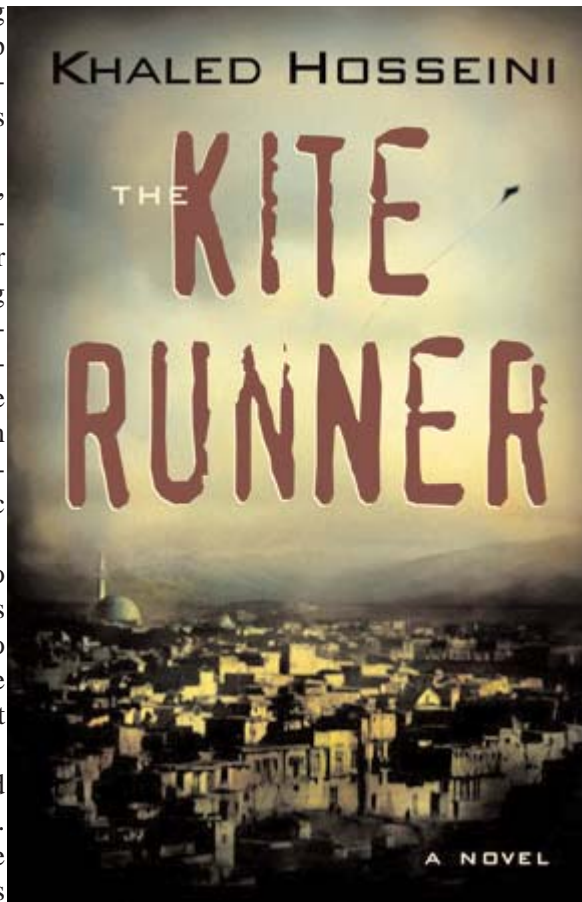
Despite the privileged life style, Amir is a lonely boy, whose mother has passed away and his father is preoccupied with his thriving business. Hassan is Amir's personal servant and loyal companion. He protects the sensitive Amir from vicious neighbors; in return Amir stirs Hassan's imagination by reading him heroic Afghan folk tales.

This special friendship is put to test, when some upper-class boys brutalize Hassan and, Amir fails to protect his closest friend, and true companion. His Failure will haunt him for the rest of his life.

Amir's family flees to the United States, after the Russian invasion. The author richly portrays the struggles and hardship Amir's father faces after their migration. Baba, endures much in order to adhere with the new way of life in a strange country, so different from Afghanistan. In time Amir successfully settles in America and provides

a comfortable life for himself and his new wife. But the shame of his past and the debt owed to Hassan still haunts him.

We are introduced to a new view of Afghanistan when Amir returns to



his homeland. He witnesses the suffering of his people under the tyrannical rule of the Taliban. Amir finally succeeds in his quest of atoning for his lack of courage.

The story is captivating from the first

written word to the last. It is beautifully written and quite an easy read. Those of us who speak and understand Farsi will enjoy recognizing some Farsi dialect throughout the book! The story puts everything that is happening around us today into perspective. For those of us who have gone through the hardship of migration and trying to adapt to a new way of life, it is easy to relate to the characters and their great effort to assimilate. In his book and through the story of Amir and Hassan, Hosseini takes us to a journey through political tragedy and human triumph.

This book is a must read for any one who enjoys good writing and specially those who have had to leave their country and start a life of self exile in a strange country. The clashes of culture and values will sound very familiar for all those who were born in the Middle East and had to relocate their family and make a fresh start in a western country. Kite Runner has been made into a motion picture and will screen in fall of 2007. Although watching the movie may be enjoyable, reading the book is strongly recommended.

# Night whispers

by: Hayedeh Raean

The sorrow of your heart  
Throbs  
And leans against every object  
In this burdened lonely house

The music plays  
The longings of a lover's soul  
And every moment born  
Traces itself back  
To times in a past  
More embracing  
More innocent  
And ever unfolding in time

I've been here

In those passed times  
In a thousand years  
A thousand times  
The days of finding traces of rain  
On a rose petal  
Or in the delicate gatherings of  
pansies outside windows  
the days of searching and seeking  
and catching glimpses  
of the self  
in an overflow of seemingly  
revealed dreams

tell me,  
where do you look to find

traces of the rain now?  
Or the heart beat of that  
Lively sense of shared contentment?

Night whispers  
And I grow weary of words  
And weary of love's  
Apprehensions  
I wished  
These drops of your tears  
Made clusters of light

Let the music play  
The longings of a lover's heart

## Sand & Stone

Two friends were walking through the desert. During some point of the journey, they had an argument; and one friend slapped the other one in the face.

The one who got slapped was hurt, but without saying anything, wrote in the sand: today my best friend slapped me in the face.

They kept on walking, until they found an oasis, where they decided to take a bath. The one who had been slapped, got stuck in the mire and started drowning, but the friend saved him. After his recovery

from the near drowning, he wrote on a stone: "today my best friend saved my life"

The friend who had slapped and saved his best friend asked him, "after I hurt you, you wrote in the

sand and now, you write on a stone, why?"

The friend replied "when someone hurts us we should write it down in sand, where winds of forgiveness can erase it away. But, when someone dies something good for us, we must engrave it in stone where no wind can ever erase it"

Learn to write your hurts in the sand and to carve your benefits in stone, they say it takes a minute to find a special person, an hour to appreciate them, a day to love them, but then an entire life to forget them.



# BEING HAPPY . . . TODAY

**\*By Shireen Oberman, LCSW, MAJCS**

Happiness is the only emotion humans desire for its own sake. As Aristotle observed in the Nicomachean Ethics in 350 B.C.E., while men sought riches, or honor, or health, it was not for their own sake but in order to be happy. (Wikipedia 2007) Somehow, happiness frequently seems to be living just out of our grasp. How often do we make comments that begin with "If only . . ." or "I should have . . ." which ultimately results in a downward spiral of negative thoughts and self-talk? These comments not only highlight our dissatisfaction with mistakes but push our ultimate happiness just out of reach. While most people are capable of finding brief moments of happiness here and there, the concept of an ongoing state of happiness and satisfaction appears to be the stuff of myths: an ideal, impossible to attain, but whose pursuit is worthy.

"Mindfulness" is an old concept becoming increasingly fashionable in the world of psychology. One of the central themes in Buddhism, Mindfulness refers to a person, intentionally becoming aware of their thoughts and actions in the present moment, non-judgmentally. For Buddhists, this technique is a prerequisite for developing insight and wisdom. However, Mindfulness is making its way into the secular field of psychology because of its effectiveness when dealing with depression and anxiety. In the pursuit of Nirvana, the highest happiness, we must be able to look and

accept ourselves, non-judgmentally and unconditionally.

For many, the task of viewing oneself non-judgmentally is as formidable a task as finding happiness. Mindfulness is a practice than can be learned just like any other. It is simply "the repetitive act of directing attention to only one thing in this one moment." (Linehan 1993) The purpose of this deceptively simple exercise is that it forces one to gain control of their attention. The more cognizant we are of our thoughts, the more aware we become of our feelings and ultimately our behaviors. As we wallow in our "If only" and "Should have, would have, could have" statements, we increase our feelings of sadness and frustration, resulting in any number of behaviors which may not necessarily relieve our sense of dissatisfaction. This triad of thoughts, feelings and behaviors, is shaped by our own self-awareness and life experience. In increasing our Mindfulness we have the opportunity to break those mental traps, which keep us feeling that we are spiraling away from our goals. When we are Mindful, we live in our wise mind: the cross section between reason and emotion where we can address life as it is, not as we wish it could be, and work through it skillfully. As there is no guarantee for unending happiness and a life free of difficulty, people who practice mindfulness are shown to endure pain better, deal with stress more effectively, and ultimately, participate more fully

in those aspects of their life, which make them happy.

**Mindfulness Exercise:** Mindfulness is a skill to be developed over time whose positive effects are felt as we increase our ability to remain in the moment. A simple exercise to practice is take a Hershey Kiss or some other wrapped candy. Take time to feel the texture of the candy in your hand, the weight and size, before slowly unwrapping it. As you begin unwrap the candy, listen closely to the sound of the foil tearing, the feeling of pulling the foil off. Examine the candy paying special attention to the scent, the weight, the texture and finally the taste. As you go through these steps, pay attention to your thoughts and feelings. Take your time through this exercise and do not allow yourself to become distracted by outside stimuli. Instead, spend time focusing on thoughts that emerge, whether they are negative or positive. The purpose of this exercise is to practice focusing your attention on one point and allowing yourself to enjoy it fully.

For further education on Mindfulness, a 5-week workshop is being taught 1pm on Thursdays at Nessah Synagogue and Cultural Center. For information please contact the Iranian Peer Counseling Line of Jewish Family Service.

*\*Sheerin Oberman is a licensed clinical social worker practicing mental health counseling at the Metro Office of The Jewish Family Service of Los*



# Malka Hadassah's Annual Luncheon

By: Shirin Gabay

The Malka Group of the Hadassah Organization held its annual fundraising luncheon, boutique, and silent auction on April 18, 2007 in the Beverly Hills Hotel in Beverly Hills. Over 400 ladies gathered to support the non-profit work of the organization while learning from the many informative, social, and psychological topics discussed by Dr. Farhang Holakuee, the event's speaker. Dr. Holakuee is the host of the popular radio program "Mysteries and Needs", who graciously donated his time to this worthy cause.

The funds raised will support the Pediatric Hemato-Oncology unit of the Hadassah Medical Center. This special unit in the Hadassah Hospital provides care for children and adolescents with cancer and severe non-malignant blood diseases.

The Malka Group of the Hadassah Organization was founded in March

of 1991. As the establishment of this group corresponded with the holiday of Purim, the name "Malka" was adopted to commemorate the Persian Queen "Malka Esther". Since the group's inception, the results of its fundraising efforts have benefited numerous sections in the Hadassah Medical Organization in

Israel. They have concentrated their efforts in the new Center for Emergency Medicine, Youth Aliyah, The Children's Pavilion (Cancer Center) and Gene Therapy.

Malka Hadassah has had a tremendous impact on the Hadassah



From Left to Right: Nazanin Shamtoubi, Soheila Halimi, Guitta Sayah, Dr. Guitta Fouladian  
Standing: Tanaz Rahbar, Mojgan Pakravan

Medical Organization. Thanks to the numerous Iranian Jewish women who selflessly give their time and energy to enrich this Zionist Organization. The current president of this group is Sima Pakravan, the co-chairs of the luncheon were Shirin Gabay and Sima Toubia, and the co-chairs of the boutique were Shahrzad Haloosim and Ima Mashian.

Board Members of the group are as follows: Guitty Bolour, Helena Bral, Vida Delkhah, Sima Ebrahimi, Susan Eshaghian, Shirin Gabay, Jila Golbahar, Shahrzad Haloosim,

Ima Mashian, Yasi Molayem, Fran Namvar, Ilana Namvar, Rosie Navi, Dr. Fariba Nourafshan, Fariba Rabbani, Shohreh Rivani, Behnaz Shaouli, Lida Simhaee, Soheila Soleimani, Shohreh Soroudi, Ziba Souroudi, Sima Toubia.



Malka Hadassah Board Members

شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی



The Iranian Peer Counseling Help line  
A program of Jewish Family Service of Los Angeles  
(818) 464-2864

## اطلاعیه

مرکز رفاه خانواده های ایرانی آماده است خدمات رفاهی خود را به رایگان در اختیار جامعه فارسی زبان جنوب کالیفرنیا قرار دهد

داوطلبان تعلیم دیده این مرکز می‌توانند به طور محرمانه و خصوصی در مورد مشکلات خانواده‌گی، خشونت‌های فامیلی و یا شغلی و مسائل شخصی مشاور و پاسفگوی سئوالات شما باشند و همچنین در دادن اطلاعات عمومی مورد نیاز و پر کردن فرمهای لازم شما را یاری دهند

مراکز رفاه در سه منطقه زیر در اختیار شما می‌باشند:

Nessah Educational & Cultural Center, Beverly Hills  
Jewish Family Services, Sherman Oaks  
Jewish Family Services, West Hills

لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر و یا گرفتن وقت ملاقات با تلفن زیر تماس بگیرید

**(۸۱۸) ۴۶۴-۲۸۶۴**

این مرکز بدون در نظر گرفتن نژاد و مذهب به رایگان در اختیار تمامی جامعه ایرانی و دیگر فارسی زبانان مقیم جنوب کالیفرنیا می‌باشد



young children.

Today I realize that my parents were amongst the lucky ones. They had both lived in the States before the revolution. They had both gone to school here and spoke the language fluently. They were much more open to the lifestyle and had an idea about all the new changes that were taking place in our lives on a daily basis.

Many parents and their families moved here without speaking a word of English. Leaving behind all that they were familiar with, including a rich culture and tradition and the wonderful lifestyle they had in Iran. Many prominent doctors, lawyers, and engineers, who enjoyed great success in Iran, had to move to the States. Many of them started from

scratch, studying again and taking exams that would allow them to work in this country. It is a great honor to see that many of them are working in the same field as they did in Iran and have achieved great success. There are those who were older when they moved and either by choice or force did not want to start from the beginning and went into different fields. Whatever their decision was, it was the correct one for them.

Whatever our parents have chosen to do, I would like to acknowledge them, and to thank each of them for what they've done for their kids, our generation. Adjusting to a new country with a complete different culture and set of values and making a suc-

cess out of your personal and financial life has not been easy for many. I believe that today my generation has a much better understanding and grasp of what our parents have gone through. Being in the work force and having families of our own seems to have put a lot of things in perspective for us. It definitely was not easy to give up one's life achievements, familiar surroundings, and love of a home and country in order to move to a completely strange country and new environment while being responsible for a family. So, to all those of my parent's generation out there I say: "Thank you for what you've done!"





# Starting Over Again In a New Country

By Rozita Ebrami

Shortly after my 10th birthday and the outbreak of the Islamic Revolution in Iran, my parents decided to move the family, consisting of my younger brother and I, back to the United States. I remember one afternoon while driving home, after they had picked me up from a friend's house, my parents told me that they had sold our house and we would be moving within a month. Being a carefree child, I was extremely excited about the move back to the place where I was born.

I have to admit that although we had only lived in Iran for a few years, they were some of the greatest in my life. I was growing up in a loving, happy environment, my dad was teaching at the University of Pahlavi, and we enjoyed a privileged, luxurious life filled with social prestige and comfort.

A few years earlier, my parents had built their dream house in a prominent and beautiful part of Tehran. This gorgeous house had an astounding view of the city. Many years later in the US, whenever I found myself standing in the backyard of any house with my father, if there was a beautiful view, while admiring the it he would say: "this is a nice view....but our house in Iran....now, that house had an amazing view....no matter where you stood outside, you could see the whole city.....the whole city was under your feet.....no house can ever top that view....."

During our last month in Iran, while

I was the spending majority of my time, playing with friends and riding my favorite bike on our street and counting the days until our departure to America, my parents were constantly running around and making last minute arrangements and deciding what to pack up for the big move to our new home and what precious things had to be left behind.

Finally the move happened and we came to Maryland. Within just a couple of weeks of our arrival, my brother and I started our new school. It did not take long for us to get accustomed to our new surroundings. Each day, we made more friends at school and learned more things that helped us assimilate. At our age we had no concept of anxiety or worry about life and the future.

On the other hand, life was not as easy for my parents. They were very homesick and missed the family and friends who were still in Iran. We had temporarily rented a small house, and to our dismay it seemed as though to make life harder, something would break down or go wrong in the house. My dad was having an extremely difficult time finding a teaching position in any of the universities in various parts of the state. Being in a university and teaching was his greatest passion and love. It was his life and it was what he had done in Iran for many happy years with great success.

Unfortunately, a whole year passed by and my dad still had not found a suitable position. He was not one to

make light of his responsibility to his wife and two young kids. He knew that he needed to take drastic measures to insure a good future for himself and his family, and finding his ideal job became secondary. After a year of unemployment my dad decided to go back to school and study Accounting. His first acceptable job opportunity was in one of the dangerous neighborhoods in Washington DC. I vividly remember my mom's tear-filled eyes, every morning, worrying for my dad's safety as he got ready to go to work.

Yet my parents prospered and day-by-day, with the hope and faith that they instilled in our family our lives became easier and we were able to go back to the same lifestyle that we had left in Iran. This was especially true, when my parents decided to move one more time, this time our destination was Los Angeles, so that we could be close to family members who had moved to California.

Many years have passed since our move to the United States. Now that I am an adult and a professional working in the real world every day, I realize more and more how much of a sacrifice my parents made by relocating to a complete different world in order to give their children a better life. Moving from a house to another or from city to city is not an easy task for anyone, let alone moving from one country to another. Especially when the host country is so different from one's own, not to mention dragging along a family and

# Answers to Her

By: Jacques Mahfar\*

I can hear you.

I always hear you.

The feeling will never stop  
It started once I gazed upon your  
beautiful eyes  
You can listen to your mind and your  
heart  
But it depends on which one you  
choose to listen to.  
Don't judge blindly,  
Listen to the mind, then the spirit:  
Do what is right.

A lie that draws a smile or the truth  
that draws a tear?

Neither is better. It just depends on  
what you make of the truth,

To smile about it, or to cry... I  
choose to smile.

I observe the world from a different  
perspective

As if you were a flawless innate dia-  
mond found in the rough

Never needed to be cut or shaped

Born and built perfect.

My eye catches you-my world lights  
on fire-

As if running through the titanic  
mountains of the world

Departing faster than relativity

Nothing or no one can stop me from  
reaching the top.

When I Feel You, I Don't Want To  
Stop.

\* Jacques Mahfar, is a senior at The  
Milkan High School



# Circle of Love

by: Parsa Kamran Shoa\*

We look past  
The stars and  
Find Happiness  
That is so vast  
It cannot  
Be measured  
Except by someone's  
Heart.  
Oh, Circle of Love,  
We search for  
The untouched  
Lands of the  
Great Plains  
And find our

Spirits dancing  
Around a fire  
And gazing at  
The stars.

Oh, Circle of Love,  
We look upon

The stars

For our

Loved ones

That are not

With us now

But in our

Hearts.

Once we

Look deep

In our hearts

We hear

Our loved ones speaking

To us in a

Way that is

Unknown.

If we look

Deeper

We will

Find our

Ancestors

Calling

To us as well

As the

Great Spirit

Who is

Surrounding us.

And we find

Ourselves under

A circle of stars

As one.

\*Parsa is a fourth grader at The  
Mirman school, he loves sports, and  
playing video games and hates to do  
homework or clean his room!

# So, What's it like to live in ... Israel?

Like all Israeli teens, Tamar had to join the army after graduation

By: loolwa khazzoom

|  |
|--|
| Name: Tamar                                |
| Age: 19                                    |
| Dream Career: Editor of a fashion Magazine |
| Currently: In the army                     |

just be released.

## Life in the barracks

“on the base I live with five girls who are like family now. but I miss my real family and my boyfriend,

Daniel. I think the army matures you - you learn how strong you can be!

when you go home, you value things that seemed trivial”

## servng my country

“In Israel everyone has to join the army after high school. Boys serve three years, and girls about two years. So I always knew I would have to serve, but still, my first day on the base was a total shock. After high school I did nothing for six months except waitress - i was so free! I have a good job in the army- I'm an activities director, and I organize trips and shows for the soldiers during their free time. But my new life has nothing to do with my hobbies or old friends. This is way difficult”

## Escape options

“I'm on a closed base, so I go home only on the weekends. On the weekends. On Friday nights my family and I light candles [to celebrate the jewish sabbath] and have dinner together. I spend Saturday [the jewish holy day] sleeping, eating, and just seeing my friends.

On Saturday night we go out. the nightlife in Tel Aviv is wonderful - there's no age restriction. I started going to clubs when I was 13. I have to dance! I was in New York last year, and it was so difficult because you have to be 21 to get in. I don't think teenagers in the U.S. have enough places to go out, dance, and





# You are cordially invited...

By: Sarit Fassazadeh\*

Hey everyone come and see  
Our young, little, bubala turn thir-  
teen  
He is becoming a man  
Not quite fit or strong  
But mentally I think there is some-  
thing going on  
His voice hasn't cracked yet  
He is still very small  
But once you hear him reading from  
the torah  
He will not seem like a boy at all  
It will make your heart ache

Beef tar-tar and an all you can eat  
feast  
We'll even give you a bag so you  
can take some home  
To the kids you had to leave home  
alone  
For some music we hired the best  
DJ around  
We got him from a friends friend  
and  
He's famous for his techno sound  
We've also hired professional  
dancers

We've made one for everyone to  
take home  
So they can watch it in 3-D, jealous-  
ly, alone  
Planning this party was not all fun  
and games  
But instead constant struggles with  
seating arrangements  
Always hearing no, "my uncle can't  
sit next to her"  
At the end of that stressful year we  
were 100 percent sure  
That we're going to impress all our



And then you'll throw candies at his  
face  
It's funny because we spent more  
time and money  
On the bar-mitzvah party  
Our theme is the circus  
So we've hired real clowns  
We got a tent worth \$50,000  
And hired the best circus freaks  
around  
We've got a full on Ferris wheel  
Right outside  
And if you want to  
You can ride the merry-go-round  
twice  
For dinner we got only the best

They will keep you on your feet  
Until you're exhausted and you'll  
need a seat  
There, will acrobats greet you with  
a drink  
About half way through the night  
Right after dinner we will present  
Elton John singing happy bar mitz-  
vah to you  
Accompanied by the Phil Harmonic  
too  
Next we will show our son through  
the ages  
With a Montague made by the peo-  
ple who did one for Rocky 8  
It's got awesome effects and

guest  
With a party that will always be  
known as the best  
The millions spent is going to be  
worth it  
So we can see our little bubala have  
a big hit  
This bar mitzvah will be one of glee  
Elaborate, fancy, ludicrous and one  
we hope to see you celebrate with  
us and our son Lee

\*Sarit Fassazadeh is a senior at El  
Camino Real High School.

# Rosh Hashanah... My Style

By Sabba Rahbar\*

Ahh, Rosh Hashanah. For me, Rosh Hashanah is one of the most special times of the year. It is the beginning of the Jewish calendar, and the Jewish New Year, and for me, it's a new beginning. Jewish law states that Rosh Hashanah is the day that God opens the Book of Life and decides the fate of all on Earth for the coming year. It's at this point of the year that I hope God has planned out something special for me. I like to think that I have most of the control over my life, however, it is ultimately God's will and this is when he decides it. Observance of Rosh Hashanah begins on night-fall the day before Rosh Hashanah, accounting for the two nights of celebration. What tends to happen in my home is that the first night is spent with my mother's family, while the second night is spent mostly with my father's side. I always look forward to these two nights, because it gives us time to be with each other in a very spiritual and beautiful capacity. As much as I dislike some Jewish holidays, for the restriction or worst, lack of food! Food on Rosh Hashanah just flows. First, there is the traditional Seder, where I often fill up on apples and honey for an extra sweet New Year.



Following that, we always have a rather large dinner to celebrate the New Year. One thing that I find interesting about Rosh Hashanah is that it is not specifically mentioned in the

Torah. The only reference to Rosh Hashanah appears in the sixth century BCE book of Ezekiel, which refers to it not as a specific holiday, but a season to mark the beginning of the year. In any case, Rosh Hashanah still stands as one of the most impor-

tant of all Jewish holidays, referred to as one of the High Holy days. Although God is said to open the Book of Life on Rosh Hashanah and begin the process of deciding fates on this date, the book is not sealed for that year until Yom Kippur, after all the Jews have repented for the sins they committed in the previous year. Rosh Hashanah has always been, and continues to be, one of my favorite of the many Jewish holidays we celebrate. As an Iranian-Jew, who has been heavily Americanized by her surroundings, I am proud to say that I continue to celebrate this holiday, in much the same way as my parents did, as my grandparents did, and as all those people before them did. For me, Rosh Hashanah is much more than the Jewish New Year, it is the beginning of a new chapter in my life, especially that spiritual part of me that continues to learn and grow each day.

*\*Sabba Rahbar is a senior at El Camino Real High School.*

the nuts for the charoset, brought them into the house, removed all the dirt and leaves from them, and then cleaned them three or four times. Everything was like that. All we did for weeks was clean the house and constantly clean and grind food. It was too much to ask someone to do." I was told that the most difficult ritual task during Passover was cleaning the rice, an integral part of Iranian meals. Although Ashkenazi Jews do not eat rice during Passover, Iranian and Sephardic Jews do. The women described the process of thoroughly checking each grain in order to make sure nothing hames was in it. Some women said they went through the rice numerous times in order to ensure it was kosher. These women believed that this was their way of doing something pleasing in the eyes of God. They did not attend synagogue, so while their husbands were praying to God, they were cleaning as a way of showing devotion.

The holiday of Passover occurs during the same month as Nowruz, the Persian New Year. Many Jewish women expressed their frustration about watching Muslim women beautify themselves in preparation for Nowruz while they would be, as one interviewee put it, "slaving away." She said "do you know how unfair it was, how frustrating it was to watch Muslim women come and go as they please and make themselves beautiful for Nowruz while our hands were dry and chap from washing and cleaning, while our backs were permanently bent from bending over and cleaning the floors and the clothes? When I look back at my life then, I don't know how I did it. I don't know how my mother and grandmother did it." Yet, she was not resentful. She explained, "it was

my duty as a wife and mother to do this and I didn't think about it. That is what a good Jewish wife does, this was our duty for our family and this is my duty to God."

Even though many women complained about their Passover duties, many said they liked doing the cleaning; they enjoyed seeing their home clean. Further, Soraya, explained: "this is what was expected of a Jewish woman, we didn't even question it." Although many women expressed how labor intensive preparing for the holidays were, the act of cleaning, washing and grinding had religious significance for these women.

When I asked if they still perform that task today, their reply was negative. Some said that they would have still done it, if they had the energy, while others acknowledged that Jewish law does not require such extremes in preparing for Passover. A majority of the women now attend synagogue on the first two days; because they are able to worship in a traditionally male way, they do not feel that they must show their religiosity through the domestic sphere. Synagogue attendance has replaced domestic tasks. . Susan Sered writes that widowhood and old age has forced "the women out of the domestic sphere into the public sphere for the performance of certain religious rituals." Now that they live in Los Angeles, the women have a more lax approach to preparing their home for Passover, yet a thorough cleaning job is still expected and has remained a woman's duty in the home.

This decline in domestic rituals in Los Angeles reveals the changing attitude of women, especially now that they attend synagogue. Neither their daughters nor granddaughters

go to such extremes during Passover. As Nahid, a fifty-five year old Tehrani woman reveals: "I don't need to prove my religiosity to God by killing myself in the home like my mother did. And I don't need to show my husband that I'm a good Jewish wife by exaggerating the cleaning during Passover. I would rather be at synagogue with my family than on my hands and knees scrubbing the floor, making it kosher for Passover." For the second and third generation of Iranian women, there is a decline in domestic rituals. Many of these women have a better Jewish education than their mothers and grandmothers, and therefore they know what is required of them according to Jewish law. Furthermore, the traits a Jewish wife must possess have changed. For the first generation, in order to be considered a proper wife, you had to devote yourself to your family and to the domestic sphere. For the second and third generation of women, the domestic sphere has been replaced with the social sphere. Religious rituals have been replaced with the social obligations women must participate in within the Persian Jewish community. Although the duties of a wife and mother are still important, what makes a good Jewish wife are not the religious rituals she performs in the house but instead, the many social rituals she must attend to.

*\*Saba Soomekh is a PHD candidate in the Religious Studies Department at UC Santa Barbara. Her dissertation focuses on Iranian Jewish Women. She is currently a visiting professor in the Theological Studies Department at Loyola Marymount University.*



used to separate their dishes, that is something Iranian Jews who have become Orthodox have learned from Ashkenazi Jews when they moved to Los Angeles. But we did keep a kosher house and we never brought un-kosher meat into our home." It is written in the Shulkah Arukh 88:10-11 and 93:1 that meat may not be cooked in a pot used for dairy and dairy foods may not be cooked in a pot used for meat. Thus one should have separate dishes for milk and meat. This Jewish law is just as important as keeping kosher, however it seems that Iranian Jewish women have allowed tradition to dictate which halakhic laws to keep, and which they regarded as being "too religious."

However, keeping kosher was so important that Iranian Jews would never eat food from a Muslim, Christian, or a member of the Bahai'i faith. Although Muslims and Jews have very similar dietary restrictions and procedures for the slaughter of animals, even the most non-observant women said they would not eat food given to them by a Muslim. Under the Pahlavi regime, many women said they did not experience anti-Semitism, yet as Shohreh, a 73-year-old Tehrani woman told me: "we still wouldn't go over to our Muslim neighbor's house and eat their food or drink tea with them.

We were cordial with them, but at the end of the day, they thought our food was najess and we definitely thought their food was impure too. My father worked in the bazaar and even though he had a lot of Muslim colleagues and friends, he still wouldn't even drink their tea."

Hamideh, a 71-year-old Tehrani woman who had many Muslim friends in her youth, remembered

that eating at her Muslim friend's home "was never an issue because people didn't socialize in that way. You wouldn't go over to your friend's house anyway. We were good friends but we never ate each other's food." Another Hamadani woman recalled that even though she had many Muslim neighbors, "at that time, we didn't socialize too much with each other. If we ate their food, we would be in so much trouble. We didn't even want the oil of their food in our house."



Having a kosher home was incredibly important, especially during Passover (Aid-e-Nissan, the most important annual holiday for women. More than any other holiday, Passover was the most labor-intensive for women. According to Jewish law, it is necessary to remove forbidden grains from one's home in preparation for Passover (Exod. 12:15-20). However, Iranian women

believed they had to renew the home completely. They started preparing for the holiday four to six weeks in advance. Many women told me that they would "clean the house from top till bottom." Everything was cleaned to make sure it was not hamess for Passover.

The Shulkhan Aruch (451:4-5) states that one must make utensils kosher for Passover. Cooking utensils are koshered by boiling, while those used for broiling over an open fire must be heated until they are red-hot or until they become so hot that a piece of paper would be singed if touched to the utensil. The women took koshering the utensils very seriously. For example, Sahar, a woman from Hamadan explained that her mother taught her to "clean everything for Passover. We started by repainting our house; we washed the carpets, and then all the sheets, pillows, and blankets. We changed all of our pillows, taking the feathers out and re-feathering them. Every plate had to be new. My mother would get boiling hot water, put it over a fire, and immerse every plate and utensil. Even the stones that she used around the fire wood had to be cleaned and koshered for Passover." Beyond the cleaning of the house, Passover was labor-intensive also because "kosher for Passover" food did not exist; thus the women would constantly re-clean their food in order to make it suitable. Every spice had to be made kosher for the holiday. Farideh, an eighty-six year old Hamadanian woman, told me "there was no kosher salt for Passover. We had to purchase blocks of salt, grind and dry them. We had to do that for the salt, pepper, and zarchoobeh --all these things, that was just the beginning. We then got

not know any official holiday prayers and if they did learn them, they learned from their fathers or husbands. Thus it was the fathers, grandfathers, and husbands who would teach their wives and children about the Torah and halakhah, mostly after coming home from synagogue. This knowledge would be reinterpreted and personalized by the women of the household and then passed on to their daughters and granddaughters.

This is what Rabbi David Shofet calls Torah she-al-peh, literally translated as "Torah of the mouth." Torah she-al-peh refers to the Torah being passed on orally, as opposed to being studied literary. Rabbi Shofet said, "Every woman married with a certain amount of knowledge. It is an oral tradition of the Torah that was passed down to daughters, they learned from Torah she-al-peh what they can or cannot do. They (daughters) were raised next to their mothers; they were raised next to their grandmothers, and thus they learned from them, what they did they followed and imitated. It is a kind of continuation of an oral and not the written Torah."

Parvin, an eighty-year old interviewee from Tehran described her Shabbat dinners to me as being very non-religious. She believes her family was not religious because her father studied in Paris and her family was considered to be roshan-fehr, meaning enlightened. I have found that when women use this word to describe their family, they are implying that their family was more westernized and modern. In their understanding, westernization leads to enlightenment, which they saw as being the opposite of religious. Parvin told me her father never went

to synagogue, that he was not concerned with religion, and thus her mother never lit the Shabbat candles. Yet every Friday night, although they did not celebrate Shabbat, her mother still found time to make a very labor intensive and elaborate dinner with typical Iranian Jewish foods, such as ghondi, ob-ghoosh, and certain stews. Thus for her family, although they did not celebrate Shabbat by lighting the candles and saying the prayers over the bread and wine, they still observed Shabbat and upheld their Jewish identity through her mother's Jewish meals.

#### Food used for Identity

Cooking traditional Shabbat foods was an important way for women to maintain their Jewish identity in the home. The Jewish Persian cuisine is complex, incorporating a blend of spices, fruits, nuts, and herbs. It took days for women to purchase, clean, cut, chop, and cook the stews, rice, and meat dishes; this activity made the profane act of cooking into a sacred activity. The Iranian men distribute the food and sit at the head of the table, yet without the women, the Shabbat table with its ritual foods would not exist.

When writing about Iranian British women and their domestic food work, Lynn Harbottle asserts that women's domestic food duties are perceived to be high status work. The preparation of food functions as an integral element of daily healthcare and it also holds symbolic significance because it is seen as maintaining ethnic identity. Similarly, anthropologist Susan Sered argues that the labor-intensive food preparation done by elderly Israeli women in Jerusalem is a sacred task and allows women to get involved in religious activities. This argument is based on

the fact that due to Jewish dietary laws, food preparation can be understood as a religious ritual and through food preparation one is preserving Jewish identity and tradition. Sered also asserts that food preparation epitomizes women's interpersonal and familial approach to religion and allows them to fulfill mitzvot and be connected to the Jewish liturgical calendar and the Jewish symbol system.

Not only was it important to make traditional Jewish meals on Shabbat and other holidays, it was also important to maintain a kosher home. The laws of kashrut are first discussed in the book of Leviticus; the actual instructions for implementing these laws appear in the Talmud and the sixteenth-century Shulhan Aruch. The rules of kashrut provide a way to make the profane act of eating into a sacred ritual act. The separation of milk and meat is the most prominent distinguishing mark of the Jewish home; the family becomes directly involved and the kitchen receives its Jewish character. The laws concerning the consumption and cooking of milk and meat together are based on the one verse that is repeated three times in the Torah: "Though shalt not seethe a kid in its mother's milk" (Exod. 23:19, 34:26; Deut. 14:21). Many of the religious and non-religious women said that as children and later as wives, they bought only kosher meat for their home. They never mixed meat and dairy together.

Iranian Jewish women took the laws of Kashrut very seriously. Yet, almost none of my interviewees, even the most religiously observant ones, separated dishes for dairy and meat. One respondent told me "that is too fanatical for us. No one in Iran

to form their own Jewish experience. Parvin Paidair asserts that Middle Eastern women are the backbone of social systems such as family and community; they help sustain and change them. I will argue that the matriarch in Iran enabled women to develop a relationship with God and become ritual experts in their community.

#### Ritual Practices and Beliefs

In my interview with Rabbi David Shofet from Nessah Temple, an Iranian synagogue in Beverly Hills, I was told that although Iranian Jewish women both in Tehran and Hamadan received little education and the economic situation for Iranian Jews was bad and the majority was poor, still, the religious life of Iranian Jewish women was very rich. Speaking about Iranian Jewish women under the Pahlavi monarchy, Rabbi Shofet stated, "They did not have a very close relationship with the practical aspect of religion. Judaism to them is not only a belief but it is

exemplified through a series of actions and mitzvot. Most of these mitzvot are related to the home. The first thing that was pivotal to a Jewish woman was how to keep Shabbat; ninety to ninety-five percent of the homes kept Shabbat."

Lighting the Shabbat candles is the quintessential Jewish women's ritual. According to Jewish sources, women are commanded to light candles on the eve of Shabbat because women must amend for Eve having "put out the light of the world." Jewish law requires one to light the Shabbat can-

dles; there are elaborate Jewish texts describing what time and in what matter the candles must be lit. According to Jewish law, two candles must be lit in each household and the woman who lights the candle must recite a formal Hebrew blessing ("Blessed art Thou, Lord our G-d, King of the universe, who has commanded us to kindle the Sabbath lights").

A majority of women said that Shabbat is the most important holiday celebrated in the home. My interviewees told me that as young

we wouldn't work on Shabbat. We always had a Muslim housekeeper so we never had to touch fire or even the samovar -the housekeepers did it for us."

When I asked who said the prayers over the candles, a ritual the mother of the house is supposed to perform, she said her father did, because he knew the prayers. It is interesting to note that she took great pride in mentioning that her family would not touch fire or even the samovar during Shabbat, thus emphasizing that her family followed Jewish halakhah

, however, she was not aware that under Jewish law, even her Muslim housekeeper should not use electricity on Shabbat in their Jewish home. Jewish law states explicitly as a general principle that one may not ask a non-Jew to do anything on the Sabbath that one may not do ourselves. This demonstrates how little women knew of halakhah. Instead, they followed

traditions that were passed on to them by their mothers and grandmothers.

Many interviewees lit candles yet did not recite the Jewish prayer over them because they did not know the official blessing. Thus, they would say their own blessing. If they were praying for the health of a loved one or remembering the passing of a loved one, they would light more candles, one for each person and again, they would supply their own blessings.

Most interviewees told me they did



girls their Thursday and Friday mornings were spent helping their mothers and later their mothers-in-law with cooking, cleaning, and lighting the candles. It was an elaborate and labor-intensive process for the women, yet they saw it as an act of consecrating the home. Homa\*, a ninety-year-old interviewee from Hamadan described Shabbat in her home: "Our whole family would get together and eat the food my mom and all the ladies in the house prepared the day before on Thursday. We would light the Shabbat candles;



# A Journey Through The Lives Of Iranian Jewish Women

By: Saba Soomekh\*

*An elderly Persian woman makes a dramatic gesture of opening her arms widely as the Torah is lifted out of the Ark. She then places her hands over her eyes, says a blessing, and kisses her hands. She most likely neither understands the prayer service nor the rabbi's sermon, yet she will walk, get a ride, or take the bus in order to attend synagogue every Saturday. In the same synagogue, her daughters, granddaughters, and great-granddaughters will also partake in the prayer service, with each generation developing a greater understanding of the liturgy and sacred text than the preceding generation.*

This is a typical Saturday morning in some Ashkenazi, Sephardic, or Iranian synagogues in Los Angeles. Women along with their children, grandchildren, and great-grandchildren describe themselves as having been pious Jews in their native country of Iran and now in the Diaspora. They believe that whether they were born and raised in a conservative Shi'i country like Iran, or in a pluralistic society like America, religion is a major component of their lives. How can we interpret the way a group of elderly women, who are illiterate in Hebrew and excluded from a male-dominated Jewish culture, define piety in their own lives? If the religious aspects of Judaism were never taught to them, how do they know what to do for the holidays? How do they define their

Jewishness? In this article, I will explore Iranian Jewish ritual life as understood by elderly women in order to examine how Persian women, who lived in Iran and live now in Los Angeles, express their piety and participate in the Jewish community.

This article uses information from forty to fifty women from Hamadan and Tehran. They grew up during the Constitutional Revolution (1906), and the establishment of the Pahlavi Dynasty by Reza Shah (1921-1941), and became mothers during Muhammad Reza Shah's reign (1941-1979). I have chosen Hamadan for numerous reasons. Hamadan holds great importance in Judeo-Persian history because the story about Queen Esther and her uncle Mordecai took place there. Thus, Iranian Jews believe their history grew in this city. Also, unlike other Jews in Iran, the Jews of Hamadan were not ghettoized and therefore were more integrated into the community. The Alliance school and numerous missionaries settled in Hamadan, thus Hamadanian Jews had knowledge of their Jewish traditions and were exposed to other religious traditions.

The women from Tehran, the capital of Iran, provide a good contrast because the Tehrani Jews were ghettoized and were less integrated into Iranian society. Further, both communities are established in West Los Angeles and Beverly Hills. Thus, the body of my evidence comes from

people who are both positional and representational, with the dynamic of my narrative coming from the oral stories of these women.

To understand the role of Jewish women and their ritual practice, one must focus on the area in which they exercised the most power and authority—within the domestic sphere. The duties of a housewife and mother were so important that rabbis exempted women from time-bound mitzvot. Rachel Biale states in the book, "Women And Jewish Law", Rachel Biale states that a number of modern writers have legitimized this position by stating that the Mishnah takes into consideration the woman's domestic responsibilities. Biale writes that women in traditional Jewish societies were encumbered by the demands of children and home, which dictated a woman's timetable. Therefore, time-bound mitzvot would interfere with her and unreasonably burden her. According to the Orthodox perspective, women are bound to the domestic role for spiritual reasons and are set apart from the clock that dictates the lives of men. Therefore, the demands of her husband and children take precedence over the commands of G-d.

As in most traditional societies, the role of Middle Eastern women was centered in the home and family. Although Middle Eastern Jewish women were traditionally segregated from men who practiced Judaism in the public sphere, they were still able

know. "He no profit from God. He no from Middle East". The way he pronounced "Middle East" got me curious. What do you have against the Middle East? I asked. " Oh, no! Middle east good... for Camels, Not for prophets. Desert too hot. Heat no good for prophets. Too much heat wrong message" I didn't get it. I asked what does heat have to do with Buddha's big belly. They said "Oh, nothing! Chinese food delicious! Buddha loves Mooshoo Pork!"  
May be there is something profound

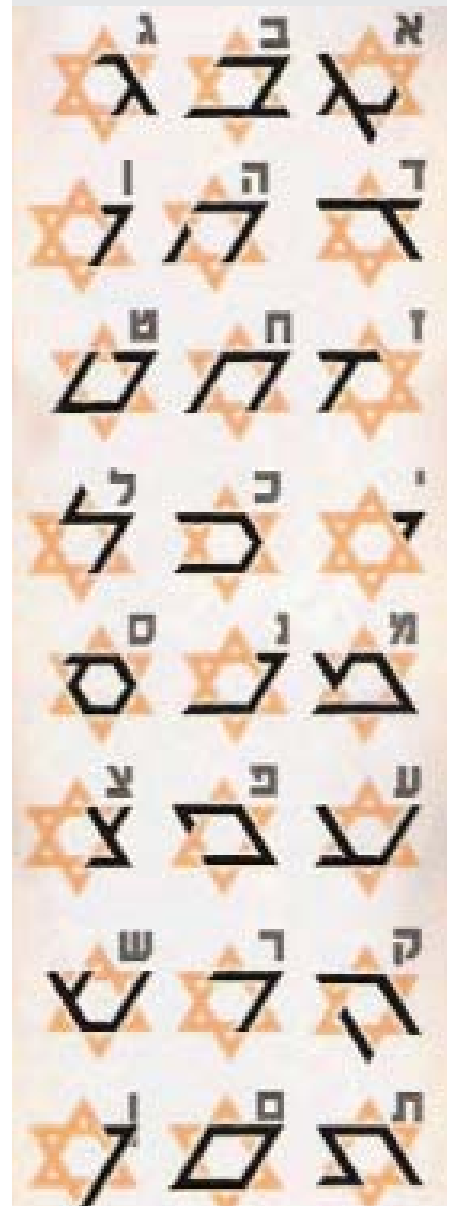
in what they said, but I sure felt lost in translation.

Oh, well! I hung around Chinatown on that scorching LA afternoon. Buddha was right. Mooshoo Pork was delicious, and the heat almost made me forget about my little theory.

*\*Ali Pourtash is a writer, Producer, actor, and director of many successful Persian and English plays, television and film.*

## All the letters of the Hebrew Alphabet are found in a Mogen David.

This phenomenon is not found in any other language.



## Just a Little Theory...

# A Humorous Commentary

by: Ali Pourtash\*

I have this little theory. If Jews, Christians, and Moslems got together and blamed the Romans for killing Jesus, %80 of the world problems would be solved.

I hear the other %20 the global Warming, is already being solved by Al Gore.

Proud of my little theory, I went around and showed it to a Jewish person. After all, Jesus was one of them and we all know Jews would never kill one of their own. He took a look at my theory, scratched his head, smiled, looked at me as if I needed to take my pills, and then wished me luck.

Next, I showed it to a Christian. He did not scratch his head. Said I needed to read the Bible. I told him I only read non-fiction. However, I told him I love movies and saw the Romans, not the Jews, beat up Jesus, put huge nails on his hands, and hang him on the cross, in "The Passion of the Christ". He told me he loved Mel, loved the movie, owns the DVD, seen it as many times as he has read the Gospel according to Saint-you-know-who, but still insisted I read the Bible.

Later, I showed my theory to a Moslem. After all, Jesus is a prophet to Moslems, though not a perfect one to them, otherwise god would have not sent Mohammad. BANG! In a surprised attack he grabbed the Koran and hit me in the head so hard with the Holy book that now; I do need to take my pills. When I asked "why the violence?" He simply

replied: "A true Moslem never defends a Jew". When I told him I am a non practicing Moslem, BANG! In another surprise attack "He hit me again with the same holy weapon" He told me If I keep it up, those 72 virgins promised to the Moslems, won't be virgins anymore by the time they meet me in heaven. I don't care. Those virgins don't impress me anymore. The world will never forget it was because of those 72 virgins that the Twin Towers collapsed. Besides, I'm married now and she is very jealous.

I still liked my little theory, though. I honestly don't have anything against the Romans, I love their spaghetti, Pizza, and Sophia Loren, Who doesn't? But, frankly I think the Jews have been framed by the Romans of the olden days, for a crime they did not commit. I believe if every Jew on earth took a DNA test, they would come out clean.

Being a political person, I decided not to give up. I went around again and this time I showed it to some Democrats . They ignored the Jesus part and thought the part about the Romans had a nice angle to it. But, boy! Did they ever love the Al Gore part!. Showing it to the Republicans was a different story. They hated the Al Gore part and did not think the angle on the Romans had anything to do with the upcoming election and how those Liberals are going to take over the Administration and ruin this country. When they saw me standing there, looking confused they sug-

gested with the Israeli/Palestinian situation, the best person to help me is the Pope himself, who is neither a Jew nor a Moslem. I figured they probably didn't want to hear about my little theory anymore, so they were politely sending me on a wild goose chase. I agreed to give the holiness a try.

With a little method acting, to my surprise, it was very easy to get the Pope on the phone. I introduced myself as the owner of the biggest birth control factory in the US wishing to give donation to the Vatican. Before you can spell Abortion, Papa was on the phone with me. I told him about my little theory. He said let bygones be bygones. He assured me the Lord has forgiven the Romans. I told him that's nice. But does he have any idea, when the lord's going to forgive the Jews. Papa forgave me for asking that question, then blessed me for the donation, and told me to take my pills; my own manufacturing pills. (I know he is against the birth control, but in my case, I think he didn't want to see more people like me on the planet.) then the Holiness hung up on me. I guess he was late for a big Mass for the Romans (the citizens of Rome).

I don't know! I still like my little theory.

Finally, I heard Chinese are smart so I took it to china town. when I told them about my theory, they didn't know what I was talking about. They showed me a statue of Buddha. "You know why he fat?" they said. I didn't



and foe alike, adversary and ally. Fear is painful. I hate its frequent companionship. Yet it challenges me. It energizes my senses. I have learned not to be ashamed of my fear, but to embrace it. One cannot be brave without it...fear confirms that at my heart-core, life, not death, is the authority. The dead are not

translated, this phrase means "go to yourself". There are huge implications in this interpretation. It is a call for self-recognition, empowerment, and faith. It is a commandment that one must mobilize, pick him self up, despite the fallout, and move on.

FACT: Life is painful and difficult. We cannot run or hide from it. We

loving, honest and appreciative. Quitting a job that physically and mentally taxes a person is a chance to find a more suitable one. Losing a loved one only emphasizes the worth of others who are still here. As cruel as illnesses are, they are cause for gratefulness upon recovery, and therefore a reminder that our bodies



afraid. Fear is the painful affirmation of my being.... I am!"

Part of a happy life, is the ability to create resilience to pain and good judgment in challenging situations. This is a lifelong process that starts with composure and common sense, and builds on itself. "Lech-Lecha - Go forth, move" God told Abraham when it was time for him to get out of his father's land and go into the unknown promised land. Literally

cannot shelter our children from its mighty grip. The only thing to do with the inevitable is to manage it. As obnoxious as it sounds, it is possible to welcome pain, to be grateful for disappointment and loss, and make frustration a friend. Once one fails, he is immediately eligible to start over, fresh, and do it better next time. A difficult break up is the end of one relationship, and a new opportunity to find someone better, more

are holy, that we need to appreciate our fragility, respect our mortality, and celebrate our and others' health, above anything else.

I know a thing or two about pain, and I know this to be true. "The pain pushes, till the vision pulls". Hashem works in mysterious ways. Pain and fear is the order of the universe through which He speaks, and pushes us out of darkness, and pulls us towards the light.

# The State Of Happiness

By: Tanaz Kamran-Rahbar

## A four part series

Part II- PAIN, AND THEREFORE FEAR

"The pain pushes, till the vision pulls." My friend taught me that when I was going through one of the toughest times in my life. I felt like I was drowning in my pain. The weight of my failures felt heavy on my neck. The disappointment in others around me... well, I resented everything and everybody. My friend taught me to look beyond it all and envision the time after all this hardship would fade. Pain blurs the vision, and weighs down courage, allowing fear and panic to seep in through the cracks. I tried, however, to keep my focus and rise above it all. I made good use of my pain, allowing it to push me forward, rather than take me down. I did not know what the vision was yet, only that it was there, waiting for me. All I had to do was make it over there, crawling if need be.

Pain is a large part of life. So much so that, for almost all people, at least a good portion of every day is spent feeling bad. By pain I mean failures, disappointments, skinned knees, hurt feelings, and what not. In some texts, these feelings are referred to as "ordinary unhappiness", as they are expected and even normal. I offer that pain is an indispensable part of existence. Without pain, there can be no motivation to go forth and affect happiness. Without failure one cannot achieve success. The bitterness of grief and depression is the only

way to once again find the sweetness of joy, and savor its pleasures. Fear, I must add, is the fuel that propels us towards productivity and creativity.

If you look very closely at the Shabbat candle, the symbol of the holiest of times in our week, you will see that the candle, which symbolizes light, beauty, and spirituality, has at its center a blackened wick. How is it that this divine light emerges out of blackness? It is a part of order in the universe that the wick must burn and turn black, so that light can be created from it. And so it is with life, that there must be pain, in order for pleasure to be created. They are two sides of the same coin. Pain helps us distinguish between right and wrong. It is the nagging of the conscience when we want to deny the truth, and hide from our mistakes. It is the dark shadow that never lets go until it is satisfied that it has been seen, felt, recognized, respected. Otherwise, it will wreak havoc on our being through fears, anguish, guilt and even self-destruction. It is the constant reminder that we are responsible, that life is a serious matter, and that we must continue to grow, and move on, upwards and forward to a better place, lest we shall perish. Every time in my life that I have felt bigger, better, and closer to my true self, has been after a huge period of difficulty, when some life challenge threatened to throw me off, and I overcame it. Sink or swim; it is that simple.

Looking for quick fixes to life's humps and bumps, like over spend-

ing, drinking, smoking, drugs, picking fights, over working, excessive TV watching, and all other creative methods of short-term avoidance, is self-destructive. In her book, "The Blessings of a Skinned Knee" Wendy Mogel says "the more we look to rescue ourselves from distress", the less we learn in life, and the less happiness we bring about. We must learn to accept these periods of difficulty as "an opportunity to learn that we can suffer and recover on our own." Also, she believes that "learning to tolerate emotional distress" is part of building good character. She says: "Mitzrayim, the Hebrew word for Egypt, means 'straits', 'narrow place', or 'blockages'. Most of the Hebrew slaves in Pharaoh's Egypt could not imagine that they might successfully escape to freedom. Commentators on the biblical book of Exodus tell us that only 20% left to follow Moses. The rest stayed behind, enslaved by their fear of the unknown." This courageous 20% were the ones who, despite their fear, moved on anyway, and chose faith, rather than doubt and panic, and braved the "blockages" ahead of them, to find a better life for themselves and their children...and here 'we' are today. We are the children of those who chose to rise above, to overcome, and to move forward and upward.

Gerry Spence, a world famous lawyer known for never having lost a case, says this about the subject: "Fear is our ally. Fear confirms us. Fear is energy that is convertible to power - our power." " Fear is friend

seems that everyone is having a difficult time realizing their goals because they are all trying to reinvent the wheel over and over again. "I don't understand why we all don't work together?" Questions Nazarian, "after all, one unified community is stronger, as opposed to splitting off and working alone."

It was in this vein that when Younes Nazarian and Manouchehr Nazarian (President of the Iranian-American Jewish Federation) received a phone call last summer from Deputy Prime Minister and Minister of Transportation & Road Safety, Lieutenant General Shaul Mofaz, requesting them to rebuild the lives of the numerous individuals and families affected by the second Lebanon war, he decided to take this issue to the community. The ENTIRE community. He began by calling John Fishel, president of the Jewish Federation of Los Angeles, and asking him to combine efforts with the Iranian-American Jewish Federation in order to answer the needs of the Israeli people in the best possible manner. Nazarian then called upon community members and leaders of the various Iranian-American Jewish organizations to come together and raise money for this endeavor, and Mr. Nazarian agreed that the Nazarian Family Foundation and Jewish Federation of Los Angeles would match funds raised by Iranian-American Jewish Federation, in order to ensure that those in need will receive an amount of funds that will truly help change their lives. "I told them, just leave behind the politics, and really look at the people and Israel as a whole, and it worked."

Over 2.2 million dollars was raised and through the Ima Foundation, was

given directly to those in need. Last year, Nazarian along with John Fishel, and Manouchehr Nazarian, were able to visit Israel in order to personally ensure that the money was being used where needed. The money was used primarily to help rebuild bomb shelters, rebuild family homes and businesses, and help rebuild schools and pay for school supplies. It also helped supply over 1400 families with food vouchers. "The biggest reward was giving the money directly to the people in need, with no middle man getting in the way, and watching the people use it to rebuild their lives." Nazarian continued. "The reaction from Israel and the Israeli people was tremendous, but what was even more pleasurable was the positive reaction of the Iranian-American Jewish community in Los Angeles." Said Nazarian, "I think it really drove home the message that we all have a common goal and that if we stick together the goals can be achieved in such a greater manner."

Asked about their cooperation John Fishel remarked, "When Younes Nazarian approached the Jewish Federation and asked that we work together to help Israel, it was such a great joy for me and the Federation to have this opportunity to really work closely with the Iranian Jewish community." Fishel feels that in the past the feeling had always been that the Iranian community would rather separate themselves from the greater Jewish community; perhaps they felt that coming together meant a loss of their Iranian identity. "We had witnessed this with other minority communities as well." Said Fishel, "Even in the 1920's and 30's with the migration of Polish and German Jews to the U.S. there was a tendency to keep

separate in fear that coming together would result in a loss of identity and culture." Fishel went on to say that eventually, however, each community comes to realize that they don't have to lose their cultural identity in order to strengthen the Jewish community, and that people eventually realize the value of working together for the greater good of our people. John Fishel expresses much excitement about the work that he and Nazarian did last summer for Israel and is looking forward to working on future projects with the Iranian-American Jewish community.

"I will continue my efforts on behalf of Israel and the Iranian-American Jewish community for as long as I am alive." Stated Nazarian, "but my true hope is in the future and in the younger generation. They have had opportunities in terms of education and life style that my generation never had, growing up in Iran. My hope is that they will take what this country has provided for them and give back to the Jewish community and the State of Israel."

Both Younes Nazarian and John Fishel feel that it is every family's obligation to ensure that their children visit Israel as well as Nazi concentration camps such as Auschwitz in Poland. "It is only when one visits these places in person that it puts everything in perspective. Then you realize the importance of maintaining a strong community that works together and comes together for the greater good of its people. Perhaps then, the mission we have will continue to live." Nazarian concluded.

*\*Mastaneh Moghadam is a licensed social worker and the Director of Iranian Peer-Counseling at Jewish Family Service of Los Angeles.*



# One Community, One Mission

By: Mastaneh Moghadam, L.C.S.W.\*

Younes Nazarian is a man with a mission. A mission he believes to be shared by the majority of Jewish people around the world. The mission is, to support the State of Israel in any way possible, so that Israel can continue to support the freedom and values of the Jewish people and be a safe haven for those in need.

We can all probably spend hours debating the nuances of this mission. I am sure we can argue what support for Israel means and have a thousand different notions on what our roles should be as individuals in providing this support. However, what we cannot argue with is the devotion that this man has to the State of Israel and the Jewish people. Nor can we argue his vision. For, Younes Nazarian is one of the few people in this world who is not just a talker, but also an achiever. One only needs to take a glance at his life long accomplishments to realize this.

As a well-known industrialist and businessman, Nazarian co-founded and owned companies involved in manufacturing and import/export of construction equipment in Iran and Israel. In the United States, Nazarian was a co-owner of Stadco, a tool and dye manufacturing company for specialty parts in the aerospace industry. He was also a co-founder and major shareholder of QUALCOMM Inc., a leader in the development of digital wireless communications and technologies. But it is not just his entrepreneurial successes that we should look at if we want to learn about this man, but his many philanthropic

efforts.

As a leader of the Iranian Jewish community in Los Angeles, Nazarian is a strong supporter of numerous charitable organizations in both the U.S. and Israel. He serves on the National Board of Directors for Friends of the Israel Defense Forces and is Chairman Emeritus of their West Coast office in Los Angeles. He is a member of the Board of Directors for the Jewish Federation of Los Angeles and the Iranian-American Jewish Federation. He also served as Chairman of the Habib Levy Cultural and Educational Foundation and as a member of the Board of Governors of the University of Haifa, to name just a few of his many endeavors.

But perhaps what he is most proud of is his work with the Ima Foundation. Named for his mother, this foundation was established by himself and his wife, Soraya Nazarian, a sculptor. The Ima Foundation is based in Tel Aviv under the direct supervision of Dr. Miri Katz. The primary mission of the Ima Foundation, as well as its U.S. counterpart the Younes and Soraya Nazarian Family Foundation based in Los Angeles, is to promote education as the most important vehicle to bridge socio-economic gaps and encourage the pursuit of excellence. Both foundations have funded construction of new buildings at the Jerusalem Academy of Music and Dance, the Academic Library at Sapir College and a new wing of the library at the University of Haifa. The Ima Foundation also grants

scholarships, and funds various projects in the field of education, such as funding a project to computerize the libraries at the University and college level so that they are all interconnected. "We wanted to make sure that students have the ability to access any book they need in a timely manner and the old system was slow and outdated." Nazarian said.

With a clear and focused vision and a never-ending amount of energy and enthusiasm, there is one thing that Nazarian is sure of, that he cannot do it alone, nor does he want to. Nazarian feels that great movement comes from a variety of people working together towards a common goal. He feels that the biggest obstacle that he has come across within the Iranian community has been their resistance in joining efforts and working together. "In Iran we were all just Jews and there was a camaraderie in that. No one ever questioned what kind of Jew you are or how you practiced your faith or what synagogue you belonged to." Nazarian explained.

Nazarian feels that this unity was the reason for the numerous success stories that came out of that community. "Once we got to the United States, however, it seems that we began to split as a community." As an active member of a number of different organizations and synagogues created by the Iranian community in the Los Angeles area over the past 30 years, Nazarian has found that the underlying missions of all of them continue to be the same. Yet, it



# Board of Directors Elections



**Dear Friend:**

The Current term of the Iranian-American Jewish Federation's Board of Directors will end on April 30, 2008. The board members are preparing for the elections.

Dr. Mojgan Hakimi, Current President of Nessah Cultural and Religious Center, has been chosen as the election director.

Mr. Nourollah Gabay, current member of Board of Director at the Iranian- American Jewish Federation and Magbit Foundation, will serve as supervisor.

Details of this election will follow.

We urge all interested parties to announce their candidacy by signing on at the special website created for the upcoming election, [federationelection@yahoo.com](mailto:federationelection@yahoo.com).

**Board of Directors**  
**The Iranian-American Jewish Federation**

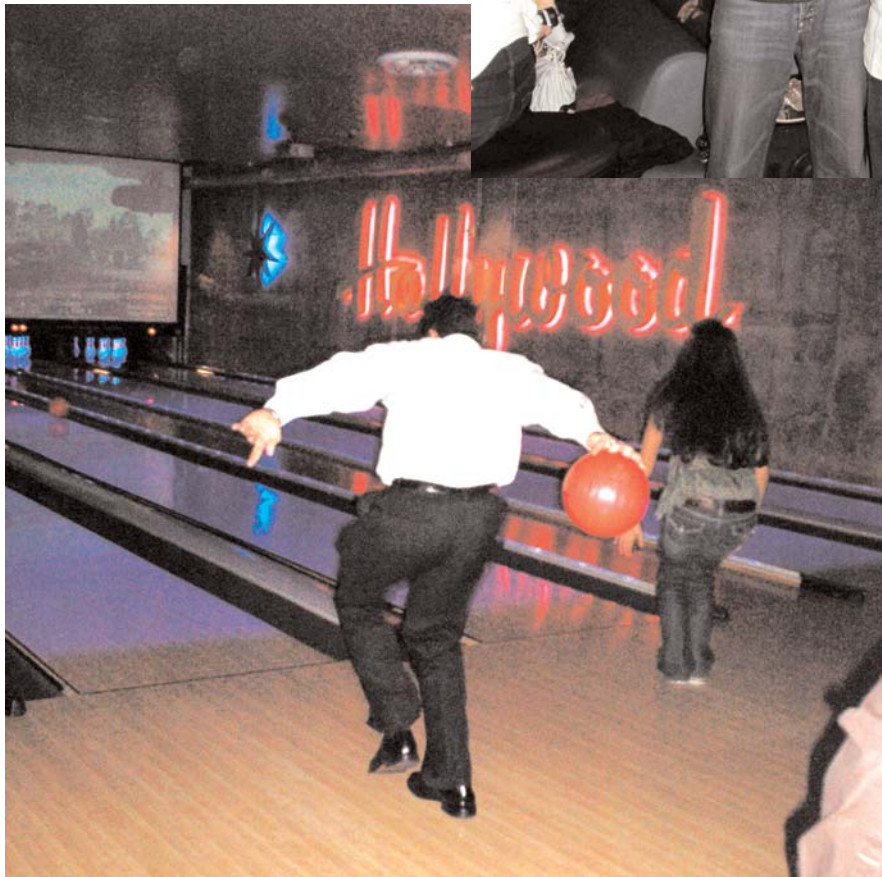
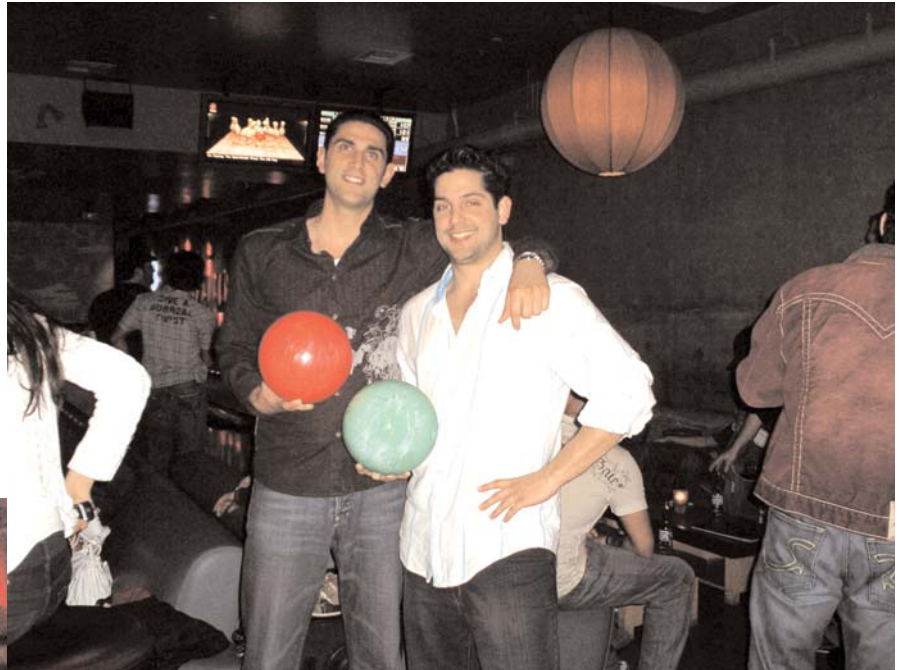


# Bowling Night at Lucky Strikes in Hollywood

By: Farnoush Abrishami

April 1, 2007 was a wonderful night of bowling, socializing with friends, and meeting new ones, at the latest gathering planned by Generation 26 (The Iranian American Jewish Federation Youth Group). Over a hundred young adults attended the bowling party, which was held at "The Lucky Strikes" in Hollywood.

It was amusing, and fun to hear the chitchats being exchanged among the players while competing for the number one spot at bowling. The co-chairs of Generation 26 are Alan



Nazarian and Isaac Gabai who have been serving in their current position in the new Executive Board of the Iranian Jewish Federation. Within the last year the youth committee has planned many such successful events for the younger generation while helping the different committees in their endeavors. The co-chairs and members of Generation 26 welcome any one who would like to be active within the group and encourage the young who are interested to attend their meetings or the up coming events to contact them through the Federation's office. The planning members are hoping to have monthly social, and educational events where the younger generation of our community can meet in a safe and fun environment.





# The Passing Seasons

## Editorial

Mojgan Moghadam-Rahbar

Spring has passed, summer is slipping by in its usual lazy, yet swift manner, and we are awaiting the beginning of fall. For Jews fall is the start of the New Year. Rosh Hashanah and its ceremony and traditions are a well-loved part of the Jewish identity. I believe that Iranian Jews living in western countries are very lucky. We have the choice to celebrate three New Year ceremonies and begin a fresh outlook in life three times within a given year. We welcome the rejuvenation and beauty of spring by celebrating Norooz and enjoying its ancient traditions. We celebrate the arrival of fall and the cleansing of our souls with Rosh Hashanah and Yom Kippur, and beginning of the Hebrew New Year. Finally we make New Year resolutions and start a new day by celebrating the Christian calendar.

G-d has given us three chances to start anew, hoping that our wishes and dreams will become reality. There are many sharp turns and unpaved roads in everyone's life that need to be experienced in order to achieve and encourage growth. The coming of each New Year helps us remain positive and generate energy for all that needs to be taken care of. The Iranian Jewish community has had its fair share of twists and turns, asperity and up hill roads to walk. We must be grateful to have passed and not only survived but succeeded in making the best of all that has obstructed our way. If we take the pessimistic view, we can argue that

our community faces many incredible problems and maladies, and that we have not progressed in the past two decades. Our elders have been forgotten and our youth has gone astray. But if we take a closer look at our community and its complexity and intricacies in a positive and tolerant manner, we will notice that in the past twenty-five years our small community has traveled far by achieving an amazing amount of growth and modification, which would have taken any other community over fifty years to achieve.

As I was leafing through old issues of Shofar, I noticed that the pages written for the youth and younger generation in the early issues were in Persian. These articles were designed to help the immigrant youth who was struggling with a new and strange culture and way of life. Years later when I joined the team of "Payman" as editor, we decided since it was difficult for our youth to read Persian, we need to add an English section to involve and inform the younger generation. These pages were designed for an energetic, and motivated youth who had found the key to success and progress in the host country and were pursuing their wants and dreams in a swift manner. They were to capture a future that seemed lost to many of us. Today, as the editor of Shofar, I have come to realize that our English section has transposed into an entirely new segment. The youth and young adults of our community are facing new challenges

and confronting many new conflicts. The young parents who have been educated and raised in the United States, yet retain the pure cultural identity and values of an Iranian Jew, know that they belong to a unique society. A society that in many ways has successfully captured the beauty of the two worlds they have lived in. Instead of running away from this singular community, they have embraced it and encourage their children to do the same.

As Iranian Jews living outside Iran we are blessed to be learning about new cultures and traditions, as well as enjoying the benefits of an ancient and profound cultural identity. Through out the centuries we have been able to retain our values and traditions and absorb the positive and constructive qualities of other cultures. This is why we are able to celebrate three new years in the span of one given year. We look forward to the future and the progress that will be made by the next generation with out forgetting about our elders and what they have achieved.

I would like to thank all of our dear readers for their support and encouragement on the publication of the last issue of Shofar. Your phone calls, letters, and kind words make a hard task enjoyable. I hope that the New Year will bring with it peace, health and prosperity for Jews and humans around the world, happy Rosh Hashanah.

# *The Fresh Experience*



Main: (310) 659-7070

(310) 659-ELAT

Tape: (310) 650-9983

Fish: (310) 659-9253

Meat: (310) 659-9250

Fax: (310) 659-7434

E-mail: [elatmarket@aol.com](mailto:elatmarket@aol.com)

8730 W.Pico Blvd  
Los Angeles, CA 90035





# Shofar

Iranian American Jewish federation Quarterly  
Special summer and Fall 2007 Issue



دفا تر حقوقی

متخصص در  
صدمات جدی بدنی  
ناشی از سوانح:  
- اتومبیل  
- موتور سیکلت  
- آتش سوزی  
- زمین خوردگی  
- حمله حیوانات

## ACCIDENTS

Personal  
Injuries  
Auto  
Motorcycle  
Burn Accidents  
Slip & Falls  
Animal Attacks

## دکتر کامران یدیدی

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال آمریکا

دریافت کننده میلیون ها دلار غرامت از شرکت های بیمه با پشتوانه سالها تجربه و تخصص در امور

# تصادفات

با همکاری قوی ترین کادر قانونی در کالیفرنیا

[www.legaldefenders.com](http://www.legaldefenders.com)

CENTURY CITY . SHERMAN OAKS, SANTA ANA

Cameron Yadidi Brock

Attorney at Law

# 1(888) 97.97.97.9

LAW OFFICES OF BURG & BROCK, INC. A.P.L.C.

Iranian American  
Jewish Federation,  
1317 N.Crescent Heights Blvd.  
West Hollywood, CA 90046  
Address Correction Requested

PRESORT ORG  
US POSTAGE  
PAID  
PERMIT # 1522  
LOS ANGELES, CA